یا لثارات الحسین (ع)

پنج‌شنبه
۲۶ شهریور ۱۴۰۵
۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸
۱۷ سپتامبر ۲۰۲۶

سال دوم
قیمت: ۱۰هزارتومان

شماره
۶۴۰
www.Agaah.ir

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

آگاه
آگاه باشید؛ تا قله راهی نیست!

پرونده ویژه

«آگاه» در پرونده ویژه خود به بررسی تحول در مفهوم دفاع پس از سه جنگ تحمیلی و اتخاذ راهبرد درست در برابر دشمن پرداخته است

راهبرد برنده؛ استراتژی تهاجم

با آثار و گفتاری از:
سعید توتونکار، علی اکبر احمدی، سعید سپاهی، فاطمه ارجمند
مصطفی یزدان پناه، معصومه فردوسی، حسین انجدانی
مرتضی امیری نژاد، شادی ورشوچی و زینب صفایی



ساسان زارع، سخنگوی ستاد مردمی پویش جان‌فدای ایران در نشست خبری این پویش از آغاز آموزش‌های نظامی و امدادی خبر داد

هزار گردان در راه است

۲

استراتژی تهاجم؛ استراتژی برنده



سیدمرتضی مفیدنژاد
روزنامه‌نگار

«واقع‌گرایی تهاجمی» یا «رئالیسم تهاجمی» یک نظریه روابط بین‌الملل و بخشی از مکتب نوواقع‌گرایی است که برای نخستین بار توسط جان مرشایمر مطرح شد. این نظریه با توجه به مبنای واقع‌گرایی، خود مدعی است که آشوب زده بودن نظام جهانی باعث رفتار تهاجمی دولت ها در سیاست بین الملل است. از دیدگاه جان مرشایمر، قدرت‌های بزرگ همواره درپی آن هستند که راه حفظ بقای خود را در جهانی که هیچ مرجعی برای حفاظت از آنها در برابر یکدیگر وجود ندارند، کشف کنند. بنابراین، بلافاصله متوجه قدرت به عنوان کلید گنج بقا می‌شوند. او معتقد است هدف غایی یک دولت این است که در نظام بین‌الملل به هژمون تبدیل شوند. اساسا نظام بین‌الملل قدرت‌های بزرگ را تشویق می‌کند تا قدرت نسبی خود را به حداکثر برسانند، زیرا این تنها راه مطلوب برای به حداکثر رساندن امنیت است. به عبارت دیگر، بقا، خودیاری و هرج و مرج نظام بین‌الملل، مستلزم رفتار تهاجمی است. دولت‌ها اگر بخواهند بحث بقای خود را افزایش دهند باید قدرت بیشتری به دست بیاورند. از نظر مرشایمر نظام بین‌الملل دلایل خوبی برای رفتار تهاجم‌آمیز در اختیار قدرت‌های بزرگ قرار می‌دهد.

مرشایمر با لحاظ کردن چنین نظریه‌ای دائما بر این مقوله تاکید می‌کند که اساسا حملات رژیم اشغالگر و آمریکا در دو جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه تصمیم اشتباهی بوده است و تبعات جدی خواهد داشت چرا که از نظر او جمهوری اسلامی ایران دارای یک قدرت پیش‌بینی‌ناپذیر شده است. او سه ماه قبل در مصاحبه با پیرس مورگان گفت: «بیایید تا قبل از ویران شدن اقتصاد بین‌الملل به این جنگ پایان دهیم. ایرانی‌ها تا مغز استخوان ملی‌گرا هستند و هرگز دست‌های‌شان را به نشانه تسلیم بالا نخواهند برد.»

در همین راستا و فارغ از هر بحث دیگری واقعیت این است که هر کسی بخواهد مدل جدیدی از زندگی و حکومت داشته باشد و از مسیر تعیین‌شده توسط قدرت‌های بزرگ دنیا خارج شود، ناخودآگاه هدف حملات قرار می‌گیرد. در جنگ اول، دشمن با ارتش و تانک‌ها می‌جنگید؛ اما امروز رژیم اشغالگر و آمریکا از روش‌های پیچیده‌تری مثل جنگ‌های نامتقارن، فشارهای اقتصادی و حملات سایبری استفاده می‌کنند. به همین دلیل، راهبرد ما هم باید تکامل می‌یافت. ما نمی‌توانستیم با ابزارهای سال ۶۰ و دوران جنگ تحمیلی در برابر تهدیدهای سال ۱۴۰۵ بجنگیم. به همین دلیل، راهبرد ما از دفاع منفعل به بازدارندگی فعال تغییر کرد. یعنی دیگر منتظر نمانیم تا دشمن ضربه بزند و بعد ما واکنش نشان دهیم؛ بلکه طوری قدرت بگیریم که دشمن حتی تصمیم به حمله نگیرد.

این فرآیند دقیقا همان چیزی بود که امام خمینی (ره) و رهبر شهید انقلاب هم روی آن تاکید داشتند. امروز هم اگر خواستار توقف کامل دست‌اندازی‌های دشمن دون هستیم الا و لابد باید قوی و قوی‌تر بشویم و اگر کوچک‌ترین تعرضی از سمت دشمن رخ داد با شدیدترین اقدامات پاسخ دهیم. دفاع امروز، بلوغ راهبردی ماست. دفاعی که در آن، «تهاجم به افکار و نقشه‌های دشمن»، بخشی جدایی‌ناپذیر از حفظ هویت ایرانی و اسلامی ماست و تا آخرین روز نباید از آن دست کشید.

دولتمردان خبر دادند

افزایش ۳۰۰ هزار تومانی کالابرگ قطعی شد

رئیس جمهور با تاکید بر اجرای طرح «یک روز در هفته بدون خودرو» گفت: ترغیب عموم مردم به پیاده‌روی، استفاده از حمل‌ونقل عمومی، استفاده از دوچرخه و موتور برقی، راه‌اندازی سرویس عمومی برای ادارات، تغییر ساعات کاری، ادغام ساختمان‌های اداری، تعطیلی ساختمان‌های بلااستفاده باید به یک حرکت عمومی و مشارکت اجتماعی فراگیر تبدیل شود.

جلسه هیات دولت صبح روز چهارشنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۵ به ریاست مسعود پزشکیان و با حضور اعضای کابینه برگزار شد. در ابتدای این جلسه، رئیس جمهور به تشریح دستاوردهای سفر اخیر خود به هند و شرکت در اجلاس روسای جمهور عضو بریکس و دیدارهای دوجانبه با روسای جمهور کشورهای شرکت‌کننده در این اجلاس پرداخت.

رئیس جمهور با تاکید بر لزوم توجه ویژه وزرا به پیگیری تفاهم‌نامه‌ها و برنامه‌های مشترک در این اجلاس گفت: وزرا و روسای کمیسیون‌های مشترک با جدیت و صرف وقت کافی نسبت به پیگیری مذاکرات و تفاهم‌های انجام‌شده اقدام کنند، ظرفیت‌ها و رغبت خوبی برای همکاری با ایران در دنیا وجود دارد و ما باید از این ظرفیت‌ها به نحو احسن بهره‌مند شویم.

پزشکیان، با اشاره به دسیسه‌های دشمنان در قطع ارتباط ایران با دنیا گفت: باوجود تلاش‌های مذبوحانه دشمن و تهدیدها و تطمیع‌های آنها، کشورهای مختلف به دنبال همکاری با ما هستند و ما باید بسترهای لازم برای تسریع در اجرایی کردن این توافقات را فراهم سازیم. وی با قدردانی از همراهی مردم در کاهش مصرف انرژی تصریح کرد: شعار اصلی دولت این است که چرخ تولید نباید تعطیل شود و دولت باید در امر مصرف‌جویی و کاهش مصرف انرژی پیشقدم باشد و این امر باید به فرهنگ عمومی تبدیل شود.

پزشکیان با تاکید بر اجرای طرح «یک روز در هفته بدون خودرو» گفت: ترغیب عموم مردم به پیاده‌روی، استفاده از حمل‌ونقل عمومی، استفاده از دوچرخه و موتور برقی، راه‌اندازی سرویس عمومی برای ادارات، تغییر ساعات کاری، ادغام ساختمان‌های اداری، تعطیلی ساختمان‌های بلااستفاده باید به یک حرکت عمومی و مشارکت اجتماعی فراگیر تبدیل شود. رئیس جمهور، بهره‌گیری از توان گروه‌های مردم‌نهاد، مساجد، ائمه جمعه، نهادهای فرهنگی و بسیج مردمی را در راستای فرهنگ‌سازی کاهش مصرف انرژی ضروری دانست و تصریح کرد: باید از تمام ظرفیت‌های موجود اجتماعی و فرهنگی استفاده کنیم تا بتوانیم توطئه‌های دشمن را خنثی و علاوه بر آن از اتلاف منابع انرژی جلوگیری کنیم. وی صیانت از معیشت اقشار کم‌برخوردار را از برنامه‌های دولت عنوان کرد و گفت: برای صیانت از معیشت اقشار کم‌برخوردار در مورد کالابرگ هم تصمیم قطعی گرفته شده است و ان‌شاءالله اعلام خواهد شد. در این جلسه، وزرا و اعضای هیات دولت ضمن ارائه گزارشی از آخرین وضعیت اقدامات و برنامه‌های اجرایی دستگاه‌های متبوع، به طرح و بررسی مهم‌ترین مسائل و موضوعات جاری کشور پرداختند.

جذب دو برابری سرمایه‌گذاری خارجی نسبت به پارسال

سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر اقتصاد نیز در خصوص آخرین تصمیمات دولت پیرامون میزان افزایش اعتبار کالابرگ، گفت: ۳۰۰ هزار تومان، کف رقم افزایش کالابرگ است؛ البته هنوز جزئیات آن به طور کامل مشخص نشده و مباحث کارشناسی پیرامون آن در جریان است. وی در پاسخ به این پرسش که آیا این افزایش ۳۰۰ هزار تومانی مشخصا شامل ۶ دهک اول درآمدی خواهد شد یا خیر؟ تصریح کرد: کف افزایش همان ۳۰۰ هزار تومان در نظر گرفته شده، اما اینکه دقیقا چه دهک‌هایی مشمول دریافت این اعتبار مضاعف شوند، هنوز مشخص و نهایی نشده است.

مدنی‌زاده، همچنین روز چهارشنبه در مراسم آغاز پذیره‌نویسی نخستین صندوق درآمد ثابت ارزی با بیان اینکه رشد سرمایه‌گذاری خالص در یک دهه گذشته صفر یا حتی منفی شده و تولید افت کرده بود، اظهار داشت: به فکر اصلاح این وضعیت افتادیم که بخشی از آن به تحریم‌ها و مسائل خارج از اقتصاد برمی‌گشت اما بخش دیگر به مسائل داخل اقتصاد از جمله ایجاد ابزارهایی برای افزایش نرخ سرمایه‌گذاری بازمی‌گشت. وی بیان داشت: یکی از این محورها طرح رویش بود که یکی از جنبه‌های آن، تاسیس صندوق‌های سرمایه‌گذاری ارزی در انواع متفاوت بود.

مدنی‌زاده، علت اهمیت ایجاد چنین صندوق‌هایی را جبران خروج منابع مردم از اقتصاد برشمرد و ادامه داد: بخشی از تولید ناخالص داخلی پس‌انداز می‌شود، اما لزوما همه پس‌اندازها به سرمایه‌گذاری تبدیل نمی‌شود. نرخ پس‌انداز ما به مراتب از کشورهای حاشیه خلیج‌فارس بیشتر است و به ۳۶ درصد می‌رسد اما نرخ سرمایه‌گذاری ما منفی یا صفر است، در حالی که بیش از ۲۰ درصد پس‌اندازهای مردم از چرخه اقتصاد کشور خارج می‌شود.

وزیر امور اقتصادی و دارایی اظهار داشت: طرح رویش یکی از محورهایی بود که بتواند این موضوع را اجرایی کند، زیرا مجموع سیاست‌های پولی، ارزی و بانکی ما به گونه‌ای بود که بازدهی نرخ پس‌انداز پایین‌تر از تورم است و نمی‌تواند ریسک‌ها را پوشش دهد. بر همین اساس مردم به سمت بازارهای سکه، طلا، رمزارز و املاک می‌رفتند که سبب می‌شود پول از چرخه اقتصاد خارج شود. وی اضافه کرد: بنابراین یکی از کارهایی که می‌توانستیم انجام دهیم ایجاد ظرفیت‌هایی برای کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و نوسانات تورمی بود، لذا حرکت جریان سرمایه به سمتی که پوشش ریسک را داشته باشد، نیازمند ایجاد ابزارهایی بود که تاسیس صندوق‌های ارزی، بخشی از آن است؛ در ادامه سایر دارایی‌های مردم مانند طلا و کریپتوکارنسی‌ها و دیگر دارایی‌های مردم به سرمایه‌گذاری مولد هدایت می‌شود.

این عضو کابینه دولت چهاردهم تاکید کرد: اگر بخواهیم به رشد اقتصادی هشت درصدی برسیم تا عقب افتادگی رشد تولید ناخالص داخلی سال‌های گذشته جبران شود، باید منابع از خارج وارد چرخه اقتصادی شود و یکی از راهکارها، سرمایه‌گذاری خارجی است که با چالش‌های مربوطه مواجه است. وی گفت: با این حال توانسته‌ایم دو برابر سال گذشته سرمایه‌گذار خارجی جذب کنیم، همچنین برای جذب سرمایه ایرانیان خارج از کشور اقدامات خوبی انجام شده است. با این حال یکی از منابعی که خارج از یک اقتصادی بود، منابع ارزی در اختیار مردم است.

مدنی‌زاده اظهار داشت: اینکه بتوانیم ظرفیتی برای انتقال ارز نزد مردم به داخل اقتصاد ایجاد کنیم، کار بزرگی است که صندوق ارزی یکی از این برنامه‌هاست. توانستیم ساختار حقوقی صندوق‌های ارزی را ایجاد کنیم اما از طرف دیگر باید سپرده‌های ارزی مردم هم جذب شود، در این راستا طرح ۲۰ با عنوان ۲۰ طرح بزرگ سودآور ارزی تدوین شده که عمدتا نفت و گاز و معادن و آی‌سی‌تی و سولار و... است، برای این طرح‌ها اوراق ارزی منتشر می‌شود که زیرساخت تامین منابع صندوق‌های ارزی خواهند بود. وی ادامه داد: اقدام دیگر رفع موانع سرمایه‌گذاری است که از جنس اصلاح قوانین است. این طرح در دولت، مجلس و سران قوا آماده تصویب است؛ این دو در کنار هم می‌توانند به رشد سرمایه‌گذاری کمک کنند. اجرای هفت سیاست اقتصاد کلان در کنار یکدیگر سبب می‌شود تا به سمت کنترل تورم، تقویت تولید و اشتغال حرکت کرده و شاهد افزایش سرمایه‌گذاری و درآمد سرانه باشیم.



همه مشکلات را دولت به تنهایی نمی‌تواند حل کند

محمد مخبر، مشاور و دستیار رهبر انقلاب در دومین نشست از سلسله نشست‌های «ایران سکو» با محوریت شرکت‌ها و سکوهای دانش‌بنیان حوزه امنیت غذایی، با اشاره به ظرفیت نیروی انسانی و فناوری در کشور اظهار داشت: مسائل کشور فقط با منابع و امکانات حل نمی‌شود و آنچه می‌تواند این ظرفیت‌ها را به نتیجه برساند، حضور انسان‌های توانمند و مجموعه‌هایی است که مسئله را بشناسند و برای آن راه‌حل ارائه کنند. وی افزود: امروز سکوهای جوان و شرکت‌های دانش‌بنیان فقط نباید به عنوان ارائه‌دهنده خدمت دیده شوند؛ این مجموعه‌ها می‌توانند بخشی از بار حل مسائل و حتی حکمرانی در کشور را بر عهده بگیرند.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به چالش‌های موجود در حوزه بهره‌وری تصریح کرد: درآب، برق، گاز، بنزین و بسیاری از بخش‌های تولیدی با مشکل بهره‌وری مواجه هستیم و اینجا دقیقا همان نقطه‌ای است که فناوری و شرکت‌های دانش‌بنیان باید وارد میدان شوند. وی ادامه داد: وقتی یک خودروی داخلی برای ۱۰۰ کیلومتر ۱۵ تا ۱۶ لیتر سوخت مصرف می‌کند، راه‌حل الزاما تعویض همه خودروها نیست؛ می‌توان با راهکارهای فناورانه مصرف را اصلاح کرد و این نوع مسائل، فرصت فعالیت و خلق ارزش برای شرکت‌های دانش‌بنیان است.

مشاور و دستیار مقام رهبری با تاکید بر اینکه نمی‌توان همه مسائل را صرفا با دولت حل کرد، گفت: وقتی همه امور دولتی می‌شود، در مدیریت، منابع و بهره‌وری با مشکل مواجه می‌شویم؛ در حالی که ورود بخش خصوصی می‌تواند چند مسئله را همزمان حل کند و کمک حال دولت باشد.

مخبر همچنین با اشاره به ضرورت ایجاد سازوکار برای فعال شدن ظرفیت سکوها اظهار کرد: باید مجموعه‌های توانمند کشور به یکدیگر متصل شوند و برای حل مشکلات آنها نیز سازوکار مشخصی شکل بگیرد؛ چرا که بخشی از موانع موجود، ناشی از ضعف در پشتیبانی و تعامل دستگاه‌های حاکمیتی است. وی با بیان اینکه ظرفیت انسانی کشور از بسیاری از منابع طبیعی ارزشمندتر است، افزود: کشورهایی وجود دارند که منابع فراوانی دارند اما از رفاه و توسعه کافی برخوردار نیستند؛ تفاوت در این است که چه کسانی می‌توانند این منابع را به ارزش، ثروت و رفاه تبدیل کنند.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به نقش مردم در عبور کشور از شرایط دشوار، حضور و پشتیبانی مردم را یکی از عوامل مهم حفظ کشور دانست و بر ضرورت تقویت امید و اعتماد به‌نفس در جامعه تاکید کرد. وی افزود: امروز دشمن در تمامی عرصه‌ها شکست خورده و این مرهون هماهنگی مردم، دولت و نیروهای مسلح کشور است. مخبر در پایان با اشاره به نقش نخبگان و فعالان فضای مجازی گفت: بخشی از مسئولیت شما این است که در برابر دو جریان ترس و یأس بایستید و اجازه ندهید چنین فضایی بر جامعه حاکم شود؛ باید نشان داد که مسائل کشور قابل حل است و برای هر مسئله می‌توان راه‌حل پیدا کرد.

گفتنی است در دومین نشست از سلسله نشست‌های «ایران سکو» که با محوریت شرکت‌ها و سکوهای دانش‌بنیان حوزه امنیت غذایی برگزار شد، صاحبان بیش از ۵۰ سکوی اثرگذار و جمعی از فعالان این حوزه در آن به بیان ظرفیت‌ها، چالش‌ها و راهکارهای خود برای نقش‌آفرینی بیشتر در حل مسائل کشور پرداختند.



سرلشکر وحیدی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی:

تداوم حضور آگاهانه مردم تنها راه پیروزی نهایی در جنگ تحمیلی است

پنج‌شنبـه/ ۲۶ شهریور ۱۴۰۵/ شماره ۶۴۰



ساسان زارع، سخنگوی ستاد مردمی پویش جان‌فدای ایران
در نشست خبری این پویش از آغاز آموزش های نظامی و امدادی خبر داد

هزار گردان در راه است

پویش «جان‌فدای ایران» که به گفته مسئولان آن با هدف ساماندهی ظرفیت اجتماعی ایجادشده در جریان جنگ شکل گرفته است، وارد مرحله تازه‌ای شده؛ مرحله‌ای که قرار است بخشی از ثبت‌نام‌کنندگان آن آموزش‌های نظامی و امدادی دریافت کنند و در قالب «هزار گردان مقاومت ملی مردمی» سازماندهی شوند. سخنگوی ستاد مردمی پویش جان‌فدای ایران، روز چهارشنبه ۲۵ شهریور در نشست خبری اعلام کرد آموزش‌های نظامی از هفته آینده و ابتدا از تهران آغاز می‌شود و سپس به سایر استان‌ها گسترش خواهد یافت.

به گزارش «آگاه» بر اساس توضیحات ساسان زارع؛ این آموزش‌ها تنها به حضور در مراکز نظامی محدود نیست و برای گروه‌های مختلف داوطلبان، شیوه‌های متفاوتی از آموزش در نظر گرفته شده است از دوره‌های یک روزه در پایان هفته تا آموزش‌های پودمانی چندساعته در چند روز. زارع همچنین از پیش‌بینی برنامه آموزشی ویژه بانوان و تشکیل یک گردان رسانه‌ای برای اهالی رسانه خبر داد.

زارع در این نشست با ارائه آخرین آمار ثبت‌نام‌کنندگان پویش «جان‌فدای ایران» گفت: جمعیت ثبت‌نام‌شده به ۳۱ میلیون نفر رسیده است که ۳۲ درصد از ثبت‌نام‌کنندگان را بانوان و ۶۸ درصد را آقایان تشکیل می‌دهند. بیش از ۶۰ درصد شرکت‌کنندگان نیز کمتر از ۴۶ سال سن دارند. به گفته سخنگوی ستاد مردمی پویش جان‌فدای ایران، این ترکیب سنی نشانه حضور قابل توجه گروه‌های جوان در میان داوطلبان است. او توضیح داد که اطلاعات اولیه‌ای که پیشتر درباره این پویش منتشر شده بود، بر پایه افکارسنجی انجام شده بود، اما پس از دریافت اطلاعات تکمیلی از ثبت‌نام‌کنندگان، امکان شناخت دقیق‌تر ازویژگی‌ها و حوزه‌های مورد علاقه آنها فراهم شده است.

یکی از بخش‌های آماری ارائه‌شده در نشست، مربوط به حوزه‌ای بود که ثبت‌نام‌کنندگان برای مشارکت در آن اعلام آمادگی کرده‌اند. طبق آمار اعلام‌شده، ۲۶ درصد از داوطلبان فعالیت‌های نظامی و امنیتی را انتخاب کرده‌اند. ۲۰ درصد نیز آمادگی خود را برای امداد و نجات و کمک به آسیب‌دیدگان اعلام کرده‌اند و همین میزان، یعنی ۲۰ درصد، خدمات اجتماعی را به عنوان حوزه فعالیت مورد علاقه خود انتخاب کرده‌اند. همچنین ۱۷ درصد از ثبت‌نام‌کنندگان فعالیت‌های فرهنگی و داوطلبانه را انتخاب کرده‌اند، ۱۳ درصد برای پشتیبانی مالی مستمر اعلام آمادگی کرده‌اند و پنج درصد نیز در گروه حوزه‌های متفرقه قرار گرفته‌اند.

به این ترتیب، اظهارات ارائه‌شده در نشست نشان می‌دهد که همه ثبت‌نام‌کنندگان صرفا متقاضی فعالیت نظامی نیستند و در کنار این بخش، حوزه‌هایی مانند امداد و نجات، خدمات اجتماعی، فعالیت فرهنگی و پشتیبانی مالی نیز مورد توجه قرار گرفته است. در بخش دیگری از این نشست، میزان زمانی که داوطلبان می‌توانند برای فعالیت اختصاص دهند، مورد اشاره قرار گرفت.

بر اساس آماری که زارع ارائه کرد ۲۷ درصد از افراد گفته‌اند می‌توانند روزانه چند ساعت خدمت کنند. ۱۷ درصد امکان فعالیت تا سه روز در هفته را اعلام کرده‌اند و ۱۸ درصد گفته‌اند در پایان هفته‌ها می‌توانند مشارکت داشته باشند. همچنین ۳۴ درصد اعلام کرده‌اند آمادگی آنها بیشتر برای حضور در رویدادها و زمان وقوع بحران است.

این آمار، از نگاه مسئولان پویش، ضرورت طراحی مدل‌های انعطاف‌پذیر برای مشارکت را نشان می‌دهد؛ چرا که داوطلبان از نظر زمان آزاد و امکان حضور مستمر شرایط یکسانی ندارند. زارع درباره پراکندگی جغرافیایی ثبت‌نام‌کنندگان نیز گفت: مشارکت در تمامی استان‌ها و شهرهای کشور انجام شده است. با این حال، به گفته او، هنوز امکان سنجش دقیق میزان مشارکت در روستاها فراهم نشده است.

از نظر تعداد مطلق مشارکت‌کنندگان، استان‌های تهران، خراسان رضوی، خوزستان، فارس، اصفهان و آذربایجان شرقی در شمار استان‌های دارای مشارکت بیشتر قرار گرفته‌اند. اما وقتی میزان مشارکت با جمعیت هر استان مقایسه شود، تصویر متفاوتی به دست می‌آید. در این مقایسه، استان‌هایی از جمله گیلان، کهگیلویه و بویراحمد، قم، لرستان و اردبیل در شمار استان‌های دارای نسبت بالاتر مشارکت معرفی شدند.

چرا هزار گردان؟

محور اصلی نشست خبری دیروز، اعلام برنامه آموزش و سازماندهی هزار گردان بود؛ طرحی که قرار است نخستین عملیات ملی پویش «جان‌فدای ایران» باشد. زارع در توضیح علت انتخاب عدد ۱۰۰۰ گفت: در شرایط فعلی بستر آموزش و سازماندهی هزار گردان فراهم شده است و در صورتی که ظرفیت آموزشی افزایش پیدا کند، امکان افزایش تعداد افراد تحت آموزش نیز وجود خواهد داشت. به گفته او، آموزش‌ها با هماهنگی و استفاده از ظرفیت نیروهای مسلح انجام می‌شود و محتوای آموزشی نیز متناسب با شرایط امروز طراحی شده است. زارع تاکید کرد که شرایط جنگ‌های امروز با جنگ‌های گذشته تفاوت دارد و بنابراین در کنار حفظ آنچه او «روحیه جان‌فدایی و ایران دوستی» نامید، باید آموزش‌ها نیز متناسب با اقتضائات جدید طراحی شود.

سه سطح آموزش برای داوطلبان

آموزش‌های پیش‌بینی‌شده در این طرح در سه سطح مقدماتی، تکمیلی و پیشرفته ارائه خواهد شد. به گفته سخنگوی پویش، سطح آموزش افراد بر اساس شرایط و میزان آمادگی آنها تعیین می‌شود و افرادی که تمایل و شرایط دریافت آموزش‌های پیشرفته‌تر را داشته باشند، در مراحل بعدی آموزش قرار می‌گیرند.

از جمله سرفصل‌هایی که زارع به آنها اشاره کرد، تامین امنیت محلی، آمادگی‌های عمومی در شرایط جنگ، رصد و دیده‌بانی، آموزش‌های اطلاعاتی، کار با تجهیزات قابل استفاده عمومی و امدادرسانی متناسب با شرایط جنگ است.

در یکی از روایت‌های ارائه‌شده از این نشست، آموزش هدایت ریزپرنده‌ها و استفاده از برخی تجهیزات نظامی نیز از جمله موضوعات مطرح‌شده عنوان شده است. سخنگوی ستاد مردمی پویش جان‌فدای ایران همچنین به ضرورت آموزش‌های امنیتی و اطلاعاتی با توجه به تجربه جنگ‌های اخیر اشاره کرد. وی گفت: آموزش‌های امداد و نجات نیز در این طرح پیش‌بینی شده است، اما تشکیل یگان‌های مستقل امداد و نجات به عنوان یک عملیات جداگانه دنبال خواهد شد و جزئیات آن در روزهای آینده اعلام می‌شود.

تهرانی‌ها، به پیش!

قرار است آموزش‌های نظامی از هفته آینده آغاز شود. تهران نخستین محل اجرای این برنامه خواهد بود و پس از آن، طرح به تدریج در سایر استان‌ها اجرا می‌شود.

یکی از ویژگی‌های اعلام‌شده برای این دوره‌ها، انعطاف در زمان برگزاری است. برای افرادی که امکان اختصاص یک روز کامل را دارند، دوره‌های یک‌روزه در پایان هفته در نظر گرفته شده و برای کسانی که چنین امکانی ندارند، آموزش‌ها در قالب چند ساعت طی چند روز برگزار می‌شود. مکان برگزاری دوره‌ها نیز یکسان نخواهد بود. بخشی از آموزش‌ها در مراکز آموزشی نیروهای مسلح و بخشی دیگر در اماکن و میادین مشخص شهری برگزار خواهد شد. زارع همچنین از استقرار موقت فضاهایی شبیه شهرک آموزش نظامی در برخی نقاط خبرداد و گفت: در این مکان‌ها تجهیزات آموزشی مستقر می‌شود تا ثبت‌نام‌کنندگان امکان دریافت آموزش عملی داشته باشند.

آموزش در محل مدارس، سازمان‌ها و مجتمع‌ها

برنامه اعلام‌شده فقط به مراکز آموزشی اختصاص ندارد. به گفته زارع، برای سازمان‌ها، مدارس و مجتمع‌ها نیز تیم‌های آموزشی پیش‌بینی شده است تا در صورت درخواست، آموزش‌های مورد نیاز در محل همان مجموعه ارائه شود. در تهران نیز قرار است متناسب با شرایط مناطق مختلف، مکان‌هایی که دسترسی مناسب‌تر و امکان برگزاری آموزش با کیفیت بالاتر را دارند، انتخاب شوند. همچنین بانوان می‌توانند در دوره‌های آموزشی حضور داشته باشند و برنامه آموزشی ویژه این گروه نیز در نظر گرفته شده است. در کنار آمار ۳۱ میلیون ثبت‌نام‌کننده پویش، یکی از اعداد مورد توجه نشست مربوط به سامانه جدید ثبت‌نام آموزش‌ها بود.

زارع گفت: سامانه جامع «جان‌فدا» از ساعت ۱۷ روز سه‌شنبه ۲۴ شهریور در دسترس عموم قرار گرفت. پیش‌بینی مسئولان این بود که تکمیل ظرفیت اولیه تا پایان شب طول بکشد، اما ظرفیت آموزش و سازماندهی هزار گردان در کمتر از ۱۰۰ دقیقه تکمیل شد. پس از تکمیل ظرفیت، سامانه از دسترس خارج نشد و ثبت‌نام متقاضیان ادامه پیدا کرد. افرادی که پس از تکمیل ظرفیت اولیه ثبت‌نام کرده‌اند، در فهرست قرار می‌گیرند و آموزش آنها منوط به ایجاد ظرفیت‌های جدید خواهد بود. اگر امکان آموزش و سازماندهی بیش از هزار گردان فراهم شود، این موضوع اطلاع‌رسانی خواهد شد.

در توضیحات سخنگوی پویش، فعالیت‌های آینده «جان‌فدا» به حوزه نظامی محدود نشده است. در این باره زارع گفت: بخشی از افرادی که در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی اعلام آمادگی کرده‌اند، پس از دعوت به جلسات و انجام سازماندهی اولیه، در فعالیت‌های مربوط به این حوزه‌ها مشارکت خواهند کرد.

همچنین تشکیل یگان‌های امداد و نجات مستقل از برنامه‌های اعلام‌شده برای ادامه فعالیت پویش است؛ موضوعی که قرار است جزئیات آن در روزهای آینده اعلام شود. از سوی دیگر، گروه‌های رسانه‌ای نیز در برنامه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. زارع گفت: در میان ثبت‌نام‌کنندگان، چند ده هزار نفر به زبان دوم و سوم مسلط هستند و قرار است از این ظرفیت در فعالیت‌های رسانه‌ای، فرهنگی و بین‌المللی استفاده شود.

یکی از برنامه‌های مشخص اعلام‌شده در نشست، تشکیل «گردان رسانه‌ای» ویژه اهالی رسانه است. به گفته زارع، این گروه با آموزش و پوشش ویژه فعالیت خواهد کرد و متناسب با نیازهای رسانه‌ای پویش، برنامه آموزشی اختصاصی برای اعضای آن در نظر گرفته می‌شود. او همچنین از حضور ایرانیان مقیم خارج از کشور در میان ثبت‌نام‌کنندگان خبر داد و گفت: قرار است از ظرفیت این افراد در رویدادهای فرهنگی و آموزشی استفاده شود. زارع درباره حضور بانوان در دوره‌ها تاکید کرد که آنها نیز امکان شرکت در آموزش‌های پیش‌بینی‌شده را خواهند داشت و برای آنان برنامه آموزشی در نظر گرفته شده است. ثبت‌نام در سامانه برای افراد بالای ۱۵ سال انجام شده است. با این حال با توجه به درخواست آموزش و پرورش، قرار است آموزش‌هایی متناسب با سنین پایین‌تر نیز طراحی شود.

بخش دیگری از نشست به موضوع حملات سایبری اختصاص داشت. زارع مدعی شد زیرساخت‌های پویش در روز آغاز ثبت‌نام با حمله سایبری گسترده مواجه شده و تیم فنی پویش توانسته این تهدیدها را مدیریت کند. وی درباره حضور چهره‌های شناخته‌شده در پویش گفت: سران قوا در این پویش ثبت‌نام کرده‌اند و از جمله حامیان و سفیران آن بوده‌اند. در میان چهره‌های شناخته‌شده، ورزشکاران نیز حضور قابل توجهی دارند و تعداد ثبت‌نام ورزشکاران به گفته او از هنرمندان بیشتر بوده است.

در پایان این نشست، زارع بر این نکته تاکید کرد که هدف نهایی پویش را نباید صرفا در سازماندهی نیروهای آموزشی جست‌وجو کرد. به گفته او، بخشی از ظرفیت ایجادشده برای موضوعات دفاعی و امنیتی، بخشی برای مسائل اجتماعی و بخش دیگری نیز برای حوزه اقتصاد و معیشت مورد استفاده قرار خواهد گرفت. زارع «جان‌فدا» را فراتر از یک پویش یا سازمان توصیف کرد و آن را نمادی از ایستادگی، مقاومت، انسجام و وطن‌پرستی دانست.

بر اساس برنامه اعلام‌شده، اکنون نخستین مرحله این طرح با آموزش و ساماندهی ظرفیت اولیه هزار گردان آغاز می‌شود؛ طرحی که اجرای آن ابتدا در تهران خواهد بود و سپس به دیگر استان‌ها گسترش پیدا می‌کند. همزمان، برای ظرفیت‌های ثبت‌نام‌شده در حوزه‌های امدادی، اجتماعی، فرهنگی و رسانه‌ای نیز برنامه‌های جداگانه‌ای در حال طراحی است.

بررسی اهلیت افراد برای آموزش نظامی



ساسان زارع، سخنگوی ستاد مردمی پویش جان‌فدای ایران در نشست خبری آموزش نظامی به جان‌فدایان در گفت‌وگو با «آگاه» گفت: برای آموزش‌های عمومی، افراد بررسی خواهند شد که اگر اهلیتی نسبت به این مسئله داشته باشند، در دوره‌ها شرکت کنند. بعید است کسی که آنقدر پیگیر کمک به ایران در شرایط کنونی است، بخواهد از این آموزش‌ها سوءاستفاده کند ولی امکان دارد استثنائاتی هم وجود داشته باشد، ولیکن اهلیت افراد برای آموزش نظامی بررسی می‌شود. وی در پاسخ به سوال دیگر «آگاه» درباره اینکه مسئولیت افرادی که اگر در جریان آموزش‌های نظامی آسیب ببینند برعهده کیست؟ بیان کرد: بستر آموزش نظامی جامعه ایران، بسیج مستضعفین است. امروز هم پروتکل‌های آموزشی بسیج و محتواهای آموزشی نظامی که توسط بسیج مستضعفین وجود دارد، تایید شده است. از ظرفیت آموزشی همه نیروهای مسلح حتی ارتش، نیروی انتظامی، بسیج و سپاه پاسداران استفاده خواهد شد و پروتکل‌ها مبنی بر اینکه افراد بیمه شوند و احتیاط حداکثری حاکم بر برنامه‌های آموزشی باشد اتفاق خواهد افتاد.

عراقچی به پکن رفت

تحکیم روابط راهبردی ایران و چین

وزیر امور خارجه چین در دیدار با سیدعباس عراقچی همتای ایرانی خود، تاکید داشت که کشور متبوعش مایل به توسعه همکاری و گفت‌وگو با تهران برای حفاظت حقوق و منافع ایران است.

وانگ یی در نشست روز چهارشنبه با سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، اظهار داشت که «وضعیت فعلی خاورمیانه همچنان بی‌ثبات است و به شدت بر صلح و توسعه بین‌المللی تاثیر می‌گذارد.» وی با بیان اینکه تهران و پکن شرکای راهبردی جامع هستند، افزود: چین به عنوان عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد، مایل است نقشی سازنده در حل و فصل اختلافات بین‌المللی ایفا کند.

وزیر امور خارجه چین همچنین تاکید داشت که پکن مایل است گفت‌وگو و همکاری با تهران را برای حفاظت از حقوق و منافع مشروع خود تقویت کند. وانگ همچنین درباره جنگ آمریکا علیه ایران، اظهار داشت که تنش‌ها میان این دو کشور، به نفع مشترک طرفین درگیر و جامعه بین‌المللی نیست و ما از طرفین می‌خواهیم در اسرع وقت به یادداشت تفاهم اسلام‌آباد بازگردند.

وی همچنین خاطرنشان کرد که چین از ایران در گفت‌وگو با کشورهای خلیج فارس، احترام به حاکمیت ارضی و امنیت ملی یکدیگر و حفظ سازنده منافع مشترک منطقه حمایت خواهد کرد. وی با بیان اینکه چین خواهان عدم سرایت تنش‌های منطقه‌ای به یمن و دریای سرخ است، خواستار حل مسئله از مسیر گفت‌وگو و مذاکره شد. وانگ یی همچنین به وضعیت فعلی خاورمیانه اشاره و تاکید داشت که معماری امنیتی موجود در این منطقه، نیاز به اصلاح و تقویت دارد. وی با اشاره به چهار ابتکار عملشی جین‌پینگ، رئیس جمهوری چین، افزود: ما از تلاش‌های موثر کشورهای منطقه برای حفظ یک مفهوم امنیتی مشترک، جامع، مشارکتی و پایدار و ایجاد یک معماری امنیتی جدید برای خاورمیانه، استقبال می‌کنیم. وزیر امور خارجه چین همچنین خاطرنشان کرد که پکن مانند همیشه به صلح و ثبات، ترویج مذاکرات صلح و عدالت کمک خواهد کرد. وانگ یی ضمن تاکید بر سیاست ثابت و پایدار چین در قبال ایران، خاطرنشان کرد که پکن به‌طور مداوم از عدالت در شورای امنیت سازمان ملل و پلتفرم‌های چندجانبه حمایت می‌کند. وی افزود: چین با استفاده از ابزار زور مخالف و از هنجارهای روابط بین‌الملل محافظت خواهد کرد. وزیر امور خارجه چین در پایان اظهاراتش تاکید داشت که پکن مایل است ارتباطات و هماهنگی با تهران را برای پیشبرد پیشرفت‌های جدید در روابط چین و ایران تقویت کند. دولت چین در طول سال‌های اخیر سیاست خود را در چارچوب اجتناب از مداخله‌جویی و تلاش برای چندجانبه‌گرایی و مقابله با یک‌جانبه‌گرایی تنظیم کرده است. سیاست پکن در مقابل تجاوز نظامی اسرائیل و آمریکا به ایران نیز در همین چارچوب قابل تحلیل است. در شرایطی که تجاوز نظامی مشترک آمریکا و اسرائیل وارد هفتمین ماه خود می‌شود، سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران دیروز ۲۵ شهریور برای دومین بار در سال جاری به پکن سفر کرد و با همتای چینی خود وانگ یی، وزیر امور خارجه چین دیدار و گفت‌وگو کرد.

توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام شد

انهدام پنجاه‌ودومین پهپاد MQ-9 آمریکا در آسمان قشم

روابط عمومی سپاه از رهگیری و انهدام پنجاه‌ودومین پهپاد MQ-9 ارتش آمریکا در آسمان قشم خبر داد.

روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد: بامداد روز چهارشنبه ساعت ۲:۲۹، پنجاه و دومین پهپاد MQ-9 ارتش تروریستی آمریکا به وسیله آتش سامانه نوین پدافند پیشرفته هوافضای سپاه و تحت کنترل شبکه یکپارچه پدافند هوایی کشور در آسمان جزیره قشم رهگیری و منهدم شد.

در طول جنگ تحمیلی سوم، صدها فروند پهپاد متجاوز توسط پدافند هوایی کشورمان ساقط شده که پهپادهای «لوکاس»، «هرمس»، «MQ-1» و «MQ-9» نیز میان آنها بوده‌اند. همچنین چند روز پیش روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از انهدام یک فروند شناور بدون سرنشین (شهپاد) ارتش آمریکا در ورودی تنگه راهبردی هرمز خبر داده بود، این عملیات شامگاه پنج‌شنبه ۱۹ شهریور انجام شد و این عملیات سپاه اقدامی دقیق، هوشمندانه و به‌موقع در دفاع از تمامیت ارضی و منافع حیاتی کشور تلقی می‌شود.

حملات تهران پیچیده‌تر شد

وال استریت ژورنال به نقل از مسئولان آمریکایی و مسئولان کشورهای منطقه گزارش داد که نظامیان آمریکایی برای مقابله با یک حمله ایران ۶۰ تا ۷۰ موشک از نوع پاتریوت و بیش از ۱۲ موشک تاد شلیک کردند.

بر اساس این گزارش، ایران در جریان حمله مرگبار خود به پایگاه آمریکا در اردن تنها ۲۰ موشک بالستیک شلیک کرد اما آمریکا برای مقابله با این حمله مجبور شد بیش از ۸۰ موشک شلیک کند و در نهایت نیز موشک‌های ایرانی به پایگاه آمریکا اصابت کردند. در این گزارش آمده است، برای دفع حمله ایران، آمریکا مجبور شد به اندازه مصرف یک هفته خود طی جنگ، از موشک‌های رهگیری استفاده کند. حملات ایران از طریق استفاده از موشک‌ها و مسیرهای مختلف، سرهای جنگی و مانور این موشک‌ها پیچیده‌تر شده و لایه‌های پدافندی آمریکا را سرگردان کرده است. این روزنامه اضافه کرد: ایران در جریان این حمله موفق شد جنگنده‌ها و دیگر هواپیماها را در پایگاه موفق السلطی اردن هدف قرار دهد. این در حالی است که مقامات آمریکایی مانند همیشه به دروغ مدعی شده بودند خسارتی به پایگاه مذکور وارد نیامده است.

هزینه ۳۸ میلیارد دلاری

پولیتیکو نیز گزارش داد که دفتر بودجه کنگره آمریکا اعلام کرد هزینه پنج ماه نخست جنگ علیه ایران برای این کشور به ۳۸.۱ میلیارد دلار رسیده است؛ هزینه‌ای که عمدتا صرف جایگزینی موشک‌ها و تجهیزات پدافند هوایی شده و بازسازی ذخایر موشک‌های رهگیر آمریکا ممکن است دست‌کم پنج سال زمان ببرد.

طبق گزارشی که روز سه‌شنبه و در پاسخ به درخواست رهبران حزب دموکرات منتشر شد، تصمیم دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا برای ورود به درگیری نظامی با ایران از ماه فوریه گذشته، تنها در پنج ماه نخست جنگ، ۳۸.۱ میلیارد دلار هزینه مستقیم بر دوش مالیات دهندگان آمریکایی گذاشته است. این دفتر همچنین تاکید کرد که این جنگ، ذخایر تسلیحاتی آمریکا، از جمله سامانه‌های حیاتی رهگیری پدافند هوایی را تخلیه کرده است.

دفتر بودجه کنگره اعلام کرد: این مبلغ، هزینه‌های جایگزینی مهمات مصرف‌شده، تجهیزات از دست‌رفته در نبرد، افزایش ساعات پروازی، سایر عملیات‌ها و همچنین افزایش هزینه‌های سوخت را نشان می‌دهد.

این دفتر عنوان داشت که بخش بزرگی از هزینه این جنگ صرف جایگزینی موشک‌ها و سامانه‌های پدافند هوایی شده است که هزینه‌ای بالغ بر ۲۱.۷ میلیارد دلار را دربر می‌گیرد؛ رقمی که شامل ۱۳.۱ میلیارد دلار برای موشک‌های رهگیر، ۷.۳ میلیارد دلار برای موشک‌های کروز و ۱.۲ میلیارد دلار برای سایر مهمات است. طبق این گزارش، جایگزینی این تسلیحات، بزرگ‌ترین هزینه‌های متحمل شده توسط پنتاگون در طول این جنگ محسوب می‌شود.

این دفتر خاطرنشان کرد که بازسازی ذخایر موشک‌های رهگیر ممکن است دست‌کم پنج سال زمان ببرد. این امر در صورت وقوع رویارویی احتمالی با چین در آینده، ایالات متحده را با گزینه‌های دفاعی ضعیف‌تری مواجه می‌کند. همچنین هشدار داده شده است که تخلیه بخش بزرگی از ذخایر پدافند موشکی در عملیات علیه ایران، تعداد موشک‌های رهگیر موجود برای هرگونه رویارویی پیش رو را کاهش داده است. در مقابل، ترامپ با کم‌اهمیت جلوه دادن این خطر، ادعا کرد که ایالات متحده مقادیر عظیمی مهمات در اختیار دارد.

این گزارش اشاره می‌کند که هزینه ماهانه جنگ همچنان به شدت عملیات نظامی وابسته است؛ به طوری که عملیات‌هایی با شدت کم حدود دو میلیارد دلار در ماه هزینه دارد، در حالی که عملیات‌های با شدت بالاتر ممکن است از سه میلیارد دلار فراتر برود؛ ضمن آنکه در صورت تشدید تنش‌ها، احتمال افزایش بیشتر هزینه‌ها نیز وجود دارد.

ادعاهای پیشین ترامپ و وزیر جنگ مبنی بر کفایت ذخایر مهمات و پرهزینه نبودن جنگ، بر اساس مستندات درزکرده از بدنه ارتش و وزارت جنگ، نادرست ارزیابی شده است. گزارش اخیر پنتاگون حاکی از آن است که مصرف گسترده تسلیحات راهبردی منجر به کاهش ذخایر شده و با توجه به طولانی بودن زمان تولید این سلاح‌ها، کمبودهای جدی ایجاد شده است. هزینه‌های جنگ به اقتصاد آمریکا آسیب وارد کرده است. در ۶ ماه اخیر، مصرف‌کنندگان آمریکایی ۱۰۶ میلیارد دلار بیشتر برای خرید بنزین و گازوئیل پرداخته‌اند و آثار تورمی ناشی از جنگ نیز بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار به تولید ناخالص داخلی کشور ضربه زده است.



آمریکا به روایت‌سازی هالیوودی عادت دارد

در رخداد دیگری، سردار حسین محبی، سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، طی گفت‌وگویی در واکنش به روایت اخیر رسانه‌های آمریکایی درباره نجات یکی از خلبانان این کشور در ایران گفت: آمریکا عادت دارد روایت‌های هالیوودی ارائه کند. از ابتدای جنگ تاکنون نیز رئیس جمهور آمریکا بارها در خیال خود و در فضای مجازی پیروز شده و ایران را شکست داده است. وی افزود: آمریکایی‌ها برای جبران شکست‌های خود، بخش‌هایی از فیلم‌های مربوط به مناطق و حوادث دیگر را کنار یکدیگر قرار می‌دهند تا چنین صحنه‌هایی را خلق کنند.

سخنگوی سپاه ادامه داد: همزمان با انتشار این روایت، تصاویری نیز در برخی رسانه‌ها منتشر شد که نشان می‌داد قطعات جنگنده F-۱۵ هدف قرار گرفته در همان ایام، در داخل فرغون جمع‌آوری و حمل می‌شد. سردار محبی تاکید کرد: آمریکا باید بداند که این‌گونه روایت‌سازی‌ها دیگر کهنه شده و نمی‌تواند واقعیت‌های میدان را تغییر دهد.



امیر جهانشاهی، فرمانده نیروی زمینی ارتش:

از نظر توان و ذخیره عملیاتی، بسیار آماده‌تر از دوران پیش از جنگ هستیم

پنج‌شنبه/ ۲۶ شهریور ۱۴۰۵/ شماره ۶۴۰

از دفاع مقدس تا جنگ ۴۰ روزه

روایت یک تحول راهبردی



سعید سپاهی

تحلیلگر امنیت شناختی

شاید این سوال برای خیلی‌ها مطرح باشد که وقتی موشک‌ها و پهپادهای ایرانی می‌توانند اهداف راهبردی دشمن در صدها کیلومتر دورتر را هدف قرار دهند، چرا همچنان از مفهوم دفاع سخن می‌گوییم؟ آیا دفاع مقدس صرفا نامی تاریخی برای جنگ هشت ساله است یا این مفهوم هنوز هم می‌تواند وضعیت امنیتی امروز ایران را توضیح دهد؟ پاسخ را باید در تفکیک میان هدف دفاع و شیوه دفاع جست‌وجو کرد.

دفاع به معنای نشستن پشت مرزها و منتظر ماندن برای اصابت اولین گلوله نیست. دفاع یعنی جلوگیری از تحمیل اراده دشمن و حفظ امنیت و استقلال کشور. پس ممکن است هدف یک اقدام، دفاعی باشد، اما شیوه اجرای آن، کاملا فعال و حتی در عمق جغرافیای دشمن تعریف شود. اگر سه مقطع دفاع مقدس، نبرد ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه را کنار هم قرار دهیم، با سه جنگ یکسان مواجه نیستیم بلکه سه مرحله از یک تجربه انباشته دفاعی را می‌بینیم تجربه‌ای که در آن، جمهوری اسلامی از دفاع سرزمینی به دفاع فعال و بازدارندگی چندلایه حرکت کرده است.

در ماه‌های ابتدایی جنگ تحمیلی، مسئله اصلی جمهوری اسلامی توقف ماشین جنگی دشمن و دفاع از سرزمین بود اما خیلی زود روشن شد که دفاع صرفا با حفظ خطوط موجود محقق نمی‌شود وقتی دشمن وارد خاک شما شده است، برای عقب راندنش باید ابتکار عمل را به دست گرفت.

عملیات‌های ثامن الائمه، فتح‌المبین و بیت‌المقدس فقط پیروزی‌های نظامی نبودند؛ آنها نشانه تغییر یک فهم راهبردی بودند. ایران از مرحله دفع حمله به سمت تحمیل هزینه به مهاجم و تغییر موازنه میدان حرکت کرد. اوج این تحول را می‌توان در عملیات والفجر ۸ دید؛ جایی که عبور از اروند و تصرف فاو نشان داد دفاع الزاما در همان نقطه‌ای انجام نمی‌شود که دشمن ضربه نخست را وارد کرده است.

پیام واضح بود که اگر قرار است از شهرهای ایران دفاع شود، گاهی باید ماشین جنگی دشمن را در نقطه‌ای دورتر متوقف کرد. اینجا مفهوم عمق دفاعی شکل می‌گیرد، یعنی امنیت کشور فقط به مرزهای جغرافیایی محدود نیست، بلکه توانایی اثرگذاری بر محاسبات دشمن نیز بخشی از امنیت ملی است.

چهار دهه بعد، تهدید دیگر شبیه سال ۱۳۵۹ نبود. دشمن دیگر الزاما برای اشغال یک شهر یا عبور از مرز، لشکرهای زرهی خود را وارد خاک ایران نمی‌کرد. تهدیدها پیچیده‌تر شده بودند؛ از حملات هوایی و موشکی و ترور گرفته تا عملیات سایبری، جنگ اطلاعاتی و فشارهای چندلایه سیاسی و اقتصادی. در چنین شرایطی، طبیعی بود که هندسه دفاعی ایران نیز تغییر کند.

نبرد ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه را باید در همین چارچوب دید. در این مواجهه‌ها، مسئله فقط پاسخ به یک حمله نبود مسئله این بود که دشمن بداند اقدام علیه ایران، هزینه‌ای واقعی و غیرقابل حذف از محاسباتش خواهد داشت.

اینجاست که بازدارندگی فعال معنا پیدا می‌کند یعنی کشور تنها به استحکام مرزهای خود اکتفا نکند، بلکه توانایی پاسخ، سرعت پاسخ و دامنه پاسخ را نیز در محاسبات امنیتی خود وارد کند. به زبان ساده، دشمن باید بداند اگر زمین بازی را تغییر دهد، ایران نیز توانایی تغییر محاسبات او را دارد. البته در تحلیل این تحول نباید گرفتار یک خطای رایج شد و همه چیز را به دوگانه میدان و دیپلماسی فروکاست.

امنیت ملی با یک ابزار ساخته نمی‌شود. قدرت نظامی، اطلاعاتی، اقتصادی، رسانه‌ای و دیپلماتیک، اجزای یک منظومه واحد هستند. میدان می‌تواند پشتوانه دیپلماسی باشد و دیپلماسی می‌تواند دستاوردهای قدرت را به نتیجه سیاسی و امنیتی تبدیل کند. همان‌طور که مذاکره بدون قدرت می‌تواند دست کشور را در برابر زیاده‌خواهی طرف مقابل خالی کند، قدرت نظامی نیز زمانی به حداکثر کارکرد خود می‌رسد که بتواند در کنار سایر ابزارهای قدرت ملی، به تامین منافع کشور کمک کند. بنابراین مسئله، انتخاب میان میدان و دیپلماسی نیست؛ مسئله ترکیب هوشمندانه ابزارهای قدرت ملی برای تامین امنیت و منافع ایران است.

این منطق با آموزه قرآن نیز بیگانه نیست. خداوند در آیه ۶۰ سوره انفال می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ ... تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» مسئله فقط داشتن قدرت نیست؛ قدرت باید در محاسبات دشمن اثر بگذارد. بازدارندگی زمانی شکل می‌گیرد که طرف مقابل بداند تجاوز، هزینه‌ای واقعی دارد. از همین زاویه، قدرت موشکی، پهپادی، اطلاعاتی و دفاعی ایران را نباید صرفا مجموعه‌ای از تجهیزات نظامی دید. اینها بخشی از معماری بازدارندگی هستند؛ معماری‌ای که یکی از مهم‌ترین کارکردهایش، جلوگیری از جنگ است. اگر این سه تجربه را کنار هم بگذاریم، یک مسیر روشن دیده می‌شود: در دفاع مقدس، مسئله اصلی حفظ سرزمین و عقب راندن متجاوز بود؛ سپس این تجربه به ایجاد عمق راهبردی و افزایش هزینه تجاوز رسید و امروز در قالب بازدارندگی فعال و چندلایه ادامه پیدا کرده است. این تحول به معنای تغییر ماهیت ایران از دفاع به تجاوز نیست. ایران می‌تواند آغازگر جنگ نباشد و در عین حال اجازه ندهد دشمن، زمان، مکان و هزینه جنگ را یک‌طرفه تعیین کند.



از خاکریزهای دفاع مقدس تا جنگ‌های جدید، ابزارها و جغرافیای نبرد تغییر کرده‌اند اما اصل ثابت مانده است: «ایران آغازگر جنگ نیست، اما اجازه نمی‌دهد امنیت خود را به تصمیم دشمن گره بزند.» این شاید مهم‌ترین درس سه جنگ تحمیلی باشد، دفاع در جمهوری اسلامی یک وضعیت ایستا نیست، بلکه راهبردی پویاست که با تغییر تهدید، شکل خود را تغییر می‌دهد راهبردی که در آن، میدان و دیپلماسی نه رقیب یکدیگر، بلکه دو ابزار در خدمت یک هدف بزرگ‌ترند؛ حفظ امنیت، منافع و استقلال ایران.

سنت اعتدا به مثل

معمای تقوای قدرت



دکتر احمد صادقی

مدرس دانشگاه تهران و قم

جهان، انسان و ارتباط آنان بر پایه توازن بنا شده‌اند؛ همان گونه که در نظام آفرینش، بقای هر پدیده‌ای در گرو پاسداری از مرزهای وجودی خویش است، در ساحت حیات اجتماعی نیز هیچ جامعه‌ای بدون توان دفاع از حریم خود دوام نمی‌آورد. منطق صفر و یکی ما انسان‌ها همواره در بین دو راه درمانده است؛ «سکوت و مدارا» یا «ایستادگی و تهاجم.» شاید در نگاهی سطحی، چنین تصور کنیم که ایمان با سکوت و پذیرش رنج سازگارتر است؛ اما منطق قرآنی، حقیقت را در نقطه‌ای بسیار عمیق‌تر جست‌وجو می‌کند. قرآن حکیم به انسان می‌آموزد که عدالت، آرزویی منفعلانه نیست؛ عدل، با برقراری موازنه عینی و مهار گردن‌کشان محقق می‌شود. در این نگاه، ایستادگی در برابر آغازگران ستم، نه انتقام‌جویی کور، بلکه پاسداری از اصل کرامت انسانی و صلح راستین است. خط قرمز آغازگری؛ تفاوت میان تجاوز و قتال؛ منطق وحی مرز روشنی میان ستمگری و ایستادگی ترسیم می‌کند؛ در آیه ۱۹۰ سوره مبارکه بقره می‌خوانیم: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»؛ و در راه خدا با آنان که به جنگ و دشمنی شما برخیزند جهاد کنید، لکن از حد تجاوز نکنید که خدا متجاوزان را دوست ندارد. علامه طباطبایی در تفسیر شریف المیزان ذیل این آیه کریمه، بر ظرافتی بنیادین دست می‌گذارند که اسلام مومن را از هرگونه تعدی و آغازگری در خونریزی و شکستن حریم انسانیت بازمی‌دارد (وَلَا تَعْتَدُوا)؛ اما درست از همان لحظه‌ای که طرف مقابل دست به شمشیر و تعدی گشود، رویارویی با او دیگر یک انتخاب فرعی نیست، بلکه تکلیفی توحیدی برای صیانت از حق است. خودداری از آغاز جنگ، نشانه تقوای ایمانی است؛ اما انفعال پس از هجوم دشمن، نادیده گرفتن عقلانیت و برهم زدن نظم عادلانه است.

سنت اعتدا به مثل؛ هنر مشاکله و بازدارندگی پایدار: قرآن حکیم تعادلی استوار میان فضیلت اخلاقی و اعمال اقتدار برقرار می‌سازد و اعلام می‌دارد: «فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (سوره مبارکه بقره/ ۱۹۴) از حیث بلاغت، اطلاق واژه «اعتدا» بر پاسخ مومنان، بر پایه آرایه و قاعده «مشاکله» صورت گرفته است؛ یعنی پاسخ مجاهدان در واقعیت خود تجاوز نیست، بلکه استیفای حق، جبران خسارت و بازگرداندن توازن است، اما چون در برابر یک تجاوز قرار گرفته، با همان قالب بیانی توصیف می‌شود تا هم‌سنگی و تناسب پاسخ را نشان دهد. این آیه کریمه صراحتا حکم می‌کند که مهار تعدی، محتاج پاسخی هم‌ترازو متناسب (بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى) است. پیوند این دستور با فرمان «وَاتَّقُوا اللَّهَ» یادآور می‌شود که ایجاد بازدارندگی واقعی و بازداشتن مستکبر از تکرار ستم، خود مرتبه‌ای بلند از تقواست؛ تقوایی که اجازه نمی‌دهد متجاوز احساس امنیت کند و زمین را به ورطه بی‌عدالتی بکشاند.

رد استضعاف و شکوه کرامت انسانی: در منظومه اخلاق توحیدی، پذیرش ستم و تحقیر هیچ نسبتی با معنویت ندارد. در آیات ۳۹ و ۴۰ سوره مبارکه شوری، سیمای اهل ایمان چنین توصیف شده است: «وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ * وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ»؛ مومنان هرگز در برابر «بغی» یعنی گردن‌کشی و تجاوز سر فرود نمی‌آورند؛ بلکه تعبیر «هُمْ يَنْتَصِرُونَ» نشان می‌دهد که یاری خواهی و دست به کار شدن برای دفع ستمگر، خصلت ذاتی جامعه‌ای زنده و کرامت‌مند است. اگرچه گذشت و عفو در روابط فردی و لغزش‌های شخصی ستوده شده، اما در مواجهه با طغیان‌گران متجاوز، پاسخ متقابل و قاطع، تنها نسخه تضمین‌کننده بقا و عدالت است.

فلسفه تولید اقتدار؛ بازدارندگی پیش از وقوع فاجعه: اسلام انباشت قدرت را نه برای سلطه‌گری و کشورگشایی، بلکه برای ایجاد بازدارندگی و سلب جرات تهاجم از بدخواهان واجب شمرده است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (سوره مبارکه انفال/ ۶۰) هدف اساسی از دستور «وَأَعِدُّوا»، کلمه کلیدی «تُرْهِبُونَ» است؛ یعنی ایجاد چنان سطحی از اقتدار که در اتاق‌های محاسباتی دشمن، فکر دست‌درازی و تعدی به بن بست برسد. دفاع عقلانی، منتظر ماندن در سنگر تا اصابت نخستین ضربه دشمن نیست؛ بلکه پیش دستی در کور کردن ابزارهای تهدید، زمینگیر کردن دشمن در مبدأ و کشاندن دایره مهار به فراتر از خطوط آسیب‌پذیر، امتداد عینی و عملیاتی همین قاعده حکیمانه است.

سنت «دفع»؛ سازوکار الهی برای بقای زمین: واقعا اگر نیروی بازدارنده‌ای در برابر زیاده‌خواهان قد علم نکند، چه سرنوشتی در انتظار جامعه بشری خواهد بود؟ سنت تاریخی و تغییرناپذیر الهی در سوره مبارکه بقره پاسخی شفاف به این پرسش می‌دهد که «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ» (سوره مبارکه بقره/ ۲۵۱). دفع شر متجاوزان به وسیله اهل حق، مجرای تحقق فضل پروردگار برای بقای تمدن مردمی است. هنگامی که دست قدرت طاغوت‌ها بدون مانع رها شود، همه مراکز هدایت و حیات طیبه نابود خواهند شد. بر این اساس، ضربه‌های قاطع علیه کانون‌های تجاوز، هجوم به انسانیت نیست؛ بلکه تجلی سنت دفع فساد و صیانت از زیست انسانی است.

سخن پایانی؛ دفاع در بینش حکیمانه قرآن، یک انفعال موضعی یا چشم دوختن به ترحم متجاوزان نیست؛ بلکه حقیقتی متکی بر عقلانیت، کرامت و سنن لایتغیر الهی است. گذار از حالت پذیرش ضربه به پاسخ‌های کوبنده، ترجمان عینی سنت اعتدا به مثل است. جامعه مومن هرگز آغازگر ظلم نیست، اما در برابر آغازگران تجاوز، آنچنان مقتدرانه پاسخ می‌دهد که آتش طغیان مهار شود و افق امن و عادلانه‌ای برای مردم (النّاس) رقم بخورد.

درآمدی بر یک استراتژی کارآمد

بهترین دفاع، حمله است

فاطمه ارجمند

آگاه مسائل سیاسی

تاریخ، الگوها را ثبت می‌کند، کافی است ورق بزنی. ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷، آمریکا از برجام خارج شد، توافقی که ایران به تمام بندهایش پایبند بود و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بارها این پایبندی را تایید کرده بود. ۱۳ دی ۱۳۹۸، سردار قاسم سلیمانی در فرودگاه بغداد ترور شد. ۹ اسفند ۱۴۰۴، تهران زیر آتش موشک‌های آمریکایی لرزید. در همان ساعات نخست، خبر شهادت رهبر انقلاب اسلامی منتشر شد. همزمان، در میناب، مدرسه دخترانه «شجره طیبه» هدف اصابت چندین موشک قرار گرفت. ۱۶۸ غیرنظامی شهید شدند. دو هدف؛ رأس هرم قدرت و نماد معصومیت ملت. تا همین اواخر دشمن یک الگو را به صورت تکراری انجام می‌داد تا اینکه در ۱۰ شهریور ۱۴۰۵، جنگنده‌های آمریکایی جشن عروسی در سیریک را بمباران کردند. این چندمین مرحله از یک الگوی تکراری بود، الگویی که دشمن آن را با دقت طراحی کرده و هر بار، با تکیه بر محاسبات خود، مرحله بعدی را اجرا می‌کند. قرآن اما برای همین لحظه راهکار دارد. قرآن این الگو را قرن‌ها پیش دیده بود. آیه ۵۸ سوره انفال، در یک جمله کوتاه، نقشه راه را ترسیم کرده است؛ اگر از خیانت گروهی بیم داری، پیمان را به صورتی مساوی گسسته اعلام کن؛ زیرا خدا خائنان را دوست ندارد.[1] این آیه سه حرف مهم دارد، اما نه به آن معنایی که در نگاه اول به ذهن می‌رسد:

۱- صرف احتمال عقلایی خیانت کافی است، نه اینکه حتما خیانت رخ دهد.

۲- اینکه پیمان‌شکنی را اعلام کن، نه اینکه غافلگیر شوی.

۳- رفتار متقابل باید عادلانه باشد.

آیه اما در خلأ نازل نشده. چند آیه قبل‌تر، از کسانی سخن می‌گوید که «هر بار پیمان خود را می‌شکنند».[2] پس مخاطب آیه، دشمنی است که پیمان‌شکنی را به عادت تبدیل کرده است. کسی که یک بار پیمان شکسته، ممکن است اشتباه کرده باشد. کسی که هر بار این کار را انجام می‌دهد، الگو دارد و برای همین الگو، قرآن راهکار داده است. (انفال: ۵۶ و ۵۸)

اما آیا این به معنای آغازگری است؟ قرآن در آیه ۱۹۰ سوره بقره با قید «تجاوز نکنید» آغازگری را ممنوع کرده است.[3] علامه طباطبایی در المیزان، جهاد مورد نظر این آیات را دفاعی می‌داند. این یعنی قرآن نه جنگ‌طلبی را مجاز می‌داند، نه انفعال را. مرز باریکی است، اما همان مرز است که تفاوت را می‌سازد. (بقره: ۱۹۰) اصل راهبردی دفاع پیش‌دستانه نیز از همین منطق برمی‌آید.

آیه ۱۲۳ سوره توبه می‌فرماید دشمن باید در شما صلابت ببیند.[4] این «صلابت» نه خشونت کور، بلکه قاطعیتی است که دشمن را از طمع باز می‌دارد و آیه ۶۰ سوره انفال، بنیاد بازدارندگی قرآنی را تثبیت می‌کند: آمادگی نظامی با هدف ایجاد رهبت در دشمن.[5] در همین راستا تفسیر نمونه تصریح می‌کند: «در انتظار نمانید تا دشمن به شما حمله کند و آنگاه آماده مقابله شوید، بلکه از پیش باید به حد کافی آمادگی در برابر هجوم‌های احتمالی دشمن داشته باشید.» (توبه: ۱۲۳ و انفال: ۶۰)

ممکن است کسی بگوید این تفسیر، در را برای توجیه هر تجاوزی باز می‌کند. اما قرآن سه قید سخت‌گیرانه گذاشته: آغازگری ممنوع است. اقدام پیش‌دستانه مشروط به شواهد و قرائن خیانت است، همان بیم عقلایی، نه توهم و تشخیص این شواهد از اختیارات رهبر جامعه اسلامی است، نه هر گروهی. این سه قید، همان چیزی است که تفاوت میان «دفاع» و «تجاوز» را روشن می‌کند. (انفال: ۵۸)

دفاع در قرآن یک راهبرد فعال است، نه یک واکنش منفعلانه. سه رکن این راهبرد عبارتند از: عدم آغازگری، آمادگی بازدارنده بر پایه آیه ۶۰ انفال و پیش‌دستی در برابر تهدید قریب‌الوقوع بر پایه آیه ۵۸ انفال. تعبیر «بهترین دفاع، حمله است» در این چارچوب نه یک شعار نظامی، بلکه یک راهبرد قرآنی است؛ ملتی که آمادگی خود را نشان دهد و در برابر خیانت احتمالی پیش‌دستانه عمل کند، دشمن را از طمع حمله بازمی‌دارد. ملتی که این سه رکن را درک کند، در موضع فرمانبرداری از قرآن قرار گرفته است. (انفال: ۵۸ و ۶۰)

امروز برای اینکه بتوانیم از وضعیت نه جنگ نه صلح رهایی یابیم و دشمن غدار را متوجه شکست خود کنیم نیازمند این موضع محکم هستیم و باید آن را هم در جایگاه سخن و هم در مقام عمل جاری سازیم. هرگونه اظهار ضعف و ناتوانی در هرکدام از بخش‌های مربوط به حاکمیت و مردم نشان از طمع دوباره دشمن خواهد داشت و اساسا حمله‌های هر از چند او در راستای دریافت چنین سیگنالی از داخل است تا بتواند خواسته خود را عملیاتی کند. در این میان آنچه ما را پیروز می‌سازد اتحاد مقدس در راستای دفاع همه‌جانبه و مستحکم در مقابل حرف و روایت او در میان میدان رسانه و سیاست و عمل او در میدان نظامی است.

پاورقی‌ها

۱. «وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِن قَوْمٍ خِيَانَةً فَانبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ» (انفال: ۵۸).

۲. «الَّذِينَ عَاهَدتَّ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ» (انفال: ۵۶).

۳. «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره: ۱۹۰).

۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُم مِّنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (توبه: ۱۲۳).

۵. «وَأَعِدُّوا لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (انفال: ۶۰).



دفاعی که ابتکار عمل را به دست می‌گیرد

گذار از پدافند منفعل

فاطمه شبانی آرانی

آگاه مسائل اندیشه

تقلیل دفاع به سنگربندی پشت مرزها و واکنش منفعلانه پس از هجوم متجاوز، نادیده گرفتن جوهره اصلی منطق دفاعی جمهوری اسلامی است. دفاع پایدار و سرنوشت‌ساز زمانی محقق می‌شود که با سلب ابتکار عمل از متخاصم، زمان و مکان و قاعده نبرد را بر او تحمیل کند و پیش از شکل‌گیری هرگونه تهاجم، هزینه اقدام را برای او بالا ببرد.

تجربه تاریخی سه نبرد تحمیلی نشان می‌دهد راهبرد امنیتی کشور از مرحله انفعال و دفاع ایستا به دفاع متحرک و سرانجام به بازدارندگی فعال ارتقا یافته است. بر این مبنا، اتخاذ رویکرد پیش‌دستانه و تهاجم راهبردی هرگز به معنای جنگ‌طلبی نیست، بلکه بلوغ و صورت تکامل‌یافته دفاع است؛ دفاعی پویا که با تکیه بر تولید قدرت و دگرگون‌سازی زمین بازی، مجال عملیاتی شدن محاسبات و اراده متجاوز علیه امنیت ملی را سلب می‌کند. اما چرا با وجود این دگرگونی در شیوه عمل، همچنان بر عنوان دفاع پای می‌فشاریم؟ پاسخ این پرسش در ماهیت تجاوز و هدف مقاومت نهفته است. این رویکرد، صرفا یک انتخاب تاکتیکی در میدان نبرد نیست بلکه ریشه در اصیل‌ترین آموزه‌های دینی برای حفظ کیان جامعه اسلامی دارد. جمهوری اسلامی هرگز آغازگر نبرد نبوده است اما دفاع را به معنای پذیرش انفعال و انتظار برای ضربه بعدی تعریف نمی‌کند.

قرآن کریم در سوره بقره مقابله با متجاوز را چنین ترسیم می‌کند: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ». در سوره انفال نیز با تعبیر راهبردی رباط الخیل فرمان می‌دهد: «وَأَعِدُّوا لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ». مفهوم رباط الخیل در این آیه، دقیق‌ترین الگو از آمادگی رزمی پیوسته و آرایش نیروی بازدارنده در خطوط تماس است؛ نمادی از نگهبانی هوشیار و پیوند دائمی ابزارهای قدرت که پیش از شلیک نخستین گلوله، هیبت و آمادگی‌اش محاسبات متجاوز را فلج می‌سازد. افزون بر این، خداوند متعال در آیه ۲۵۱ سوره بقره فلسفه رویارویی را چنین بیان می‌کند: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ». این منطق متعالی، دفع را نه تنها یک انتخاب، بلکه ضرورتی برای جلوگیری از فساد زمین می‌داند و تهاجم دشمن را با سیلی سخت بازدارندگی پاسخ می‌دهد.

نخستین سنگ بنای گذار از پدافند منفعل در مکتب دفاعی امام خمینی(ره) کار گذاشته شد. ایشان با پیوند زدن امنیت به ایمان و کشاندن توده‌های مردم به میدان نبرد، ماهیت رویارویی را متحول کرد. عملیات طریق‌القدس با قطع شریان تدارکاتی دشمن، عملیات فتح‌المبین با درهم کوبیدن تمرکز لشکرهای بعث و سرانجام عملیات بیت‌المقدس با عبور جسورانه از کارون، نشانه‌های درخشان دفاع متحرک بودند. رزمندگان منتظر فرمان و حمله بعدی ارتش متجاوز نماندند، بلکه با کشاندن خطوط درگیری به عمق مواضع دشمن، موازنه میدان را تغییر دادند. این الگو به ما آموخت که دفاع، نه تنها در نقطه برخورد، بلکه در نقطه تصمیم دشمن شکل می‌گیرد.

در تحول راهبردی دهه‌های اخیر، این اندیشه در نبردهای ۱۲ روزه و ۴۰ روزه به بلوغ تازه‌ای رسید. در این کارزارها، دفاع متحرک دیگر به معنای جابه‌جایی یگان‌های زمینی نیست؛ بلکه به معنای «سرعت در انتقال تهدید به مبدأ تجاوز» است. تفاوت اساسی اینجاست که در دفاع ایستا، دشمن تعیین‌کننده زمان و شدت درگیری است اما در بازدارندگی فعال، جمهوری اسلامی با ضربات دقیق و غیرقابل پیش‌بینی، الگوی محاسباتی دشمن را برهم می‌زند. در واقع، ما با تغییر زمین بازی، دشمن را در موقعیتی قرار دادیم که هرگونه خطای محاسباتی، به جای امتیازگیری، منجر به فروپاشی ارکان حیاتی‌اش می‌شود.

این اندیشه راهبردی با درس‌آموزی از دفاع هشت ساله، در منظومه فکری رهبر انقلاب به راهبرد فراگیر قوی شدن و بازدارندگی فعال بدل شد. در نبردهای اخیر، رژیم صهیونیستی کوشید با ضربات غافلگیرکننده اطلاعاتی و ترور، ابتکار میدان را در دست بگیرد. پاسخ جمهوری اسلامی نشان داد پدافند نوین به مرزهای خاکی محدود نمی‌شود. اجرای عملیات‌های ترکیبی، شلیک دقیق موشک‌ها و پهپادها و هدف‌گیری پایگاه‌های راهبردی متخاصم، صورت تکامل‌یافته همان دفاع متحرک در عصر نبردهای مدرن است.

در نبرد نخست، تهدید در قالب هجوم زمینی روی داد و پاسخ با عملیات‌های میدانی داده شد. در نبردهای اخیر، تهاجم در قالب تهدیدات هوایی، سایبری و تروریستی پیگیری شد؛ در نتیجه بازدارندگی فعال نیاز از محدوده خاکریزها فراتر رفت و مستقیما اتاق‌های فرمان و زیرساخت‌های نظامی متجاوز را نشانه گرفت. پیام عملی ایران روشن بود که اگر متجاوز شرارت را آغاز کند، پایان درگیری و ابعاد پاسخ در اختیار او نخواهد بود.

بازدارندگی فعال، خروج از انفعال مبتنی بر تهدید است. ما امروز در نقطه‌ای ایستاده‌ایم که امنیت را نه در سایه توافقات دیپلماتیک یا موازنه قدرت‌های بزرگ، بلکه در تولید قدرت بازدارنده جست‌وجو می‌کنیم. این یعنی اگر دشمن بخواهد امنیت ما را خدشه‌دار کند، باید بداند که هزینه این اقدام نه در مرزهای ما، بلکه در عمق استراتژیک خودش پرداخت خواهد شد. این همان تفاوت میان حفاظت از مرز و حفاظت از موجودیت است. تهاجم راهبردی در بطن منطق دفاعی، خط پدافند را از لبه مرزهای جغرافیایی به عمق اتاق فکر و محاسبات متجاوز منتقل می‌کند. این حقیقت، همان جوهره نام‌گذاری ایستادگی دیروز و نبردهای امروز به دفاع مقدس است؛ دفاعی هوشمند و پویا که برای پاسداری از استقلال کشور، نه تنها راه تجاوز را سد می‌کند، بلکه ابزار و فرصت و ابتکار عمل را به تمامی از دام محاسبات دشمن خارج می‌کند. ما امروز در حال بازتعریف قواعد نبرد در جهان هستیم؛ جایی که دفاع، دیگر یک واکنش نیست، بلکه ابزاری برای فلج کردن اراده متجاوز، پیش از آغاز هرگونه اقدامی است.



صیدی، رئیس سازمان بورس:
منابع ارزی مردم در اقتصاد رسوب کرده است

پنج‌شنبه/ ۲۶ شهریور ۱۴۰۵/ شماره ۶۴۰

معنای دفاع تغییر کرده است
تحول یک معنا

فاطمه حسین پور
آگاه مسائل اندیشه

جنگ، فقط مجموعه‌ای از عملیات‌ها و تاریخ‌ها نیست؛ آزمونی است برای اینکه یک ملت بفهمد چه چیزی را باید حفظ کند، از چه چیزی می‌ترسد و برای حفظ آن تا کجا باید پیش برود. جمهوری اسلامی ایران در سه تجربه جنگی، از دفاع مقدس هشت ساله تا جنگ‌های اخیر، با یک پرسش مشترک روبه‌رو بوده است: چگونه می‌توان در برابر تجاوز ایستاد، بدون آنکه دفاع به انفعال و انتظار برای ضربه بعدی تبدیل شود؟ پاسخ این پرسش، در مسیر تحول از دفاع ایستا به بازدارندگی فعال نهفته است.

دفاع مقدس؛ دفاع از یک سرزمین یا یک هویت؟

عنوان «دفاع مقدس» پیش از هر چیز، بیانگر مشروعیت دفاع ملت ایران در برابر تجاوز رژیم بعث عراق است. جنگی که با حمله به مرزهای کشور آغاز شد، تنها تهدیدی علیه خاک ایران نبود؛ استقلال سیاسی، امنیت مردم، حق تعیین سرنوشت و امکان ادامه حیات یک نظام مستقل را هدف قرارداده بود. تقدس دفاع از همین جا می‌آید: دفاع از حقی که به زور مورد تعرض قرار گرفته است. در جنگ‌های ۱۲ روزه و ۴۰ روزه نیز، به‌کارگیری عنوان دفاع، صرفا تعارف سیاسی یا تکرار یک ادبیات تاریخی نیست. دفاع در اینجا به معنای واکنش مشروع به تجاوز و حفاظت از موجودیت و امنیت جامعه است. در فقه اسلامی، اصل بر حرمت تجاوز و تعدی است، اما دفاع در برابر ظلم و هجوم، نه تنها مجاز، بلکه در شرایطی وظیفه است. قرآن کریم در آیه ۱۹۰ سوره بقره، ضمن فرمان به مقابله با کسانی که می جنگند، از تجاوز از حدود الهی نهی می کند. بنابراین، دفاع مشروع هم حق مقابله دارد و هم مسئولیت رعایت حدود اخلاقی و انسانی.

دشمن به چه چیزی حمله می‌کند؟

در هر سه جنگ، صورت دشمن یکسان نیست، اما مسئله اصلی یکی است: تحمیل اراده سیاسی از طریق قدرت نظامی. در جنگ تحمیلی، رژیم بعث می خواست با تجاوز نظامی، جمهوری اسلامی نوپا را تضعیف و معادلات منطقه‌ای را به سود خود تغییر دهد. در جنگ با رژیم صهیونیستی، تهدید علاوه بر سرزمین و امنیت، متوجه ظرفیت‌های راهبردی و توان مقاومت ایران است. در جنگی که پای آمریکا و متحدانش به میان می‌آید، مسئله به سطحی فراتر از یک منازعه مرزی می‌رسد؛ هدف می‌تواند محدودسازی استقلال راهبردی و تحمیل ترتیبات امنیتی مطلوب قدرت‌های خارجی باشد. در چنین شرایطی، دفاع از ایران فقط به معنای حفظ مرزها نیست. دفاع از حق انتخاب ملت، زیرساخت‌های حیاتی، امنیت شهروندان و توان تصمیم‌گیری مستقل کشور نیز بخشی از همین مفهوم است.

از دفاع ایستا تا بازدارندگی فعال

تجربه جنگ هشت ساله نشان داد که دفاع موفق، لزوما به معنای ماندن پشت خاکریز نیست. در سال‌های نخست جنگ، ایران ناچار بود با کمبود تجهیزات و برتری نظامی دشمن مقابله کند؛ اما به تدریج با سازماندهی نیروهای مردمی، ابتکار عملیاتی و تغییر شیوه نبرد، توانست موازنه را دگرگون کند. عملیات‌هایی مانند فتح‌المبین و بیت‌المقدس، نمونه‌های روشنی از تبدیل دفاع به اقدام فعال بودند. در این عملیات‌ها، نیروهای ایرانی صرفا منتظر حمله بعدی نماندند؛ بلکه با طراحی و اجرای عملیات، ابتکار عمل را از دشمن گرفتند.

این تجربه، معنای دفاع را تغییر داد. دفاع دیگر یک وضعیت ثابت نبود، بلکه فرآیندی برای کاهش توان تهاجم دشمن و افزایش هزینه تجاوز بود. در جنگ‌های اخیر نیز، مفهوم دفاع متحرک و بازدارندگی فعال در همین چارچوب قابل فهم است؛ پاسخ به تجاوز باید به‌گونه‌ای باشد که دشمن نتواند با خیال آسوده، زمان و مکان درگیری را تعیین کند.

البته راهبرد تهاجمی را نباید با جنگ‌طلبی یکی دانست. تهاجم راهبردی، به معنای آغازبی‌ضابطه جنگ نیست؛ بلکه یعنی داشتن توان، ابتکار و آمادگی برای آنکه دشمن بداند ضربه او بی‌پاسخ نمی‌ماند. کشوری که فقط برای دفاع از خود آماده است، ممکن است همیشه یک گام عقب‌تر باشد؛ اما کشوری که توان پاسخ موثر دارد، می‌تواند از وقوع جنگ نیز جلوگیری کند.

قرآن؛ دفاعی که از آمادگی آغاز می‌شود

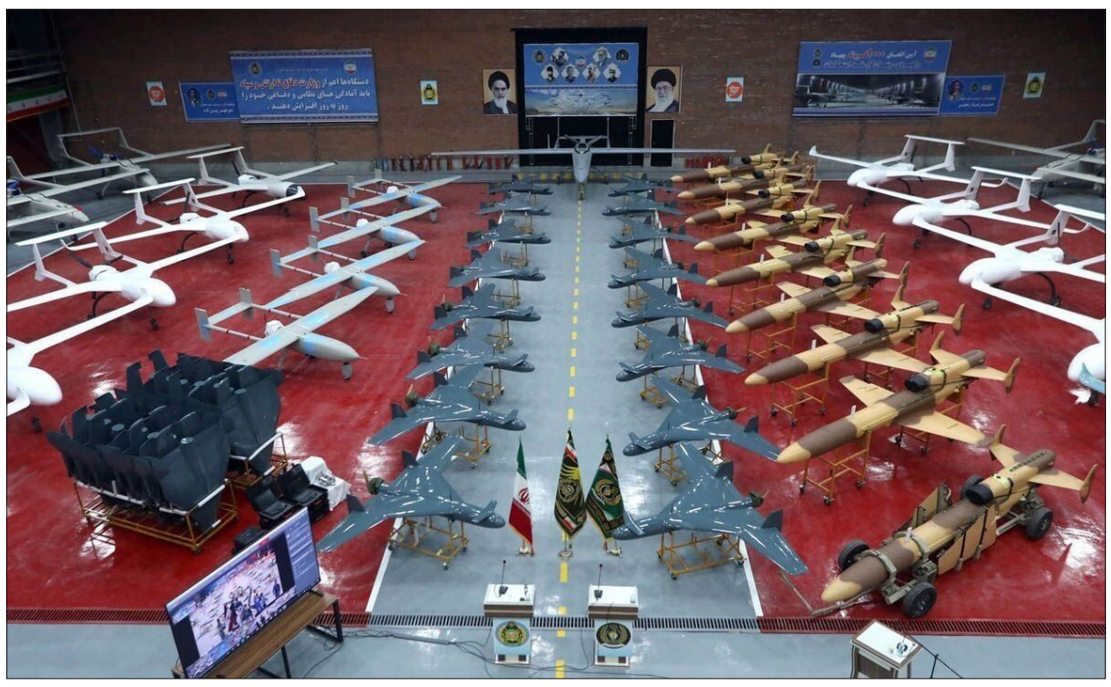
منطق قرآنی دفاع، در کنار تاکید بر پرهیز از تجاوز، بر آمادگی و قدرت نیز استوار است. آیه ۶۰ سوره انفال می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ»؛ هر اندازه می‌توانید در برابر آنان نیرو و آمادگی فراهم کنید. نکته مهم این آیه آن است که آمادگی، صرفا واکنش به حمله نیست؛ باید پیش از وقوع تهدید شکل گرفته باشد. تعبیر «رِبَاطِ الْخَيْلِ» در ادامه آیه نیز، در زمان نزول قرآن به آمادگی نظامی و حفظ توان دفاعی اشاره داشت. امروز می‌توان از آن، ضرورت حفظ ظرفیت‌های علمی، اقتصادی، فناورانه و نظامی برای جلوگیری از طمع دشمن را فهم کرد. آیه ۲۵۱ سوره بقره نیز با بیان اینکه اگر خداوند برخی مردم را به‌وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، زمین تباه می‌شد، بر ضرورت مقابله با فساد و تجاوز تاکید می‌کند. دفاع، در این نگاه، صرفا حفظ وضع موجود نیست؛ گاهی برای جلوگیری از تباهی، باید در برابر عامل تهدید ایستاد.

امام خمینی (ره) و شهید سیدعلی خامنه‌ای؛ قدرت برای جلوگیری از جنگ

در اندیشه امام خمینی (ره)، دفاع همه‌جانبه تنها به حضور نیروهای نظامی محدود نبود. بسیج مردم، ایمان، ابتکار، تحمل سختی و مشارکت اجتماعی، عناصر قدرتی بودند که توانستند کشور را از یک جنگ فرسایشی عبور دهند. امام با تکیه بر همین ظرفیت، دفاع را از یک مسئولیت دولتی به یک وظیفه ملی تبدیل کرد. در ادامه این مسیر، شهید سیدعلی خامنه‌ای نیز بر ضرورت تغییر زمین بازی و عبور از دفاع صرفا واکنشی تاکید داشت. معنای این تغییر آن است که جمهوری اسلامی نباید امنیت خود را به حسن نیت دشمن گره بزند. راهبرد ایران نه تسلیم است و نه تقلید از الگوی جنگ متقارن قدرت‌های بزرگ؛ بلکه بازدارندگی فعال است، یعنی قوی شدن برای آنکه جنگ به گزینه‌ای پرهزینه برای دشمن تبدیل شود. در نهایت، بازخوانی سه جنگ تحمیلی یک درس روشن دارد: دفاع مقدس فقط روایت ایستادگی در برابر حمله نیست؛ روایت ملتی است که آموخت برای دفاع از حق خود، باید توان پیشگیری از تجاوز، ابتکار عمل و قدرت پاسخگویی داشته باشد. دفاع، زمانی به صلح پایدار کمک می‌کند که دشمن بداند، تجاوز، آغاز پایان امنیت خودش خواهد بود.



چرا «دفاع» خط مقدم و کلید فهم راهبرد ایران است
دفاع تا مرز پیش‌دستی



علی اکبر احمدی
آگاه مسائل سیاسی

یک؛ چرا سه جنگ، یک نام؟

هشت سال جنگ با دولت بعث، ۱۲ روز رویارویی مستقیم با رژیم صهیونیستی و ۴۰ روزی که با شهادت رهبر انقلاب گره خورد؛ هر سه در ادبیات رسمی ایران زیر یک عنوان جای می‌گیرند: دفاع. این همنامی تصادفی نیست. در فقه سیاسی شیعه، مشروعیت جنگ نه از آغازگر بودن، بلکه از نقطه شروع تجاوز خوانده می‌شود؛ هر سه جنگ با حمله دشمن آغاز شدند.

اما نام «دفاع» با نوع عملیات یکسان نیست؛ می‌توان مدافع بود و در همان حال، میدان نبرد را به داخل خاک متجاوز برد. این دقیقا همان گذاری است که در سه تجربه جنگی ایران رخ داده است. در جنگ اول، دفاع عمدتا در مرزهای غربی کشور معنا می‌یافت؛ در دو تجربه اخیر، همین مفهوم، آسمان سرزمین‌های اشغالی و پایگاه‌های منطقه‌ای دشمن را نیز دربرگرفت. به بیان دیگر، مرز جغرافیایی دفاع گسترده شده است. همین نکته پاسخ می‌دهد به این پرسش که چرا واژه‌ای که در نگاه نخست بار انفعالی دارد، برای توصیف عملیاتی چون شلیک مستقیم موشک به عمق سرزمین‌های اشغالی به کار می‌رود. دفاع در این ادبیات، صفت رفتار نیست، صفت مشروعیت است.

دو؛ آنچه هدف حمله بود

در جنگ اول، هدف براندازی نظام نوپای انقلابی بود؛ صدام حسین با حمایت آشکار و پنهان قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، به گمان فروپاشی سریع جمهوری اسلامی وارد جنگ شد. در جنگ ۱۲ روزه، هدف رسمی، برنامه هسته‌ای و زیرساخت دفاعی کشور اعلام شد، اما آنچه در عمل نشانه رفت، اراده ملی برای استقلال در تصمیم‌گیری راهبردی بود؛ چیزی فراتر از چند تاسیسات مشخص.

در جنگ ۴۰ روزه، حمله یک گام جلوتر رفت و تا مغز استخوان تصمیم‌گیری نظام پیش رفت؛ رهبر انقلاب و شماری از فرماندهان ارشد به‌طور مستقیم هدف قرار گرفتند. این تشدید تدریجی هدف‌گذاری - از براندازی نظام، به تخریب زیرساخت، و سپس به ترور رهبری - روایتی پیوسته را شکل می‌دهد؛ دشمن در طول چهار دهه، به‌تدریج از مرزهای کشور به سمت هسته تصمیم‌گیری آن حرکت کرده است.

تفاوت مهاجمان - بعث، اسرائیل، ائتلاف آمریکایی اسرائیلی - نباید تفاوت در ماهیت حمله را بپوشاند؛ هر سه، امنیت و اقتدار یک ملت را نشانه گرفتند که حاضر نشد در برابر زور، شکل کشورداری و سیاست خارجی خود را عوض کند. از این زاویه، سه جنگ، سه فصل از یک پروژه واحدند؛ وادارکردن ایران به عقب‌نشینی از استقلال راهبردی، پروژه‌ای که در هر سه مرحله با شکست روبه‌رو شده است.

سه؛ از سنگر ایستا تا ضربه پیش‌دستانه

دفاع مقدس، عمدتا جنگی زمینی و فرسایشی بود؛ ایران در آن هشت سال، هزینه سنگین دفاع در داخل مرزها را پرداخت، از خرمشهر تا فاو، از عملیات‌های محدود آغازین تا عملیات‌های گسترده‌تر در سال‌های پایانی جنگ. آن تجربه، بنیاد فرهنگ ایثار و پایداری را در جامعه ایران نهاد، اما از نظر راهبردی، عمدتا واکنشی بود؛ ایران در بیشتر آن سال‌ها، در موضع پاسخ به تعرض دشمن قرار داشت.

تجربه ۱۲ روزه و ۴۰ روزه، تصویر دیگری از دفاع را نشان داد: پاسخ موشکی مستقیم به عمق سرزمین‌های اشغالی، هدف‌گیری همزمان چند نقطه راهبردی و اعلام صریح این معادله که هر ضربه، پاسخی هم‌وزن یا سنگین‌تر در پی دارد. این همان چیزی است که در ادبیات راهبردی، «بازدارندگی فعال» خوانده می‌شود: نه انتظار برای حمله بعدی، بلکه بالا بردن هزینه هر تصمیم تهاجمی برای دشمن، پیش از آنکه دشمن دست به کار شود.

نمونه عینی این تحول را می‌توان در ساختار پاسخ ایران در هر دو جنگ اخیر دید: تعدد همزمان اهداف، تنوع سکوهای پرتاب و تلاش برای عبور از سامانه‌های پدافندی چندلایه دشمن، همگی نشانه یک منطق واحدند: ایجاد تردید در محاسبه دشمن نسبت به هزینه هر اقدام بعدی، نه صرفا واکنش نمایشی به یک ضربه مشخص.

جانشینی فرماندهان جدید سپاه در ماه‌های اخیر و تاکید رهبری کنونی بر «آمادگی برای عملیات تهاجمی توام با بازدارندگی حداکثری»، نشان می‌دهد این رویکرد نه یک واکنش موقت به شرایط جنگی، بلکه یک انتخاب راهبردی پایدار برای دوره پس از جنگ ۴۰ روزه است؛ انتخابی که قرار است تصمیم‌گیری نظامی، دیپلماتیک و امنیتی کشور را به‌طور هماهنگ شکل دهد.

چهار؛ تکیه‌گاه قرآنی و فقهی

این تحول، ریشه در متن دین دارد، نه صرفا محاسبه نظامی. آیه «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» (بقره/۱۹۰) چارچوب مواجهه با متجاوز را ترسیم می‌کند: جنگ در اسلام، مشروط به وجود متجاوز است، نه اراده گسترش طلبانه. اما آیه «وَأَعِدُّوا لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ» (انفال/۶۰) از منطقی فراتر از واکنش سخن می‌گوید؛ آماده‌سازی دائمی قدرت، پیش از وقوع تهدید، به‌گونه‌ای که دشمن از آغاز محاسبه، از حمله منصرف شود.

در همین آیه، ترکیب «رِبَاطِ الْخَيْلِ» به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین عبارات قرآنی در تبیین منطق قدرت آمده است؛ آمادگی دائمی نظامی، نه به‌عنوان ابزار جنگ‌طلبی، بلکه به‌عنوان زبان بازدارندگی در برابر دشمنی که تنها قدرت را می‌فهمد. این آیه، مبنای فقهی برای آنچه امروز «بازدارندگی» خوانده می‌شود فراهم می‌کند: قدرتی که اثرش، پیش از به‌کارگیری، در ذهن دشمن ظاهر می‌شود.

آیه «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ» (بقره/۲۵۱) نیز فلسفه بنیادین این نگاه را بیان می‌کند: رویارویی با فساد و تجاوز، شرط بقای نظم است، نه صرفا پاسخ به یک تهدید مشخص. در این خوانش، سکوت یا انفعال در برابر تجاوز، نه گزینه‌ای صلح‌آمیز، بلکه زمینه‌ساز گسترش فساد در زمین قلمداد می‌شود؛ نگاهی که مبنای دینی برای مشروعیت جهاد دفعی و حتی، در شرایط معین، اقدام پیش‌دستانه فراهم می‌آورد.

بر همین اساس، در فقه سیاسی مورد استناد جمهوری اسلامی، تمایز میان «جهاد ابتدایی» - که مشروط به شرایط خاص و اذن معصوم دانسته می‌شود - و «دفاع»، که همواره و برای هر مسلمان واجب است، حفظ می‌شود. راهبرد تهاجمی مورد بحث در این یادداشت، در چارچوب دفاع تعریف می‌شود، نه جهاد ابتدایی؛ پاسخ به تهدیدی که پیشتر آغاز شده یا با قطعیت در شرف وقوع است.

پنج؛ استراتژی تهاجمی در اندیشه امامین انقلاب

بنیان‌گذار انقلاب، در دوران هشت ساله، بر بسیج همگانی و دفاع همه‌جانبه تکیه داشت؛ راهبردی که ملت را به سنگر تبدیل کرد و از ظرفیت مردمی، به‌جای صرفا ارتش کلاسیک، برای مقاومت در برابر ارتش مجهز عراق بهره برد. مفهوم «جنگ، جنگ تا پیروزی» در آن دوره، بیش از یک شعار، بیانگر این باور بود که پایداری داخلی، پیش‌شرط هر موفقیت راهبردی است.

رهبر شهید انقلاب، در دهه‌های پس از آن، این ایده را یک گام جلوتر برد: تبدیل بازدارندگی از حالت انفعالی و صرفا تلافی‌جویانه، به رویکردی فعال و پیش‌دستانه. تاکید مکرر ایشان بر تقویت توان موشکی و منطقه‌ای، تعمیق ارتباط با محور مقاومت و اصرار بر خوداتکایی در تولید تسلیحات، پیش از آنکه به شکل صریح در دو جنگ اخیر آزموده شود، دقیقا بر همین فرض استوار بود: قدرتی که در پستوی آمادگی نگهداری شود، بازدارندگی واقعی ایجاد نمی‌کند؛ باید در میدان به رخ کشیده شود.

این گذار را می‌توان در سه محور خلاصه کرد: نخست، گذار از دفاع صرفا زمینی به قدرت موشکی و پهپادی با برد فرامرزی؛ دوم، گذار از پاسخگویی محدود به یک تهدید مشخص، به معادله بازدارندگی منطقه‌ای که هزینه هر تعرض را از پیش روشن می‌کند و سوم، گذار از اتکای صرف به ظرفیت داخلی، به شبکه‌ای از نیروهای هم‌پیمان در سطح منطقه که میدان مانور دشمن را محدود می‌کند. راهبرد ایران در این خوانش، نه تسلیم است و نه جنگ متقارن با قدرت‌های بزرگ، بلکه معادله سومی است؛ بازدارندگی فعال، متکی بر آمادگی دائمی و اراده پاسخگویی سریع.

ششم؛ ایران پس از رهبر شهید

شهادت رهبری در جریان حملات ۴۰ روزه، نه پایان این راهبرد، بلکه به روایت رسمی، تحکیم آن بود. انتخاب سریع رهبر جدید توسط مجلس خبرگان در بحبوحه جنگ - در شرایطی که تهدیدهای امنیتی همچنان ادامه داشت - پیامی روشن به همراه داشت: ساختار تصمیم‌گیری نظام، حتی در سخت‌ترین لحظه تاریخ چهار دهه اخیرش، از کار نایستاد.

تاکید فرماندهان تازه سپاه بر تداوم مسیر «آمادگی تهاجمی و بازدارندگی حداکثری» و بازآرایی ساختار فرماندهی در ماه‌های پس از جنگ، نشان می‌دهد که تغییر رهبری، تغییر راهبرد نیست. در روایتی که این یادداشت از آن دفاع می‌کند، همین تداوم، نشانه استحکام یک نظام فکری است، نه صرفا یک تصمیم مقطعی جنگی؛ راهبردی که فراتر از هر فرد مشخص، در ساختار تصمیم‌گیری نظام نهادینه شده است.

به بیان دیگر، آنچه دشمن با ترور رهبری در پی آن بود - ایجاد خلأ تصمیم‌گیری و فروپاشی زنجیره فرماندهی - محقق نشد. این خود، به‌عنوان یک واقعیت میدانی، برصحت این ادعا صحه می‌گذارد که بازدارندگی فعال، صرفا به یک فرد یا یک تسلیحات خاص وابسته نیست، بلکه در لایه‌های متعدد نظام تصمیم‌گیری و فرماندهی تعبیه شده است.

سخن پایانی

سه جنگ، سه صحنه از یک داستان واحدند: ملتی که هرگز آغازگر تجاوز نبوده، اما در طول زمان آموخته که دفاع صرفا به‌معنای مقاومت منفعلانه نیست. از سنگرهای اروندرود تا موشک‌های عبوری از آسمان اشغالی، خط سیر یکسانی دیده می‌شود: تبدیل دفاع از یک واکنش دیرهنگام، به معادله‌ای که هزینه هر تجاوز را از پیش، برای متجاوز روشن می‌کند.

این تحول، همزمان ریشه در تجربه میدانی و در مبانی دینی دارد؛ از آیات جهاد و اعداد قوا در قرآن، تا اندیشه راهبردی دو رهبر انقلاب که هریک به‌فراخور دوران خود، مفهوم دفاع را بازتعریف کردند. تداوم این راهبرد پس از شهادت رهبر انقلاب، نشان می‌دهد که این، نه سیاست یک دولت یا یک فرد، بلکه چارچوبی است که در ساختار نظام تعبیه شده است.

این، به معنای واقعی «دفاع مقدس» در هر سه تجربه است؛ نه تسلیم، نه جنگ‌طلبی، بلکه بازدارندگی‌ای که فعالانه ساخته می‌شود، پیش از آنکه دشمن فرصت آغاز را بیابد.

دو مفهوم؛ دو ماجرا
اقدام فعال

معصومه فردوسی
پژوهشگر اندیشه سیاسی اسلام

واژه «دفاع» در ادبیات جمهوری اسلامی ایران، صرفا توصیف وضعیت یک جنگ نیست؛ بلکه بیانگر مبنای مشروعیت کنش نظامی نیز هست. از همین رو، «دفاع مقدس» را نباید صرفا نامی عاطفی برای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران دانست. در این چارچوب، دفاع به معنای صرف ایستادن پشت خاکریز و دفع حمله نیست، بلکه مجموعه‌ای از اقدامات برای حفظ استقلال، تمامیت ارضی، امنیت ملی و هویت سیاسی جامعه است. به همین دلیل، با وجود تفاوت ماهوی و زمانی جنگ هشت‌ساله با جنگ‌های ۱۲ روزه و ۴۰ روزه، عنوان «دفاع» همچنان قابلیت توضیح راهبرد جمهوری اسلامی را دارد.

در جنگ تحمیلی عراق، تجاوز با اشغال بخشی از سرزمین ایران آغاز شد و مسئله اصلی، دفع تجاوز و آزادسازی سرزمین بود. اما تجربه جنگ نشان داد که دفاع موفق الزاما با ماندن در موضع تدافعی محقق نمی‌شود. عملیات‌های فتح‌المبین، بیت‌المقدس و سپس والفجر ۸ نشان دادند که وقتی هدف، رفع تهدید است، تغییر موازنه به سود مدافع می‌تواند بخشی از ماهیت دفاع باشد. در واقع، نقطه‌ای وجود دارد که «دفاع» از حالت واکنشی خارج و به «اقدام فعال» تبدیل می‌شود؛ یعنی مدافع برای آنکه دیگر مورد حمله قرار نگیرد، ابتکار عمل را از مهاجم می‌گیرد. این منطق در دو جنگ اخیر، شکل آشکارتری پیدا کرد. در جنگ ۱۲ روزه خرداد ۱۴۰۴، حمله اسرائیل با هدف قراردادن مراکز نظامی، هسته‌ای و فرماندهان ایرانی آغاز شد؛ اما پاسخ ایران صرفا محدود به دفاع از آسمان و شهرهای خود نماند و با حملات موشکی و پهپادی به اهدافی در سرزمین‌های اشغالی، هزینه تجاوز را به مهاجم بازگرداند. گزارش‌های منتشرشده درباره این جنگ نیز از تغییر تدریجی وضعیت میدان، از پدافند اولیه به عملیات تهاجمی ایران حکایت دارند.

در جنگ ۴۰ روزه سال ۱۴۰۵ نیز همین الگو، البته در سطحی گسترده‌تر، تکرار شد. حمله مشترک آمریکا و اسرائیل، ایران را در برابر تهدیدی چندلایه قرار داد؛ تهدیدی که فقط متوجه تاسیسات نظامی نبود، بلکه ثبات سیاسی، اقتصادی و ظرفیت بازدارندگی کشور را نیز هدف گرفته بود. در چنین شرایطی، مفهوم دفاع دیگر نمی‌تواند به معنای «حفاظت منفعلانه» تعریف شود. حتی در ادبیات رسمی پس از جنگ نیز از عبور ایران از مرحله پدافندی و تغییر آرایش عملیاتی سخن گفته شده است.

از این منظر، می‌توان تحول راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی را در سه مرحله دید: دفع تجاوز، تغییر موازنه و ایجاد بازدارندگی. مرحله نخست، واکنش به حمله است؛ مرحله دوم، انتقال فشار به طرف مقابل و مرحله سوم، ایجاد شرایطی که اساسا دشمن را از آغاز جنگ منصرف کند. این همان نقطه‌ای است که مفهوم «بازدارندگی فعال» معنا پیدا می‌کند. بازدارندگی فعال الزاما به معنای جنگ‌طلبی نیست؛ اتفاقا غایت آن جلوگیری از جنگ است، اما از مسیر افزایش هزینه تجاوز و کاهش محاسبه‌پذیری موفقیت آن برای دشمن.

مبانی این رویکرد را می‌توان در منطق قرآنی دفاع و قدرت نیز مشاهده کرد. قرآن در آیه ۱۹۰ سوره بقره می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» و بلافاصله بر پرهیز از تعدی تاکید می‌کند. بنابراین، نقطه آغاز مشروعیت قتال، مقابله با تجاوز است، نه توسعه‌طلبی. در عین حال، آیه ۶۰ سوره انفال با فرمان «وَأَعِدُّوا لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ» نشان می‌دهد که دفاع موفق از لحظه حمله آغاز نمی‌شود؛ بلکه از سال‌ها قبل، با تولید قدرت و آمادگی شکل می‌گیرد. حتی تعبیر «رِباطِ الْخَيل» در همین آیه، بر آمادگی مستمر و ایجاد قدرت بازدارنده دلالت دارد. اصل ۱۵۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز دقیقا با استناد به همین آیه، آموزش نظامی عمومی و آمادگی دفاع مسلحانه را مورد تاکید قرارداده است.

در این چارچوب، اندیشه امام خمینی (ره) را می‌توان نقطه آغاز تبدیل دفاع از یک وظیفه صرفا نظامی به یک امر ملی دانست. دفاع مقدس با اتکا به بسیج عمومی، حضور مردم، خوداتکایی و مقاومت در برابر برتری مادی دشمن اداره شد. در سال‌های بعد، این تجربه به یک گزاره راهبردی مهم‌تر تبدیل شد: کشوری که نتواند قدرت تولید کند، در بهترین حالت تنها می‌تواند به حسن نیت دیگران امیدوار باشد. در مقابل، قدرت دفاعی، علمی، اقتصادی و اجتماعی می‌تواند محاسبات دشمن را تغییر دهد.

در اندیشه رهبر شهید انقلاب نیز همین مسیر با تاکید بیشتری بر «قوی شدن» و تغییر زمین بازی دنبال شد. قوی شدن در این نگاه، معادل نظامی‌گری یا توسعه‌طلبی نیست؛ بلکه راهی برای کاهش احتمال جنگ است. چنانکه در تبیین این دیدگاه، قدرت‌یابی ایران به‌عنوان ابزاری برای بازدارندگی و مصون‌سازی کشور، نه تهدید دیگران، توصیف شده است.

بنابراین، شاید مهم‌ترین خطای تحلیلی آن باشد که «دفاع» و «تهاجم» را دو مفهوم متضاد تلقی کنیم. در منطق راهبردی جمهوری اسلامی، تهاجم متجاوزانه با اقدام تهاجمی دفاعی یکسان نیست. ممکن است آغازگر جنگ نباشیم، اما پس از آغاز تجاوز، الزاما نباید اجازه دهیم دشمن تعیین‌کننده زمان، مکان و هزینه جنگ باشد. پاسخ دقیق، سریع و متناسب می‌تواند ابتکار عمل را بازگرداند و حتی مهاجم را در موضع دفاع قرار دهد.

در نهایت، سه جنگ تحمیلی را می‌توان سه مقطع از بلوغ یک مفهوم دانست: در جنگ هشت‌ساله، ایران آموخت که باید از سرزمین دفاع کند؛ در جنگ ۱۲ روزه، نشان داد که دفاع می‌تواند با تغییر ابتکار عمل همراه شود و در جنگ ۴۰ روزه، مسئله به سطحی فراتر رسید: دفاع موثر یعنی ساختن قدرتی که دشمن پیش از آغاز جنگ، هزینه آن را در محاسبات خود ببیند. از این منظر، «دفاع مقدس» نه نامی برای یک موضع منفعل، بلکه عنوانی برای یک منطق راهبردی است؛ منطقی که از مقاومت آغاز می‌شود، به ابتکار عمل می‌رسد و در نهایت، هدف خود را در بازدارندگی محقق می‌کند. دفاع در این معنا، هنر جنگیدن نیست؛ هنر چنان قدرتمند شدن است که جنگ، برای دشمن به گزینه‌ای پرهزینه و نامطمئن تبدیل شود.



فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی:

بازگشت چهره‌ها، سینماها را پررونق می‌کند

پنج‌شنبـه/ ۲۶ شهریور ۱۴۰۵/ شماره ۶۴۰

تکامل دکترین امنیت ملی در آینه سه نبرد تحمیلی

معمای دفاع و منطق تهاجم



مصطفی یزدان پناه
کارشناس و پژوهشگر مذهبی

چرا پیگیری راهبرد «بازدارندگی فعال و ضربه پیش‌دستانه» نه‌تنها نقض مفهوم دفاع مقدس نیست، بلکه عالی‌ترین تجلی عقلانیت فقهی و ژئوپلیتیکی انقلاب اسلامی است؟

هفته دفاع مقدس در حافظه جمعی ایرانیان، همواره یادآور سنگر، خاکریز و صبوری در برابر هجوم سراسری ارتش بعث بوده است؛ تصویری که هرچند ریشه در حقیقتی تاریخی دارد، اما توقف در آن، فهم ما را از «تکامل دکترین دفاعی جمهوری اسلامی» به انحراف می‌کشاند. امروز در شرایطی به بازخوانی این میراث می‌نشینیم که جغرافیای مقاومت دست‌کم سه تجربه بزرگ از جنگ‌های تحمیلی را پشت سر گذاشته است: نخست، جنگ تحمیلی هشت ساله؛ دوم، نبرد ۱۲ روزه (شمشیر قدس) و سوم، کارزار فرسایشی و ۴۰ روزه مقاومت در برابر ماشین جنگی غرب و صهیونیسم.

پرسش بنیادینی که پیش روی هر تحلیلگر منصفی رخ می‌نماید این است: چرا در ادبیات رسمی و منظومه فکری انقلاب اسلامی، تمامی این سه رویارویی ذیل مفهوم «دفاع» تعریف می‌شوند، در حالی که الگوی عملیاتی ایران و متحدانش در گذر زمان، از یک «دفاع واکنشی و درون‌مرزی» به یک «راهبرد تهاجمی، پیش‌دستانه و بازدارندگی فعال» تغییر مختصات داده است؟ آیا اطلاق عنوان «دفاع» بر الگوهای کنشگری تهاجمی امروز، صرفا یک مصلحت‌سنجی واژگانی در دیپلماسی است یا از عمق تئوریک در فقه سیاسی و عقلانیت راهبردی نشأت می‌گیرد؟

تبارشناسی مفهومی و فقهی؛ دفاع به مثابه کنش پویا

در فقه سیاسی شیعه و منظومه معرفتی اسلام، «دفاع» با «انفعال» یا «تحصن در حصار مرزها» مرادف نیست. برخلاف ترمینولوژی مدرن غربی که میان کنش تدافعی (Defensive) و تهاجمی (Offensive) تفکیکی صلب و مکانیکی قائل است، در فقه امامیه، دفاع پاسخی اصیل به تعرض علیه بیضه اسلام، کیان جامعه و استقلال امت است. مشروعیت کنش نظامی در اسلام، از ذات متجاوز نبودن آغاز می‌شود («وَلا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»)، اما شیوه اعمال آن مشروط به حدود سرزمینی مورد هجوم باقی نمی‌ماند.

قاعده قرآنی «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» هدف نهایی اقتدار نظامی را «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ» یعنی ایجاد موازنه وحشت و بازدارندگی تعریف می‌کند. بازدارندگی در غیاب ابزار تهاجمی، مفهومی تهی و بلااثر است. از این رو، تعبیر «دفاع مقدس» بر جنگ هشت ساله به این دلیل اطلاق شد که مشروعیت غایی آن از نفی هژمونی باطل برمی‌خاست؛ اما همین منطق دفاعی وقتی با اصل «فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ» پیوند می‌خورد، در ساحت عملیات به تهاجم برای تنبیه متجاوز تغییر ماهیت می‌دهد.

سیر تکوین راهبرد در سه جنگ تحمیلی

بازخوانی تطبیقی سه نبرد بزرگ، گویای جهش معنادار در دکترین نظامی جمهوری اسلامی است:

۱. تجربه نخست؛ دفاع مقدس هشت ساله (گذار از غافلگیری به ابتکار عمل)

در ماه‌های نخست جنگ تحمیلی، فقدان استراتژی تهاجمی منسجم و اتکا به شیوه‌های سنتی دفاع خطی، خسارت‌های سهمگینی به بار آورد. اما تحول اساسی زمانی رخ داد که تفکر انقلابی، مفهوم دفاع را از «ایستایی پشت خاکریز» به «تهاجم در عمق خطوط دشمن» ارتقا داد. عملیات‌های ثامن‌الائمه، فتح‌المبین و بیت‌المقدس و در نهایت ورود به خاک عراق در عملیات خیبر، والفجر ۸ و کربلای ۵، همگی جلوه‌هایی از تبدیل استراتژی دفاعی به راهبرد تهاجمی با هدف خلع سلاح و تنبیه متجاوز بودند. امام خمینی (ره) با بیانی راهبردی تصریح کردند که ایستادن در مرز، پاداش دادن به متجاوز است؛ بنابراین تهاجم، عین دفاع تلقی شد.

۲. تجربه دوم؛ نبرد ۱۲ روزه (تغییر هندسه نبرد و بازدارندگی موشکی)

در نبرد ۱۲ روزه سال ۲۰۲۵، الگوی نوینی از دفاع فعال متولد شد. در این جنگ، اتاق عملیات مشترک مقاومت معطل پیشروی یا حمله زمینی دشمن نماند، بلکه در پاسخ به تجاوزات قدس، راهبرد «آغاز ضربه از عمق» را به اجرا گذاشت. شلیک صدها راکت به تل‌آویو در دقایق آغازین نبرد، تثبیت معادله جدیدی بود: «هر تعرض محلی، پاسخی فراگیر و تهاجمی در پی خواهد داشت.» این نبرد نشان داد که دفاع مقدس از مرزهای جغرافیایی فراتر رفته و به شکل‌گیری یک کمربند آتش تهاجمی پیرامون نقطه ثقل تهدید تبدیل شده است.

۳. تجربه سوم؛ نبرد ۴۰ روزه و کارزار توازن وحشت (دکترین ضربه متقابل و عمق راهبردی)

در نبرد ۴۰ روزه اخیر و تحولات مرتبط با تقابل مستقیم ایران و جبهه استکبار، راهبرد جمهوری اسلامی بلوغ نهایی خود را به نمایش گذاشت. این مرحله، پایان قطعی دوران «صبر استراتژیک انفعالی» و ورود به عصر «اقدام پیش‌دستانه و پاسخ ویرانگر در مبدأ» بود. عملیات‌های موشکی و پهپادی با برد بیش از هزار کیلومتر و شکستن تمامی خطوط قرمز پدافندی دشمن ثابت کرد که دیگر مرزهای ملی، محل مهار بحران نیستند؛ بلکه عمق استراتژیک و مراکز حیاتی دشمن، میدان اصلی مانور دفاعی ماست.

چرا تهاجم، خود دفاع است؟

تناقض ظاهری میان «دفاعی بودن اهداف» و «تهاجمی بودن ابزارها»، با رهیافت «بازدارندگی فعال» حل می‌شود. رهبر شهید انقلاب سال‌ها پیش فرمودند: «دوران بزن در رو تمام شده است؛ اگر یکی بزنید، ده تا می‌خورید.» این عبارت، مانیفست تحول دکترین دفاعی ایران است. در منطق ژئوپلیتیک معاصر: دفاع ایستا محکوم به شکست است؛ منتظر ماندن برای ضربه اول دشمن، هزینه‌های اقتصادی، انسانی و امنیتی جبران‌ناپذیری تحمیل می‌کند.

تهاجم محاسبه‌پذیر، صلح‌آفرین است؛ وقتی دشمن بداند هر تحرک خصمانه با پاسخی نامتقارن، سنگین و تهاجمی در خاک خودش مواجه خواهد شد، دست به مهار اراده خود می‌زند. از قضا، این راهبرد تهاجمی است که مانع وقوع جنگ‌های تمام‌عیار می‌شود و ماهیتی کاملا بازدارنده و دفاعی دارد.

پیوستگی میدان و عمق ژئوپلیتیک: تجارب سه جنگ نشان داد که خط مقدم دفاع از تهران، خرمشهر یا اهواز، در بیروت، دمشق، بغداد و مرزهای اشغالی تعریف می‌شود. جابه‌جایی این خطوط، ثمره تفکر تهاجمی در مهندسی ژئوپلیتیک منطقه است.

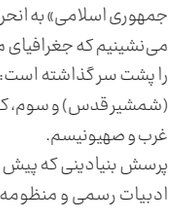
تکامل یک حقیقت مقدس

دفاع مقدس امسال صرفا یک گرامیداشت نوستالژیک نیست، بلکه بازخوانی یک پیوستار تکاملی است. جمهوری اسلامی ایران از دل خاکریزهای خوزستان در سال ۱۳۵۹ آموخت که بقا در نظم پرآشوب جهانی، نیازمند «دست بلند، اراده قاطع و ضربه تهاجمی» است.

نام این استراتژی همچنان با افتخار «دفاع» است؛ چراکه آغازگر هیچ تجاوزی نبوده و نخواهد بود. اما ابزارها، روش‌ها و جغرافیای این دفاع، بی‌تردید «تهاجمی، بازدارنده و پشیمان‌کننده» است. تحول از دفاع واکنشی سال‌های آغازین جنگ تحمیلی به تهاجم راهبردی در نبردهای ۱۲ روزه و ۴۰ روزه، نه عدول از آرمان‌های دفاع مقدس، بلکه تفسیر عینی و مدرن همان آرمان در ترازیک قدرت منطقه‌ای و جهانی است.

نگاه چارچوب قرآنی و روایی تهاجم و مقابله

مقاومت آفندی



علیرضا احمدی قره زاغ
نویسنده و پژوهشگر

کاربست واژه «دفاع» در فقه سیاسی شیعه و دکترین نظامی جمهوری اسلامی، ناظر به «مشروعیت غایی و انگیزه آغاز جنگ» است، نه محدودیت در انتخاب ابزار و الگوهای تاکتیکی. در منظومه فکری امامین انقلاب؛ امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای (ره)، دفاع مشروع با انفعال میدانی مرزبندی هویتی دارد؛ چراکه امیرالمومنین، علی (ع) در خطبه ۲۷ نهج‌البلاغه قاعده بنیادین امنیت اسلامی را این‌گونه تقریر می‌فرمایند: «فَوَاللَّهِ مَا غُزِيَ قَوْمٌ قَطُّ فِي عُقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا»؛ یعنی توقف در خطوط مرزی خودی و پذیرش ضربه در خانه، فرجامی جز ذلت ندارد. تجربه سه جنگ تحمیلی؛ نبرد کلاسیک بعثی در دهه ۶۰، جنگ نیابتی و ترکیبی تکفیر در دهه ۹۰ (شام و عراق) و کارزار مواجهه مستقیم موشکی-پدافندی با رژیم صهیونیستی و پایگاه‌های آمریکا و جبهه ائتلاف غربی در ماه‌های اخیر، نشان داد که حفظ کیان امت و ثبات ملی، در گرو گذار از اجتناب ناپذیر از «دفاع موضعی و واکنشی» به «راهبرد تهاجمی و بازدارندگی فعال» است؛ گذاری که مبانی آن مستقیما از محکمات آیات جهاد و سنن الهی استخراج شده است.

تحول تشریعی آیات قتال در قرآن مجید، ترسیم‌کننده منطق گذار از پاسخ پسینی به ایجاد موازنه هراس و سلب اراده تخاصم از دشمن است. آیه ۱۹۰ سوره بقره با گزاره «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا»، اصالت را به نبرد تدافعی در برابر تجاوزگران می‌دهد و ستم و جنگ‌طلبی ابتدایی را نفی می‌کند. با این حال، شریعت اسلامی دفاع را در چارچوب بسته و اکنش صرف محصور نمی‌سازد، بلکه در سوره انفال آیه ۶۰ با فرمان «وَأَعِدُّوا لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ»، «ارهاب عقلانی» و بازدارندگی وحشت‌آفرین در محاسبات دشمن را رکن قوام بخش دفاع معرفی می‌کند. تطبیق عینی این منطق در تاریخ دفاع مقدس، شکست بن بست راهبردی سال اول جنگ بود؛ جایی که با عزل تفکر تکنوکراتیک و منفعلانه بنی صدر، دکترین دفاعی به سوی طراحی عملیات‌های آفندی زنجیره‌ای - نظیر «ثامن‌الائمه» برای شکست حصر آبادان و «الی بیت‌المقدس» برای آزادسازی خرمشهر- تغییر جهت داد و مشخص ساخت که دفاع بدون تهاجم متقابل، توان تنبیه متجاوز و آزادسازی سرزمین را نخواهد داشت.

دلالت مفهومی و فقهی «رِباطِ الْخَيْل» در منظومه امنیتی اسلام، وجوب برپایی شبکه قدرت انباشته، پایدار و در حالت آماده‌باش همیشگی برای مهار غافلگیری راهبردی است. بر اساس مرویات فقهی، از جمله روایت معتبر از امام جعفر صادق (ع) ذیل همین آیه که اسب‌های مهیا را نشانه عزت مومنان می‌دانند (الکافی، ج ۵، ص ۴۹)، «رباط» ناظر به ایجاد تسلیحات راهبردی پیش‌نگرو پیوسته در زنجیره رزم است. این مفهوم قرآنی در مختصات معاصر، در توسعه شبکه‌های زیرزمینی شهرهای موشکی نیروی هوافضا، تجهیزیگان‌های پهپادی بردبلند (نظیر شاهد ۱۳۶ و مهاجر ۱۰) و استقرار سامانه‌های پدافند بومی (چون سوم خرداد و باور ۳۷۳) تجسد یافته است. ثمره این آمادگی ساختاری، در مهار بحران تروریسم تکفیری آشکار شد؛ جایی که اگر انبوه تسلیحات آماده و ساختار واکنش سریع نیروی قدس نبود، خطوط تهاجمی داعش به جای شکست در موصل، حلب و بوکمال، مرزهای خسروی و مهران را به مسلخ امنیت ملی بدل می‌کرد.

فلسفه جهاد تهاجمی در اسلام، خشکاندن ریشه‌های فتنه در کانون پیدایش و سلب توان ضربه اول از طاغوت پیش از تحمیل فاجعه بر مستضعفان است. در مبانی اجتهادی فقهای شیعه، جهاد ابتدایی یا تهاجمی مشروع بر مدار «أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَّكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُم بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ» (توبه/ ۱۳) برای درهم کوبیدن کانون‌های توطئه و نقض عهد پیش از اقدام خصمانه آنان تشریع شده است. در جنگ دوم تحمیلی، مصداق بارز این فقه عملیاتی، ابتکار راهبردی سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی در گشودن جبهه‌های آفندی درون جغرافیای بحران‌زده سوریه و عراق بود؛ رویکردی که توطئه طراحی شده اتاق‌های فکر غربی- عبری برای فروپاشی کمربند مقاومت را پیش از رسیدن به مرزهای ایران منهدم ساخت و دکترین «دفاع در عمق راهبردی» را بر دشمن تحمیل کرد. این الگو اثبات کرد که تهاجم پیش‌دستانه به ریشه‌های فتنه، کارآمدترین قالب حراست از امنیت امت است.

سنت الهی تداوم تاریخ بر «دفع متقابل» و برهم زدن یک جانبه‌گرایی جبهه باطل از طریق اعمال قدرت سخت و موازنه‌ساز استوار است. خداوند سبحان در آیه ۲۵۱ سوره بقره این قاعده تکوینی- تشریعی را تبیین می‌فرماید: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ»؛ قاعده‌ای که تصریح دارد مدارای راهبردی در برابر ظالم متجاوز به فراگیری تباهی می‌انجامد و تنها راه بقای صلح عادلانه، مقابله فیزیکی و تحمیل خسارت است. عملیات‌های تاریخی «وعده صادق ۱ و ۲» در پاسخ به ترورها و تجاوزات آشکار رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه مراکز دیپلماتیک و فرماندهان جبهه مقاومت، مظهر بی‌بدیل این سنت قرآنی در جنگ سوم تحمیلی بود. شلیک صدها فروند موشک بالستیک و هایپرسونیک (همچون خیبرشکن و فتاح) به قلب پایگاه‌های نواتیم و هاتزریم، معادله بازدارندگی را از حالت نظری به واقعیتی دگرگون‌ساز بدل کرد و به دشمن فهماند که هزینه هرگونه تعدی، مواجهه مستقیم با آتش تهاجم راهبردی خواهد بود.

امتداد سه تجربه تاریخی نبرد هشت ساله، جنگ با تکفیر و پیکار ترکیبی با آمریکا و صهیونیسم، به روشنی نشان می‌دهد که دکترین دفاعی ایران اسلامی متکی بر عقلانیت قرآنی «مقاومت آفندی» بازتعریف شده است. تقید به شریعت ایجاب می‌کند که امت اسلام آغازگر ستم و تعدی نباشد، اما تسلط بر فنون رزم و قواعد نبرد حکم می‌کند که پایان و قواعد جنگ را با تهاجم قاطع و بازدارنده تعیین کند. این تحول راهبردی، میراث ماندگار خون شهیدان و ترجمان عینی همان ندای ابدی وحی است که عزت و امنیت پایدار را تنها در سایه اقتدار، ثبات قدم و ضربه موازنه‌ساز به جبهه کفر تضمین می‌کند.

بازدارندگی فقط در میدان نظامی نیست

اقدام قبل از اقدام دشمن

حانیه حسین پور
آگاه مسائل فرهنگی

«وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ خداوند برای کافران راهی برای سلطه بر مومنان قرارنداده است. این آیه در نگاه نخست، شاید بیش از هر چیز یادآور یک اصل فقهی و اعتقادی باشد؛ اما اگر آن را در نسبت با مسئله دفاع و مواجهه با دشمن ببینیم، یک پرسش جدی پیش روی ما قرار می‌گیرد: اگر قرار نیست دشمن بر جامعه مومنان سلطه پیدا کند، ما برای بسته ماندن راه‌های این سلطه چه وظیفه‌ای داریم؟

دفاع، یکی از نخستین پاسخ‌ها به این پرسش است؛ اما دفاع را نمی‌توان تنها در معنای نظامی آن خلاصه کرد. ساخت تجهیزات نظامی، افزایش توان موشکی، تقویت پدافند و بالا بردن توان عملیاتی، بخشی ضروری از قدرت دفاعی یک کشور است. با این حال، دشمن برای ایجاد سلطه الزاما به تانک و هواپیما و موشک نیاز ندارد. گاهی کافی است بتواند ذهن یک جامعه را تغییر دهد، اعتماد مردم به یکدیگر را کاهش دهد، نسبت به آینده ناامیدشان کند، میان آنها شکاف ایجاد کند و روایت خود را جایگزین روایت واقعی از یک مسئله کند. به همین دلیل است که جنگ امروز، حتی اگر در نقطه‌ای از میدان نظامی جریان داشته باشد، تنها در آن میدان تعیین تکلیف نمی‌شود. بخشی از نبرد، در ذهن انسان‌ها اتفاق می‌افتد؛ در رسانه، در شبکه‌های اجتماعی، در فیلم و سریال، در اخبار و حتی در تصویری که یک جامعه از خودش پیدا می‌کند.

هشت سال دفاع مقدس نمونه روشنی از اهمیت سرمایه انسانی در دفاع است. ایران در آغاز جنگ با کمبودها و محدودیت‌های جدی نظامی و تسلیحاتی مواجه بود، اما سرمایه‌ای داشت که محاسبات دشمن را دشوار می‌کرد؛ مردمی که جنگ را مسئله‌ای مشترک می‌دیدند و پشتوانه حرکت‌شان ایمان بود. آن روز ابزار اصلی دفاع فقط سلاحی که در دست رزمنده قرار داشت نبود؛ ایمانی بود که به او می‌گفت ایستادگی معنا دارد و سرنوشت او از سرنوشت جامعه‌اش جدا نیست. همین ایمان، مردم را به میدان آورد و همین احساس سرنوشت مشترک، جامعه را در برابر دشمن منسجم کرد.

اما چند دهه بعد، میدان مواجهه تغییر کرده است. رسانه‌ها بیش از هر زمان دیگری در شکل‌دهی به افکار عمومی نقش دارند و دشمن نیز از همین ابزار برای اثرگذاری بر جامعه استفاده می‌کند. اگر در گذشته بخش مهمی از تلاش دشمن، عبور از مرزهای جغرافیایی بود، امروز عبور از مرزهای ذهنی نیز به همان اندازه اهمیت پیدا کرده است.

اینجاست که مسئله‌ای جدی شکل می‌گیرد: اگر جامعه‌ای از درون دچار چنددستگی شود، اگر مردم دیگر یکدیگر را در یک جبهه نبینند و اگر اعتماد و ایمان مشترک تضعیف شود، حتی قوی‌ترین تجهیزات نظامی نیز به تنهایی نمی‌توانند تمام خلأ ایجاد شده را پر کنند. پس همان طور که برای دفاع از مرزهای جغرافیایی به نیروی نظامی نیاز داریم، برای دفاع از مرزهای فکری و فرهنگی نیز به نیروی انسانی نیاز داریم.

شاید بتوان یکی از مهم‌ترین الگوها برای فهم این مسئله را در سیره امام صادق (ع) پیدا کرد. دوران امام صادق (ع) دوره‌ای بود که جامعه اسلامی با جریان‌های فکری و عقیدتی گوناگونی مواجه شده بود. جریان‌های مختلف تلاش می‌کردند افکار عمومی را تحت تاثیر قرار دهند و برداشت‌های متفاوتی از دین ارائه کنند. در چنین شرایطی، امام صادق (ع) تنها به مقابله با یک جریان خاص اکتفا نکردند؛ بلکه با ایجاد یک نهضت علمی و فرهنگی، به تربیت انسان‌هایی پرداختند که بتوانند در برابر این جریان‌های فکری ایستادگی کنند.

جریان غلو، نمونه‌ای از همین میدان بود؛ جریانی که با نسبت دادن جایگاه‌هایی نادرست به ائمه (ع)، در پی تغییر مرزهای اعتقادی جامعه بود و ائمه (ع) در دوره‌های مختلف با آن مقابله کردند. پاسخ به چنین تهدیدی نیز صرفا با برخورد مستقیم ممکن نبود؛ جامعه باید به جایی می‌رسید که بتواند انحراف را تشخیص دهد. امام صادق (ع) دقیقا همین کار را دنبال کردند: ساختن انسان.

شاگردان ایشان تنها کسانی نبودند که در یک کلاس حاضر شوند و دانشی را دریافت کنند؛ بسیاری از آنان به نقاط مختلف جهان اسلام رفتند و هر کدام به حلقه‌ای برای انتقال دانش و اندیشه تبدیل شدند. یک شبکه انسانی شکل گرفت که می‌توانست در برابر انحرافات فکری، از جامعه دفاع کند. امروز نیز اگر میدان تهدید تغییر کرده، شیوه دفاع ما باید متناسب با آن تغییر کند.

بازدارندگی فعال فقط به این معنا نیست که آن‌قدر موشک داشته باشیم که دشمن از حمله نظامی منصرف شود. این بخش لازم است، اما کافی نیست. بازدارندگی زمانی کامل‌تر می‌شود که جامعه‌ای داشته باشیم که دشمن نتواند به آسانی ذهن آن را تسخیر کند؛ جامعه‌ای که مردمش قدرت تشخیص، تحلیل و پرسشگری داشته باشند و هر روایتی را صرفا به دلیل تکرار شدن در رسانه نپذیرند.

برای رسیدن به چنین جامعه‌ای، صرفا موعظه کردن کافی نیست. نسل امروز با نسل‌های گذشته تفاوت دارد. بخش بزرگی از ارتباط او با جهان از مسیر رسانه اتفاق می‌افتد؛ با تصویر، ویدئو، داستان، بازی، شبکه اجتماعی و محتوای کوتاه. بنابراین اگر قرار است از فکر و فرهنگ جامعه دفاع کنیم، باید زبان و ابزار ارتباط با همین نسل را بشناسیم.

هدف، ساختن نسلی نیست که فقط مجموعه‌ای از پاسخ‌های آماده را حفظ کرده باشد؛ هدف، تربیت نسلی است که قدرت فکر کردن داشته باشد. کسی که وقتی یک فیلم می‌بیند بتواند پشت روایت آن را ببیند؛ وقتی یک خبر می‌خواند بتواند منبع و زاویه آن را بررسی کند؛ وقتی با یک شبهه مواجه می‌شود، به جای پذیرش یا انکار فوری، سوال درست بپرسد.

چنین انسانی خودش بخشی از قدرت دفاعی کشور است. چراکه حتی اگر روزی دشمن در میدان نظامی پیشروی کند، آنچه سرنوشت یک ملت را تعیین می‌کند فقط تعداد تجهیزات نیست؛ انسان‌هایی هستند که باید در برابر او بایستند. همان‌گونه که در دفاع مقدس ایمان و احساس سرنوشت مشترک مردم را به میدان آورد، امروز نیز باید انسان‌هایی تربیت شوند که هم ایمان داشته باشند، هم قدرت تحلیل و هم بدانند چرا باید از جامعه و سرزمین خود دفاع کنند. قاعده نفی سبیل، فقط وعده‌ای برای نشستن و منتظر ماندن نیست؛ می‌تواند دعوتی به مسئولیت باشد. اگر قرار نیست راه سلطه دشمن بر جامعه مومنان باز بماند، باید این راه‌ها را شناخت و برای بستن هرکدام از آنها تلاش کرد؛ از مرزهای جغرافیایی گرفته تا مرزهای علمی، اقتصادی، فرهنگی و فکری.

نخبگان کشور امروز برای تقویت توان نظامی تلاش می‌کنند؛ برای ساخت موشک، پدافند و تجهیزات دفاعی. این تلاش ضروری است. اما در کنار ساخت تجهیزات، باید برای ساختن انسان‌هایی هم تلاش کرد که بتوانند از فکر و فرهنگ جامعه دفاع کنند. موشک می‌تواند دشمن را از نزدیک شدن به خاک بازدارد؛ اما انسان آگاه می‌تواند راه نفوذ دشمن به ذهن جامعه را ببندد و شاید یکی از مهم‌ترین شکل‌های بازدارندگی فعال در روزگار ما همین باشد: پیش از آنکه دشمن ذهن جامعه را فتح کند، جامعه‌ای ساخته باشیم که بتواند از ذهن، ایمان و هویت خود دفاع کند.



افشین، معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور:

برگزیدگان المپیادها با سازوکارهای حمایتی معاونت علمی پشتیبانی می‌شوند

پنج‌شنبـه/ ۲۶ شهریور ۱۴۰۵/ شماره ۶۴۰

چارچوب قرآنی و روایی «رِباطِ الخَیل»

ابتکار عمل از دشمن را بگیریم

سیده رباب سیدکاظمی
آگاه مسائل سیاسی

«دفاع مقدس» در ادبیات جمهوری اسلامی، پیش از آنکه نامی برای یک دوره جنگی باشد، بیانگر موضع یک ملت در برابر تجاوز است. از این رو، دفاعی بودن یک جنگ الزاما به معنای انفعال در میدان نبرد نیست. ممکن است آغاز جنگ از سوی دشمن باشد؛ اما شیوه دفاع، از همان لحظه می‌تواند فعال، مبتکرانه و حتی تهاجمی باشد. تجربه جمهوری اسلامی در جنگ تحمیلی هشت ساله و دو جنگ اخیر نیز از همین منظر قابل فهم است. بنابراین، استفاده از عنوان «دفاع» برای جنگ ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه، تعارف سیاسی نیست؛ ناظر به این واقعیت است که جمهوری اسلامی آغازگر حمله نبوده و اقدامات نظامی آن در پاسخ به تجاوز صورت گرفته است. در جنگ ۱۲ روزه، رژیم صهیونیستی در ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ حمله به ایران را آغاز کرد و در جنگ ۴۰ روزه نیز آمریکا و اسرائیل از ۹ اسفند ۱۴۰۴ حملات هماهنگ خود را علیه ایران آغاز کردند.

اما مسئله مهم‌تر، تفاوت میان ماهیت دفاع و راهبرد دفاعی است. دفاع ممکن است از حیث آغاز درگیری، واکنشی باشد؛ اما از حیث راهبردی، منفعل نباشد. دفاع منفعل در نهایت می‌کوشد حمله را دفع کند؛ ولی دفاع فعال علاوه بر دفع حمله، درپی آن است که ابتکار عمل را از مهاجم بگیرد، هزینه تجاوز را افزایش و محاسبات آینده او را تغییر دهد. همین نقطه، محل پیوند مفهوم دفاع با بازدارندگی است.

مبنای قرآنی این رویکرد را می‌توان در آیه ۶۰ سوره انفال مشاهده کرد: «وَأَعِدُّوا لَهُم مَا اسْتَطَعْتُم مِن قُوَّةٍ وَمِن رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...»؛ یعنی پیش از آنکه سخن از درگیری به میان آید، فرمان به آمادگی و فراهم کردن قدرت داده می‌شود. ترتیب آیه معنادار است: اعداد (تهیه کردن) مقدمه ارهاب (ترساندن) است؛ یعنی قدرت باید به اندازه‌ای باشد که دشمن را از اقدام بازدارد. خود آیه نیز در ادامه، آمادگی را وسیله‌ای برای ایجاد هراس در دشمن معرفی می‌کند.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ذیل این آیه، ضرورت آمادگی را با واقعیت تعارض میان جوامع انسانی مرتبط می‌داند و توضیح می‌دهد که اختلاف منافع و روش‌های اجتماعی می‌تواند به نزاع و جنگ منتهی شود؛ بنابراین جامعه اسلامی باید خود را برای چنین احتمالی آماده کند (المیزان، جلد ۹، صفحه ۱۵۰). بر این اساس، دستور اعداد ناظر به جنگ‌طلبی نیست؛ ناظر به واقع‌بینی درباره امکان تهدید و ضرورت برخورداری از قدرت برای حفظ امنیت جامعه است.

«رِبَاطِ الْخَيْلِ» نیز در این چارچوب نباید در مصداق تاریخی آن متوقف شود. اسب‌های آماده، ابزار نظامی متناسب با زمان نزول بودند و آیه با تعبیر عام «مِن قُوَّةٍ» اصل آمادگی را به توان موجود و قابل تحصیل پیوند می‌دهد. روایت نبوی «أَلا إِنَّ القوة الرمي» نیز در منابع تفسیری ذیل آیه نقل شده است (البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۷۰۷)؛ یعنی «قوه» در یک مصداق مهم به توانایی رزم و تیراندازی تفسیر شده است. بنابراین، آنچه از آیه برای زمان حاضر قابل استفاده است، اصل برخورداری از قدرت متناسب با شرایط زمان است، نه تکرار شکل تاریخی ابزار جنگی.

تجربه دفاع مقدس هشت ساله نمونه روشنی از این تحول است. جنگ با تجاوز عراق آغاز شد؛ اما راهبرد ایران به تدریج از صرف دفع حملات به انجام عملیات‌های گسترده و بازپس‌گیری مناطق اشغالی تغییر کرد. عملیات‌هایی مانند فتح‌المبین و بیت‌المقدس نشان دادند که دفاع موفق می‌تواند با گرفتن ابتکار عمل از دشمن همراه شود. در مراحل بعد نیز عملیات والفجر ۸ و کربلای ۵ نشان دادند که توان دفاعی زمانی به بازدارندگی نزدیک می‌شود که دشمن بداند حمله به ایران صرفا با مقاومت در خط مقدم پاسخ داده نمی‌شود و می‌تواند با واکنش عملیاتی گسترده مواجه شود. همین منطق در جنگ ۱۲ روزه نیز اهمیت پیدا کرد. حمله اولیه، تلاش برای وارد کردن ضربه سنگین به توان نظامی و فرماندهی ایران بود؛ اما پاسخ جمهوری اسلامی، در چارچوب همان جنگ، صرفا به دفع حملات محدود نماند و با حملات موشکی به اهدافی در سرزمین‌های اشغالی همراه شد. معنای راهبردی چنین پاسخی آن است که مهاجم نمی‌تواند جنگ را با هزینه‌ای که خود تعیین می‌کند آغاز و مدیریت کند.

جنگ ۴۰ روزه نیز همین منطق را در مقیاسی گسترده‌تر آشکار کرد. این جنگ با حملات آمریکا و اسرائیل در ۹ اسفند ۱۴۰۴ آغاز شد و پس از بیش از یک ماه، با توافق بر سر آتش‌بس موقت متوقف شد. در طول درگیری، ایران نیز به حملات نظامی پاسخ داد و حتی در حوزه‌هایی مانند تنگه هرمز از ظرفیت‌های خود برای اعمال فشار متقابل استفاده کرد. فارغ از ارزیابی سیاسی نتایج این جنگ، از منظر راهبردی یک نکته روشن است: پاسخ به تجاوز، بخشی از سازوکار دفاع محسوب می‌شود و دفاع زمانی بازدارنده است که دشمن نتواند میان آغاز جنگ و تعیین هزینه‌های جنگ تفکیک ایجاد کند.

در اینجا تفاوت تهاجم با بازدارندگی تهاجمی نیز روشن می‌شود. تهاجم به معنای آغاز تعرض و تحمیل جنگ است؛ اما اقدام تهاجمی در چارچوب دفاع می‌تواند به معنای استفاده از ظرفیت نظامی برای دفع تجاوز، تحمیل هزینه به مهاجم و تغییر محاسبات او باشد. بنابراین، تحول راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی را دقیق‌تر است که حرکت از دفاع صرفا واکنشی به دفاع فعال و بازدارندگی مبتنی بر قدرت بنامیم. آیه «وَأَعِدُّوا لَهُم مَا اسْتَطَعْتُم مِن قُوَّةٍ» دقیقا همین منطق را پیش روی جامعه اسلامی قرار می‌دهد: قدرت برای آغاز جنگ نیست؛ برای آن است که دشمن امکان وانگیزه تعرض را از دست بدهد. اگر با وجود این آمادگی، تجاوز رخ داد، همان قدرت باید امکان پاسخ موثر و تغییر محاسبات مهاجم را فراهم کند. از این منظر، دفاع مقدس در هر سه تجربه جنگی جمهوری اسلامی، با مفهوم بازدارندگی در تعارض نیست؛ دفاع در نقطه آغاز، واکنش به تجاوز است؛ اما در سطح راهبردی می‌تواند فعال، مبتکرانه و برخوردار از ظرفیت اقدام متقابل باشد. «رِباطِ الْخَيْلِ» در روزگار ما، نماد همین آمادگی دائمی است؛ آمادگی‌ای که هدف نهایی آن، پیشگیری از جنگ از طریق ایجاد قدرتی است که دشمن را از آزمودن آن منصرف کند.

مثلث طلایی فتح و اقتدار ایران

«دفاع مقدس»، «اتحاد مقدس» و «بعثت مقدس»

دکتر مرتضی امیری‌نژاد
استاد دانشگاه و کارشناس مسائل سیاسی

اقتدار ایران اسلامی را نمی‌توان صرفا با تعداد موشک‌ها، توان نظامی، ظرفیت اقتصادی یا قدرت سیاسی سنجید. اینها اجزای مهم قدرت ملی‌اند، اما در لایه‌ای عمیق‌تر، آنچه یک ملت را در برابر فشار، تهدید و جنگ‌های پیچیده مقاوم می‌کند، «فرهنگ قدرت» و «روحیه ایستادگی» است. از این منظر، می‌توان هندسه اقتدار ایران را در قالب یک مثلث سه ضلعی ترسیم کرد: دفاع مقدس، اتحاد مقدس و بعثت مقدس. سه مفهومی که نه جدا از یکدیگر، بلکه در امتداد یک حرکت تاریخی و تمدنی معنا پیدا می‌کنند. «دفاع مقدس» تجربه تثبیت موجودیت و استقلال ایران است، «اتحاد مقدس» ضرورت حفظ انسجام و تجمیع ظرفیت‌های ملی در برابر تهدیدهای نوین و «بعثت مقدس» مرحله تبدیل این امنیت و انسجام به ماموریت، پیشرفت و آینده‌سازی.

۱. دفاع مقدس؛ تثبیت موجودیت و تولد فرهنگ مقاومت

در دوران دفاع مقدس، مسئله اصلی برای ملت ایران، صرفا پیروزی در یک جنگ نظامی نبود، مسئله، حفظ موجودیت انقلاب، استقلال کشور، تمامیت ارضی و حق تعیین سرنوشت ملی بود. ملت ایران در آن مقطع آموخت که امنیت را نمی‌توان صرفا از بیرون خرید یا به قدرت‌های خارجی واگذار کرد. امنیت پایدار، محصول ایمان، خودباوری، مقاومت، آمادگی و پذیرش هزینه‌های استقلال است. دفاع مقدس از همین منظر، یک واقعه صرفا تاریخی نیست، یک «مدرسه راهبردی» است که به ایران آموخت در برابر فشار و زیاده‌خواهی، عقب‌نشینی لزوما امنیت‌آفرین نیست. تجربه جنگ نشان داد هرگاه دشمن احساس کند اراده یک ملت در حال فرسایش است، دامنه مطالبات خود را افزایش خواهد داد. ثمره مهم دفاع مقدس، شکل‌گیری این باور بود که ایران باید از «مصرف‌کننده امنیت» به «تولیدکننده امنیت» تبدیل شود. بنابراین، نخستین ضلع اقتدار ایران، قدرت دفاع از موجودیت است؛ قدرتی که ریشه در تجربه تاریخی، خودباوری ملی و فرهنگ مقاومت دارد.

۲. اتحاد مقدس؛ تجمیع ظرفیت ملی و صیانت از جامعه

اما تهدیدهای امروز با تهدیدهای دوران دفاع مقدس یکسان نیستند. در آن زمان، دشمن عمدتا مرزهای جغرافیایی را هدف قرار داده بود، اما امروز علاوه بر مرزهای سرزمینی، مرزهای ذهنی، اجتماعی، هویتی و روانی جامعه نیز در معرض فشار قرار دارند. جنگ ترکیبی، جنگ روایت‌ها و جنگ شناختی تلاش می‌کنند پیش از آنکه توان نظامی یک کشور را هدف بگیرند، اراده و اعتماد جامعه را فرسوده کنند. در چنین شرایطی، «اتحاد مقدس» یک شعار تزئینی یا صرفا اخلاقی نیست، یک ضرورت راهبردی و بخشی از قدرت ملی است. جامعه‌ای که میان مردم و مسئولان آن بی‌اعتمادی شکل بگیرد، جامعه‌ای که اختلافات سیاسی به دشمنی اجتماعی تبدیل و جامعه‌ای که امید در آن فرسوده شود، حتی اگر از ظرفیت‌های نظامی و اقتصادی قابل توجهی برخوردار باشد، در بزنگاه‌های حساس با هزینه‌های بیشتری مواجه خواهد شد. از این رو، حفظ اعتماد عمومی، انسجام ملی، همبستگی اجتماعی، گفت‌وگوی ملی و مسئولیت‌پذیری باید بخشی از منظومه امنیت ملی تلقی شود. اگر «دفاع مقدس» از مرزهای جغرافیایی صیانت کرد، «اتحاد مقدس» باید از مرزهای اجتماعی و هویتی کشور حفاظت کند. اتحاد مقدس یعنی اختلاف نظر را به شکاف تبدیل نکنیم، نقد را به دشمنی تبدیل نکنیم و مطالبات مشروع مردم را در مسیر اصلاح و پیشرفت قرار دهیم، نه در مسیر فرسایش سرمایه اجتماعی.

۳. بعثت مقدس؛ تبدیل قدرت به ماموریت و آینده

اما حتی دفاع و اتحاد نیز اگر فاقد مقصد و افق باشند، به تنهایی برای ساخت آینده کافی نیستند. اینجاست که ضلع سوم مثلث یعنی «بعثت مقدس» اهمیت پیدا می‌کند. بعثت مقدس را می‌توان مرحله‌ای از «برانگیختگی تاریخی» یک ملت برای ساختن آینده دانست؛ مرحله‌ای که در آن، ملت فقط برای بقا نمی‌جنگد، بلکه برای پیشرفت، عدالت، تربیت انسان، تولید علم، امیدآفرینی و نقش‌آفرینی تمدنی حرکت می‌کند. قدرت واقعی زمانی پایدار می‌شود که یک ملت بداند برای چه چیزی قدرتمند می‌شود و قرار است این قدرت را در چه مسیری به کار گیرد. در این مرحله، نقش نخبگان، دانشگاهیان، رسانه‌ها، جوانان و کنشگران اجتماعی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. ماموریت آنان تنها انتقال خبر نیست، بلکه باید به تولید امید، روایت واقع‌بینانه از توانمندی‌ها، تقویت هویت ملی، مقابله با ناامیدی و تبدیل جامعه از مصرف‌کننده روایت به تولیدکننده روایت کمک کنند. اگر دفاع مقدس حافظ سرزمین است و اتحاد مقدس حافظ جامعه، بعثت مقدس حافظ روح، معنا، جهت و آینده ملت است.

نتیجه‌گیری راهبردی

هندسه طلایی فتح و اقتدار پایدار ایران، زمانی شکل می‌گیرد که این سه ضلع در کنار یکدیگر قرار گیرند. در این هندسه، دفاع بدون اتحاد می‌تواند با فرسایش داخلی مواجه شود، اتحاد بدون ماموریت ممکن است به سکون تبدیل شود و بعثت بدون قدرت دفاعی و انسجام اجتماعی، در برابر فشارهای بیرونی آسیب‌پذیر خواهد بود. بنابراین، مسیر اقتدار پایدار ایران از یک زنجیره روشن عبور می‌کند: دفاع مقدس (امنیت)، اتحاد مقدس (انسجام) و بعثت مقدس (پیشرفت و تمدن‌سازی) این مثلث، در حقیقت سه مرحله از یک راهبرد واحد است: بقا، انسجام و آینده‌سازی. ایران قوی فقط ایرانی نیست که توان دفاع از خود را دارد، ایران قوی، کشوری است که در برابر تهدید می‌ایستد، در درون متحد می‌ماند و برای آینده، ماموریت و افق روشن دارد. دفاع مقدس، گذشته‌ای برای افتخار است، اتحاد مقدس، ضرورتی برای امروز و بعثت مقدس، ماموریتی برای ساخت فردا.



تحول راهبردی ایران در سه تجربه جنگ تحمیلی

تهاجم برای بازدارندگی



حسین انجدانی
پژوهشگر و آگاه مسائل اندیشه‌ای

در ادبیات سیاسی و نظامی، «دفاع» غالبا به معنای عقب‌نشینی، پناه گرفتن در پشت حصارهای امنیتی و انتظار برای پایان تهاجم دشمن تلقی می‌شود. اما در تجربه ایران قوی، واژه «دفاع مقدس» هرگز به معنای این انفعال ایستا و ساکن نبوده است. بازخوانی سه تجربه جنگ تحمیلی (جنگ هشت‌ساله، جنگ ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه) نشان می‌دهد که ما با یک «تحول راهبردی» روبه‌رو هستیم؛ تحولی که در آن، مفهوم دفاع از یک «رویکرد واکنشی»، به یک «بازدارندگی فعال و پیش‌دستانه» تبدیل شده است. این تحول، یک «جهش در پارادایم قدرت» است که ریشه در مبانی قرآنی و اندیشه استراتژیک امامین انقلاب رضوان الله علیهما دارد.

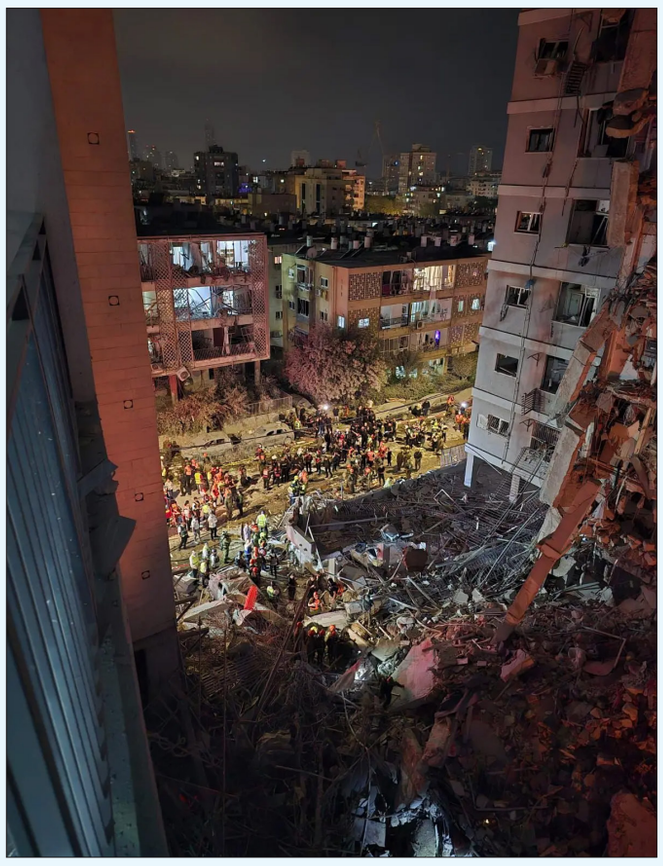
در جنگ اول، یعنی دفاع مقدس هشت‌ساله، ما با مفهومی از دفاع روبه‌رو بودیم که هدفش ابتدا «توقف پیشروی دشمن» و سپس «پاکسازی خاک» بود. در آن مقطع، امام راحل با استراتژی «دفاع همه جانبه» و بسیج بی‌سابقه نیروهای انسانی، ثابت کردند که اراده ایمانی می‌تواند خلأهای تجهیزاتی را جبران کند. اما حتی در آن دوران، جرقه‌های «راهبرد تهاجمی» در عملیات‌هایی چون «فاو» و «کربلا» دیده می‌شد؛ جایی که دفاع، با هدف «نابود کردن توان تهاجمی دشمن» به تهاجم تبدیل می‌شد. در واقع، دفاع مقدس در اندیشه امام راحل، دفاعی بود که برای رسیدن به صلح پایدار، باید «قدرت دشمن را در مرکز ثقلش» هدف قرار می‌داد.

اما اگر در جنگ اول، «ایمان» پیشران اصلی برای جبران کمبودها بود، در تجربه‌های اخیر، جمهوری اسلامی توانست ایمان را با «دانش پیشرفته» و «تکنولوژی بومی» پیوند بزند. بازدارندگی فعال امروز، نه تنها بر پایه شجاعت، بلکه بر پایه «دقت»، «سرعت» و «عمق» استوار است. این تلاقی باعث شده است که دشمن دیگر نتواند با محاسبات قدیمی خود به ایران بنگرد؛ زیرا اکنون «قدرت تهاجمی در لباس دفاع»، از طریق موشک‌های نقطه‌زن و پهپادهای هوشمند، بازوی بازدارنده را به چنان ترازی رسانده است که هرگونه خطای محاسباتی دشمن، به بهای نابودی زیرساخت‌هایش تمام شود. با گذشت زمان و ورود به تجربه‌های اخیر (جنگ ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه)، این منطق تکامل یافت و به «بازدارندگی فعال» تبدیل شد. در جنگ‌های جدید، ما دیگر تنها منتظر حمله دشمن نیستیم تا واکنش نشان دهیم، بلکه با تغییر «زمین بازی»، مفهوم دفاع را بازتعریف کردیم. «دفاع متحرک» در این دو جنگ، به این معنا بود که دشمن پیش از آنکه بتواند ضربه نهایی را وارد کند، با ضرباتی پیش‌دستانه و در عمق خاک خود، متوجه شود که هزینه تجاوز، به مراتب بیشتر از سود احتمالی آن است. این همان «بازدارندگی فعال» است؛ وضعیتی که در آن قدرت نظامی نه برای جنگ، بلکه برای «جلوگیری از جنگ» از طریق «ارعاب عقلانی دشمن» به کار گرفته می‌شود.

مبنای این تحول، در آیات کریمه قرآن نهفته است. قرآن کریم در حالی که در آیه ۱۹۰ سوره بقره، دستور به مقابله با کسانی می‌دهد که با مومنان می‌جنگند («وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ»)، در جای دیگر، منطق «آمادگی دائمی» را به عنوان شرط بقا معرفی می‌کند: «وَأَعِدُّوا لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ» (انفال / ۶۰). مفهوم «رِبَاطِ الْخَيْلِ» در قرآن، دقیقا به معنای ایجاد یک «حصار بازدارنده» است تا دشمن حتی تصور تجاوز را نکند. از این منظر، راهبرد جمهوری اسلامی در گذار از دفاع ایستا به بازدارندگی فعال، در واقع عملیاتی کردن منطق الهی «دفع فساد» است؛ همان طور که در آیه ۲۵۱ سوره بقره آمده است: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ». دفاع در اینجا، یعنی دفع فعالانه فساد برای برقراری نظم و عدالت جهانی. کلیدی‌ترین بعد این تحول، در اندیشه رهبر شهید انقلاب (اعلی‌الله مقامه) متجلی شده است. آقای شهید با درک دقیق از ماهیت دشمن، راهبرد ایران را نه در «تسلیم» و نه در «جنگ متقارن»، بلکه در «بازدارندگی فعال و پیش‌دستانه» تعریف کردند. ایشان مفهوم دفاع را از «واکنش به حمله» به «مدیریت تهدید» ارتقا دادند. در این مدل، «قوی شدن» دیگر یک هدف نظامی نیست، بلکه یک «ضرورت شرعی و ملی» است. بازدارندگی فعال یعنی ایجاد وضعیتی که در آن دشمن بداند هرگونه تجاوز، پاسخی «سریع، شدید و در عمق» در پی خواهد داشت. این همان تغییری است که باعث شد در جنگ‌های اخیر، دشمن نتواند به اهداف استراتژیک خود برسد، زیرا با «دیواری از قدرت» روبه‌رو شد که پیش از برخورد، لرزه بر اندامش انداخته بود.

«بازدارندگی فعال» کوتاه‌ترین مسیر برای دستیابی به «صلح پایدار» است. تاریخ ثابت کرده است که صلح با متجاوزان، تنها زمانی برقرار می‌شود که دشمن به «ناپایداری پیروزی» خود پی ببرد. بازدارندگی فعال در واقع «زبان مشترک با طاغوت» است؛ زبانی که در آن، قدرت تهاجمی متمرکز، مانع هرگونه جسارت دشمن برای آغاز جنگ می‌شود. بنابراین، هرچه بازوی بازدارندگی فعال ما سخت‌تر و دقیق‌تر شود، احتمال وقوع جنگ‌های تحمیلی کاهش می‌یابد؛ زیرا دشمن در برابر اراده‌ای که «قدرت تهاجمی» را در خدمت «آرمان دفاع» گمارده است، دچار فلج تحلیلی می‌شود.

بنابراین، استفاده از واژه «دفاع» در هر سه جنگ، به دلیل «مشروعیت» است. در فقه اسلامی، مشروعیت جنگ تنها در حالت «دفع» است. اما «دفع» در تراز جمهوری اسلامی، به معنای انفعال نیست؛ بلکه دفاعی است که در خود «تهاجم برای بازدارندگی» را جای داده است. تعبیر «دفاع» بدان علت است که ما هرگز آغازگر جنگ نبوده‌ایم و لذا از «تهاجم فعال» سخن می‌گوییم چون می‌دانیم در برابر طاغوتی که عطش تجاوز دارد، تنها «قدرت بازدارنده» است که صلح را تضمین می‌کند. امروز، دفاع مقدس ما، دفاعی است که با «تخصص، ایمان و فناوری»، بازوی قدرت را به گونه‌ای فعال کرده است که هرگونه تفکری برای تجاوز، در همان ابتدای مسیر، شکست بخورد. این معنای حقیقی «عزت» در میدان نبرد است؛ اینکه دفاع کنیم، اما چنان قدرتمند، که دشمن هرگز جرات تهاجم را نیابد.



قدرت شگفت‌انگیز در راهبرد «تهاجمی دفاعی»

دفاع مومنانه

شادی ورشوچی
دکتری کلام اسلامی

در نگاه اول، کلمه «دفاع» معمولا به معنای عقب‌نشینی و واکنش نشان دادن به حمله است. اما در دین اسلام و به‌خصوص در رویکرد نظام جمهوری اسلامی، «دفاع» فقط یک حالت انفعالی نیست، بلکه یک «موقعیت مهم راهبردی» است که با «بالا بردن نام حق» گره خورده است. این سوال پیش می‌آید که چرا در طول سه جنگی که پشت سر گذاشته‌ایم - از جنگ اول تا درگیری‌های اخیر- با وجود اینکه رویکرد ما از حالت انفعالی به یک «راهبرد تهاجمی و قدرتمند» تغییر کرده است، باز هم از واژه «دفاع» استفاده می‌کنیم؟ جواب این پرسش را باید در خود قرآن پیدا کنیم؛ جایی که دفاع، نه صرفا برای زنده ماندن، بلکه برای «ایجاد نظم در جهان» و «جلوگیری از تباهی» تعریف شده است.

خداوند متعال در آیه ۲۵۱ سوره بقره می‌فرماید: «و اگر خداوند [برای دفع شر] برخی از مردم، برخی دیگر را [به وسیله پیامبران و مومنان] دفع نمی‌کرد، قطعا زمین تباه می‌شد.» این «دفع» (یعنی پس زدن نیروهای فاسد) یک قانون عمومی در جهان است. نکته مهم از دیدگاه دینی این است که این «دفع» به خداوند نسبت داده شده است؛ یعنی برقرار شدن عدالت و جلوگیری از فساد در زمین، نیازمند یک «رویارویی» است. از منظر دینی، «دفاع» در اسلام، با «برقرار کردن حق» همراه است. هر جا بخواهیم حق را برپا کنیم، باطل - که ذاتا اهل ستیز است - وارد میدان می‌شود و در اینجا «دفاع»، نه یک انتخاب دلخواه، بلکه یک «لزوم حیاتی» برای محافظت از «حق» است. بنابراین، چه در جنگ اول و چه در درگیری‌های اخیر، عنوان «دفاع» همچنان درست است؛ چون کار ما همچنان «برقرار کردن حق» است و کار دشمن، همچنان «ایجاد فساد.»

تغییر رویکرد از «دفاع منفعل» به «ایجاد قدرت بازدارنده» (یعنی ترساندن دشمن)، بازگشتی به دستور روشن قرآن در مورد «آماده‌سازی نیرو» است. آیه ۶۰ سوره انفال می‌فرماید: «و هرآنچه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده (برای جنگ)، آماده کنید...» این آیه، اساس برنامه‌ریزی دفاعی ماست. عبارت «اسب‌های آماده» فقط به معنای آماده کردن اسب برای جنگ نیست؛ بلکه نمادی از «همیشه آماده بودن» و «حاضر بودن در میدان» است. در نگاه بنیان‌گذاران نظام جمهوری اسلامی، این آیه یک توصیه نیست، بلکه یک «دستور مهم راهبردی» است. «آماده‌سازی» یعنی پیوند دادن توان نظامی به اراده سیاسی.

وقتی قرآن می‌گوید: «...تا دشمنان خدا و دشمنان خودتان را به وسیله آن [نیروها] بترسانید»، هدف نهایی این آمادگی را «ترساندن دشمن» بیان می‌کند. این دقیقا همان «بازدارندگی» است. در اینجا، کلام الهی با عقلانیت راهبردی پیوند می‌خورد؛ اگر شما قدرت خود را در حدی نشان دهید که بتوانید حمله کنید، دشمن را مجبور می‌کنید که در موضع دفاعی قرار بگیرد. این همان «راهبرد تهاجمی» است که به شکل «بازدارندگی فعال» ظاهر می‌شود. جنگ اول به ما یاد داد که «دفاع صرفا در خاک خود» (یعنی فقط در سنگر ماندن)، پایان بخش جنگ نیست. باید «هزینه تجاوز» را برای دشمن آن قدر بالا ببریم که جرأت فکر کردن به حمله را نداشته باشد. از دیدگاه معنوی، قدرت جمهوری اسلامی یک «نیروی گسترده» است. یعنی قدرت ما به مرزهای جغرافیایی محدود نمی‌شود؛ بلکه در «مجموعه نیروهای مقاومت» در منطقه جاری است. این همان «دفاع متحرک» است که در نبردهای اخیر شاهد بودیم. در این نبردها، ما «محل درگیری» را از خاک خودمان به نزدیکی مرزهای دشمن منتقل کردیم. آیا این حمله است؟ نه؛ این «اقدام پیش‌دستانه مومنانه» برای جلوگیری از اجرای نقشه شوم دشمن است. آیه «و با کسانی که با شما می‌جنگند، در راه خدا بجنگید» (بقره/۱۹۰) یک تعادل دقیق را نشان می‌دهد: مقابله با کسی که به شما حمله می‌کند. اما در رویکرد راهبردی ما، «مقابله» دیگر به معنای فقط جواب دادن به حمله نیست؛ بلکه داشتن «تسلط اطلاعاتی و عملیاتی» بر دشمن است که او را قبل از هر اقدامی، از کار می‌اندازد.

اینجاست که فلسفه «تهاجم دفاعی» در اسلام معنا پیدا می‌کند. «تهاجم دفاعی» - همانطور که علمای بزرگ دین گفته‌اند - نه برای کشورگشایی، بلکه برای «برداشتن موانع هدایت مردم» و «دور کردن شرفتنه‌گران» است. وقتی رژیم غاصب اسرائیل یا قدرت‌های غربی، که مراکز «فساد در زمین» هستند، امنیت و زندگی ملت‌های مسلمان را تهدید می‌کنند، «حمله» به آنها، در واقع «دفاع از صلح واقعی» و «حفاظت از زمین» است.

بنابراین، راهبرد «قوی شدن» که امام شهیدمان بارها بر آن تاکید کرده‌اند، صرفا یک شعار برای رقابت نظامی نیست، بلکه یک «وظیفه دینی» برای بقای دین در دنیایی است که مستکبرین می‌خواهند اعتقادات اسلامی را از آن حذف کنند. «دفاع مقدس»، نامی است برای تمام این مسیر؛ از مقاومت دلیرانه در خرمشهر تا ایجاد قدرت بازدارنده در عملیات‌های اخیر. ما همیشه در حال دفاع هستیم، چون همیشه در حال «برپایی حق» هستیم و همیشه در حال «جلوگیری از فساد» و این یعنی دفاع، بالاترین و ارزشمندترین شکل رویارویی معنوی و عملی یک ملت با نیروهای باطل است. ما «می‌جنگیم» تا «آرامش» برقرار شود و این، زیبایی شگفت‌انگیز دفاع در اسلام است.



طائب، رئیس سازمان بسیج مستضعفین:

حمله به مراکز غیرنظامی در آثار هنری ثبت شود



انقلاب اسلامی در خط مقدم متولد شد

دفاع مقدس و هویت خط مقدمی انقلاب اسلامی



سعید توتونکار

آگاه مسائل سیاسی

بناست آغازگر هیچ جنگی نباشیم اما امروز در خانه خود، وطن خود، سرزمین خود، منطقه خود با دشمن متجاوزی می‌جنگیم که حق انتخابی برای ما قائل نیست و خود را صاحب ما و دارایی‌های ما می‌داند. یک تمدن وحشی با روش‌های کاملا شیطانی سعی دارد تمام قدرت ما را از بین ببرد تا بتواند هرآنچه را نیاز دارد رایگان ببرد و آنچه را بیهوده می‌داند یا فرصت بهره‌برداری از آن را ندارد نابود کند. تنها گناه ما این است که نمی‌خواهیم گاو شیرده شیطان بزرگ باشیم.

انقلاب اسلامی تهاجمی غافلگیرانه علیه تمدن اشغال و تجاوز و تخریب است. تفاوت بزرگ انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌ها در این بود که اعتبار زمین بازی دشمن را زیر سوال برد و انقلاب خود را در بستر قواعد مهندسی شده دشمن تعریف نکرد. ملت ایران این ظرفیت تمدنی را داشت تا انقلاب تمدنی به راه بیندازد. یعنی انقلاب اسلامی به نوعی در برابر نظمی برخاست که فریب تقابل شرق و غرب را بر ذهن مردم تحمیل کرده بود تا هیچ کس احساس نیاز برای فراروی از این دوگانه نداشته باشد و تمام خواسته‌های خود را در این بین شناسایی و تعریف کند و ناگزیر برای برآوردن مطالبات خود با جانبداری از یک سو، این دوگانه را تقویت کند. با ظهور قدرتی متفاوت در قلب زمین و تپیدن آن در معادلات زمان، توافق ناگزیر اعلام نشده تاریخی بین چپ و راست علیه انقلاب اسلامی پدید آمد و به روزرسانی آن در دستور کار قدرت‌های تمامیت خواه و سلطه‌گر جهان قرار گرفت. امروز می‌توان گفت دعوای چپ و راست به فریبی برای مهار موج بیداری اسلامی در جهان تقلیل پیدا کرده و آنچه در پس پرده می‌گذرد، چیزی جز تلاش برای خنثی کردن انقلاب اسلامی نیست.

مشکل لاینحل وحشی‌گری غرب

انقلاب اسلامی در خط مقدم متولد شد؛ لذا جمهوری اسلامی ایران هویتی جهادی و ماهیتی خط مقدمی دارد. وقتی دشمن در خانه است، بازدارندگی معنای دیگری دارد. ما فعلا در حال آزادسازی هستیم. غرب هیچگاه نتوانست مشکل وحشی‌گری را در خود حل کند. حتی پیشرفت فناوری و توسعه علم نیز درمان دردی نبود که آنان را رنج می‌داد. آنان هیچگاه نتوانستند بدون خونریزی زنده بمانند. تنها کاری که کردند صادر کردن جنگ و مصرف خشونت و درندگی در جغرافیاهای دیگر بود. آنان نتوانستند خوی ناسازگار خود را بهبود بخشند. رقابت‌ها را سامان دادند تا با تدارک زمین جنگ، کشتار و قحطی و نابودی کنترل شده به راه بیندازند و آن را تماشا کنند و از تماشای آن لذت ببرند و احساس افتخار کنند و سودهای بی‌حساب به جیب بزنند. آنچه امروز درباره غرب می‌بینیم تفاوت ماهوی با قرون وسطی ندارد. فقط با فناوری، به روزرسانی شده است. آنها آموخته‌اند چگونه با جنگ زندگی کنند و در حاشیه امن، رقیب را از پا درآورند. حالا در یکی از آن گلوگاه‌ها قدرتی متولد شده که این نظم ناعادلانه را برنمی‌تابد و هیچ ابایی از مخالفت با تمدن خونخوار ندارد.

آنچه از ظلمت کده‌های اپستین به بیرون درز کرد تنها بخشی از واقعیت است، نه تمام آن. برای خواندن پنهانی‌های واقعیت دو راه در دسترس‌تر است. رجوع به قرآن کریم که پیامبر رحمت و برکت محمد مصطفی (صلی‌الله علیه و آله) فرمود: «هنگامی که فتنه‌ها چون پاره‌های شب تار بر شما مشتبه شود، به قرآن روی بیاورید... برای قرآن ظاهری و باطنی است. ظاهر آن حکمت و باطن آن دانش است... در قرآن چراغ‌های هدایت و نشانه‌های حکمت و راهنمای معرفت هست، برای کسی که ویژگی‌اش را شناخت.»

و راه دوم که در دسترس ماست دقت در واکنش‌های دولتمردان غربی نسبت به فعالیت‌های انقلاب اسلامی است. شاید توجه به انتخاب یک پدوفیل کودک‌کش به عنوان رئیس بزرگ‌ترین دستگاه آدم‌کشی و تولید فساد روی زمین یعنی رژیم آمریکا شروع خوبی باشد. برخی می‌گویند اشتباه شده؛ اما پس از انتخاب مجدد او برای همه معلوم شد که این اشتباه نیست؛ یک انتخاب است؛ اما انتخاب ناگزیر. وضع حکومت‌های غربی به سطح بی‌بازگشتی از آشوب و بی‌نظمی رسیده که جز عناصر درنده و شیاطین دریده نمی‌توانند بر آن حکمرانی کنند. وضع بحرانی در غرب اجازه پرده‌پوشی و فریب به دستگاه عظیم هزاران میلیارد دلاری عوام‌فریبی آنان نمی‌دهد. حقیقت آشکار شده و فساد زیربنایی لو رفته. اکنون سوال این است که چگونه می‌توان به شیوه امن‌تری از زیر چنگال این دیوزدگان خونریز که حتی تحمل سازوکارهایی را که خود اندیشیده‌اند ندارند و در چارچوب قوانین تحمیلی خود نیز نمی‌گنجند، رها شد؟ پاسخ چیست؟ ناتوانی دشمن از تجاوز دوباره. دشمنی که دیگر نه قانونی می‌شناسد و نه به قاعده‌ای وفادار است. نه عهدی دارد و نه تعهدی. آنان زمانی مرحله اخیر جنگ را کلید زدند که ایمان داشتند همه چیز برای ما از بین خواهد رفت. آنها یک تصمیم دشوار اتخاذ کردند. آنها می‌دانستند پس از این اقدام هیچ حالت میانه‌ای وجود ندارد؛ یا می‌برند یا می‌بازند. اکنون به شهادت همه ناظران بین‌المللی و شواهد میدانی، دشمن پیروز نشده و در سراشیبی شکست قرار گرفته. هیچ کس توان دستگیری از او را ندارد؛ جز قربانی.

تمام اتفاقاتی که در وضعیت خط مقدمی می‌افتد، مربوط به جنگ است. تا وقتی که ما در چنین وضعیتی هستیم، ادعای دشمن درباره عادی‌سازی صحنه باورپذیر نیست. او مسیر جنگ را طولانی‌تر می‌کند تا راه فرار را پیدا کند. مسئولی که نتواند راه‌های فرار را مسدود کند یا مسیر جنگ را با فرصت‌هایی که پیدا می‌کند کوتاه کند، در واقع برای دشمن خود نقش منجی را بازی کرده است. هیچ مسئولی دانسته به دنبال چنین خیانتی نیست. اما گاه ندانم‌کاری‌ها و ترس و تردیدها و محاسبات غلط تصمیماتی را تحمیل می‌کند که آثار آن قابل جبران نیست. دشمن بنیادین تو از تمام حصارهای طبیعی و غیرطبیعی بازدارنده رها شده و به هر دلیل امروز در خانه توست تا بدرد و کار را تمام کند. نمی‌توانی برای رام کردن او اقدام کنی. تنها راه به دام انداختن و به زیر کشیدن اوست. اگر می‌خواهی کسی را که حادترین جنایات تاریخ بشر را در کسری از ثانیه انجام می‌دهد، رام کنی، یعنی از واقعیت هیچ نمی‌دانی و از تاریخ پرفراز و نشیب ایران و منطقه و جهان هیچ نیاموخته‌ای. اگر حافظه تاریخی یک مسئول حتی بیش از یک دهه عمق نداشته باشد هم می‌تواند این مسئله را درست حل کند. شواهد آنقدر زیاد و انباشته است که هیچ جای شک و تعلل باقی نمی‌گذارد. ما برای اخراج دشمن از سرزمین خود قبل از بازدارندگی به بازآفرینی موقعیت نیاز داریم. راهکارهای انفعالی، بازکردن راه برای دشمن است تا تجاوز خود را کامل کند. سیاست‌های رو به جلو راندن مبارزه به زمین حریف راهکار درست است. فراموش نکنیم که جنگ ما قبل از آنکه مربوط به تقسیم زمین باشد، مربوط به تعریف زمین است. اگر او قاعده بازی را بر زمین جنگ تحمیل کرد، یعنی ما داریم در زمین او برای او بازی می‌کنیم. نتیجه هر چه که باشد تایید اوست. اما اگر توانستیم از حیثیت انقلاب اسلامی دفاع کنیم و زحمات یک ملت در طول تاریخ را برای رسیدن به خط مقدم مبارزه با شیطان بزرگ قدر بدانیم، یعنی تعریف جنگ را به دست گرفته‌ایم و تقسیم زمین را بر عهده داریم و فرصت انتقام و حل موضوع خسارت‌ها و مجازات جنایت‌ها را خواهیم داشت.

پایان روزگار نبرد در خانه

امروز در پهنه گسترده جنگ منطقه‌ای دشمن به شدت نگران پادگان اصلی خویش در قلب فلسطین اشغالی است. همه چیز برای رژیم منحوس آمریکایی در نسبت با این غده سرطانی جهش یافته، معنی پیدا می‌کند. عقب‌نشینی برای او یعنی تسلط منطقه بر بقایای رژیم صهیونیستی و اصرار بر تداوم جنگ یعنی از دست دادن تمام توان ذخیره شده طی ده‌ها سال ظلم و ستم و خیانت. او در دو راهی شکست ایستاده و انتظار می‌کشد. شاید کسی در قلعه را از درون باز کند. اما روزگار جنگیدن در خانه گذشته.

امیرالمومنین امام علی (علیه‌السلام) فرمود: «آگاه باشید! من شب و روز، پنهان و آشکار، شما را به مبارزه با شامیان، دعوت کردم و گفتم پیش از آنکه، آنها با شما بجنگند با آنان نبرد کنید، به خدا سوگند، هر ملتی که درون خانه خود مورد هجوم قرار گیرد، ذلیل خواهد شد. اما شما سستی به خرج دادید و خواری و ذلت پذیرفتید، تا آنجا که دشمن پی درپی به شما حمله کرد و سرزمین‌های شما را تصرف نمود و اینک، فرمانده معاویه، با لشکرش وارد شهر انبار شده و فرماندار من را کشته و سربازان شما را از مواضع مرزی بیرون رانده است.

به من خبر رسید که مردی از لشکر شام به خانه زن مسلمان و غیر مسلمان که در پناه حکومت اسلام بود وارد شد و خلخال و دستبند و گردنبند و گوشواره‌های آنها را به غارت برد، در حالی که هیچ وسیله‌ای برای دفاع، جز گریه و التماس کردن، نداشتند، لشکریان شام با غنیمت فراوان رفتند بدون اینکه حتی یک نفر آنان، زخمی بردارد یا قطره خونی از او بریخته شود، اگر برای این حادثه تلخ، مسلمانی از روی تاسف بمیرد، ملامت نخواهد شد و از نظر من سزاوار است.

شگفتا، شگفتا! به خدا سوگند، این واقعیت قلب انسان را می‌میراند و دچار غم و اندوه می‌کند که شامیان در باطل خود وحدت دارند و شما در حق خود متفرقید... .»

به توفیق الهی ایران سرزمین شیعیان امیرالمومنین، علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) هیچگاه همچون مردمان آن زمان دست بسته و منفعل رفتار نکرده و در طول چند دهه گذشته میدان جهاد را با خون بهترین قهرمانانش آراسته و در تمام طبقات و اصناف شهدای بسیار را تقدیم اسلام و انقلاب و عزت و آزادی کرده است؛ اما هنوز در میانه‌های راهیم و هیچگاه نباید تجربه‌های دور و نزدیک را فراموش کنیم. دشمن در تجاوز دست پیش را داشت و ما در پاسخ باید همواره پیش‌دستانه عمل کنیم. این حق ماست و تنها راهی که برای زندگی با شرف و عزت می‌توانیم طی کنیم.

البته در انقلاب اسلامی ایران است؛ اما جهان هنوز نیازمند آزمون و خطای بیشتر و انباشت تجربه و کشف حقایق است. ذخیره فرهنگی غرب اجازه نمی‌دهد به چیزی شبیه انقلاب اسلامی ایران فکر کنند؛ اما در حال تماشای صحنه‌ای هستند که تاکنون به صورت وارونه روی پرده نمایش به آنها نشان داده می‌شد.

بزرگ‌ترین اشتباه غرب

تجاوز غرب به ایران طی یک سال گذشته بزرگ‌ترین اشتباهی بود که می‌توانستند انجام دهند. آنان پس از طوفان الاقصی تمام توانی را که ذخیره کرده بودند از دست دادند و دانستند که منطقه در حال انفجار علیه طرح غرب است. واکنش آنان که تصمیم نداشتند از موضع دیوسالارانه خود عقب بنشینند افزودن بر موج آتش بود. همان چیزی که از یک جوهر شیطانی انتظار می‌رود. همان تصمیمی که نمرودها و بخت‌النصرها گرفتند تا مومنین را بدون هیچ گناهی و فقط برای حفظ طاغوت و سلطه خویش بر انسان بسوزانند. غرب امروز وارث تمام وحشی‌گری‌های جن و انس روی زمین است. البته در لباس توسعه و آزادی که مفهوم واقعی آن سلطه مطلق بر دیگران است. وقتی جماعتی به قدرت رسیدند که ایده آنان توان تامین سعادت و سلامت برای انسان را ندارد، گروهی را برای خود برگزیدند و سایرین را در دسته انسان‌های فرومانده، عقب‌مانده، نااهل و مستحق نابودی قرار دادند. آنگاه با تعداد اندکی از انسان‌ها حکومتی برپا کردند که جز تضعیف و تحقیر و تخریب انسان ایده‌ای نداشت. ضعیف‌ها برای چیره شدن دیگران را تضعیف می‌کنند. مانند ویروسی که میزبان خود را بیمار می‌کند و از پا درمی‌آورد یا مثل انگلی که میزبان خود را بی‌رحمانه استخدام می‌کند تا رشد کند یا مانند غده سرطانی که هیچ ارزشی برای حیات میزبان خود قائل نیست؛ اما برای رشد خود تماما وابسته به میزبان است بدون ذره‌ای وفاداری یا سازگاری و همکاری. اگر ماهیت وحشی و مهاجم چنین دشمنی را بشناسیم خواهیم دانست که برای دفاع از زندگی نمی‌توان تنها به بازدارندگی منفی اکتفا کرد. بازدارندگی منفی مربوط به زمانی است که توانسته‌ای دشمن را از سرزمین خود اخراج کنی و او را در یک جغرافیای امن حبس کرده‌ای و تسلط کافی برای مهار او داری. اما زمانی که دشمن فعال در خط مقدم است و خط مقدم خانه توست و جنگ چندوجهی و چندلایه است و تمام نقاط ضعف تو زیر ضرب دشمن است، بازدارندگی منفی نوعی انفعال در مبارزه به شمار می‌آید. هنگام جنگ معمولا قوی‌ترها به خط مقدم می‌روند تا ضعیف‌ترها فرصت تقویت داشته باشند.

اما وقتی دشمن توانسته با ترتیبات بسیار پیچیده، خود را به تمام افراد جامعه تو برساند و هر کس را بر اساس نقطه ضعفی که دارد شناسایی کند و از آن طریق بر او فشار وارد کند، ما با یک وضع جدیدی مواجه هستیم.

امروز تنها در بعد نظامی نیست که با دشمن درگیریم. ما طی دهه‌ها جنگ‌های شناختی و فرهنگی و اقتصادی و امنیتی و سیاسی و نظامی و ترکیبی از همه اینها را تجربه کرده‌ایم. لذا اگر مدیر و مسئولی وضعیت خط مقدم در جنگ ترکیبی را نشناسد و نداند که در کدام نقطه ایستاده‌ایم؛ ممکن است ناخواسته در زمین بازی دشمن، گرفتار تدابیر ضد ایرانی او شود. سخن از یک مقابله بزرگ و اساسی و تمام‌عیار در میان است.

اگر نادانی داستان درباره تقابل تمدن و ضد تمدنی است که در چند قرن اخیر پنجه در پنجه هم بوده‌اند و وضعیت پیچیده‌ای را نسبت به هم تجربه می‌کنند، آنگاه با تقلیل مبارزه و درگیری به یک سهم‌خواهی اقتصادی یا سلطه‌جویی نظامی، به راه‌حل‌هایی خواهی رسید که تنها دشمن را از بن بست انتخاب‌های سخت رها می‌کند و فرصت بازیابی موقعیت و به روزرسانی قدرت می‌دهد. جنگ ما با دشمن متجاوز محصول یک سوءتفاهم نیست. هیچ اشتباهی رخ نداده. منافع کوتاه‌مدت یا میان‌مدت یا رقابت‌های فصلی باعث جنایتی نبوده که او مرتکب شده. وقتی دشمن از تمام خطوط قرمز عبور می‌کند و استثنائی‌ترین جنایت‌ها را علیه ما مرتکب می‌شود و مراحل ممنوعه را با بی‌پروایی تمام طی می‌کند، یعنی در حال خراب کردن تمام پل‌هایی است که در پس سر دارد. این یعنی جایی برای بازگشت نمانده و زمانی برای ماندن ندارد. آنها به خاطر اخباری که از وضع خود دارند و البته خطاهایی که در برآورد وضعیت ما داشتند، تصمیم گرفتند عزیزترین دارایی‌های ما را ترور کنند. سیاست حذف سرآمدان و برگزیدگان و نخبگان در بی‌رحمانه‌ترین شکل خود انجام شد. حرکتی که از روز اول انقلاب آغاز شده بود و هر روز ابعاد خائنانه‌تری پیدا کرد. آنها ما را در خانه‌های امن و آرام‌مان تهدید کردند. آنان تصمیم گرفتند ما را به جنگ وجودی دعوت کنند و برای این کار از همه دیوارها گذشتند و همه مسیرهای اصلاح را از بین بردند. حالا آنها با تمام دارایی‌های خود وسط میدان جنگ نه راه پس دارند و نه راه پیش. وقتی یک دشمن اهداف بلندمدت خود را برای رسیدن به نقطه‌ای در میدان به آتش می‌کشد یک پیام روشن و آشکار دارد. من چیزی برای باختن ندارم. با من از صلح حرف نزنید. اما اگر وسط جنگ دست به دامن حیله‌های تکراری و نقشه‌های کهنه صد بار آزموده شد، یعنی امیدوار است در طرف مقابل کسانی باشند که یا با تجاوز همدل و همراهند یا هیچگاه از تجربه درس نمی‌گیرند. اگر ما خود را به ندانستن و ندیدن روشن‌ترین واقعیات بزنیم، دشمن این را یک کرامت و هدیه بزرگوارانه قلمداد نخواهد کرد؛ بلکه آن را یک حماقت تمام‌عیار و یک فرصت غیرقابل تکرار در نظر خواهد گرفت. درنده‌ها قاعده لطف را نمی‌فهمند. ضدانسان‌ها روابط انسانی را درک نمی‌کنند. شیاطین درهای دوستی را پنجره فرصت می‌بینند.

لحظات طلایی جنگ برای گذر از بحران

در جنگ‌های مدرن روزنه‌های پیروزی زودهنگام به ندرت باز می‌شود. زیرا مفصل‌بندی این جنگ‌ها و درجه آزادی که در اختیار صاحبانش قرار می‌دهد بسیار زیاد است. اما گاه در یک فرصت خاص، تمام امکان‌ها قفل می‌شود و یک طرف راه مستقیم برای عبور از وضعیت به دست می‌آورد. آنگاه غنیمت دانستن این گذرگاه محدود می‌تواند لحظه طلایی جنگ را رقم بزند. آدم‌ها از شرایط درس می‌گیرند. دشمن هوشمندانه می‌جنگد. سخت‌ترین آموزش‌ها در خط مقدم اتفاق می‌افتد. زمانی که توانستی دست دشمن را بخوانی و یک گام برای مهار جنگ به پیش بگذاری، نباید به هیچ وجه در پیش‌دستی تردید کنی. اگر می‌توانی آتش را قبل از آنکه تو را خاکستر کند، بسوزانی، این کار را بکن. تصمیم‌گیری درباره مراحل بازگشت ناپذیر بسیار سخت است. اما در جنگ چنین موقعیت‌هایی دروازه‌های پیروزی‌اند. اگر مسئولان شجاعت و اراده عبور از موقعیت تنش به موقعیت غلبه را نداشته باشند یا باور به پیروزی در آنها سست باشد، نمی‌توانند آن را به دست بیاورند. گاهی چنین است. افرادی در جریان مبارزه قرار می‌گیرند که ایمان دارند هرگز پیروز نخواهند شد یا تردید دارند که پیروز خواهند شد. آنان در تصمیمات خود دچار تزلزل خواهند شد و دشمن خواهد توانست ایشان را به زمین بازی خود بکشاند و با تردید آنان جنگ را مدیریت کند. فرصت‌ها را برباید و هزینه‌ها را کاهش دهد و خط پیروزی را پیش روی خود ترسیم کند.

پس از شهادت مظلومانه ولی فقیه زمان، نایب صاحب‌الزمان، آن یگانه دوران حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای (رضوان‌الله تعالی علیه) هیچگاه وضعیت به حالت قابل مهار قبل از آن بازنخواهد گشت. دشمن سعی خواهد کرد ما را فریب دهد و تلاش کند تا تنظیمات صحنه را به حالت قبل از جنایت فوق حاد خود بازگرداند. اما واقعیت غیرقابل انکار این است که سدی بزرگ شکست و آنچه در پس آن ذخیره شده بود فروریخت و در پایین‌دست خسارت‌هایی وارد کرد که به هیچ عنوان قابل جبران نیست، مگر اینکه ما به خواسته‌های حداکثری خود برسیم. خواسته حداکثری ما از ۳۰۰ پهپاد و موشک کروز و بالستیک از خاک ایران به سمت سرزمین‌های اشغالی شلیک شد؛ این بار اما نه با واسطه، بلکه با امضای رسمی ایران. راهبرد ضربه در برابر تهدید دیگر یک تئوری نبود؛ یک واقعیت میدانی بود.

جنگ ۱۲ روزه ضعف‌ها را بی‌رحم نشان داد. اما نقطه قوت اینجاست که در ایران، اشتباه نابودی نیست؛ درسی است برای بازسازی. پس از این جنگ، سیستم فرماندهی ایران به ۳۱ منطقه دفاعی مستقل تقسیم شد که هرکدام می‌توانند بدون دستور از مرکز، موشک شلیک کنند. سایت‌های ثابت جای خود را به شهرهای موشکی زیرزمینی و پرتابگرهای متحرک دادند. سامانه بومی باور-۳۷۳ جانشین اس-۳۰۰ شد و به گفته یک فرمانده سابق نیروی هوایی اسرائیل، «روزهایی که پرواز بر فراز ایران گردش در پارک بود، تمام شده است.»

این همان دفاع موزائیکی است؛ نظامی که سرندارد تا قطع شود؛ اگر سرداران از میان بروند، یگان‌ها همچنان می‌جنگند. آنچه امروز سپاه و ارتش بر اساس آن عمل می‌کنند، ریشه در اندیشه‌ای دارد که فرمانده شهید کل قوا، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، آن را از بازدارندگی واکنشی به بازدارندگی فعال و غیرقابل پیش‌بینی تبدیل کرد. تاکید بر آمادگی برای اجرای عملیات تهاجمی پرقدرت و حق دفاع مشروع پیش‌دستانه، نه یک اقدام تجاوزجویانه، بلکه طراحی معادله‌ای است که در آن بازدارندگی دیگر با ایستادگی معنا نمی‌یابد، بلکه با توانایی اعمال قدرت در عمق تهدید محقق می‌شود. سخنگوی ارتش صریح می‌گوید: «این دکترین را به سمت یک دکترین نظامی تهاجمی تغییر داده‌ایم» و این مسیر تا تحقق بازدارندگی کامل ادامه دارد.

ازدفاع تا تهاجم

از آبادان تا عین‌الاسد

زینب صفایی

آگاه مسائل اندیشه

سه بار تجاوز را از سر گذراندیم. سه بار دشمن آمد و ما ماندیم. اما ماندن ما هر بار شکل تازه‌ای داشت. بار اول، در برابر ارتش بعث ایستادیم. بار دوم، در برابر رژیم صهیونیستی پاسخ دادیم. بار سوم، در برابر آمریکا، پیش از آنکه ضربه بخوریم، ضربه زدیم. این روایت تحول از ایستادن تا پیش رفتن است.

چرا هنوز دفاع؟ پرسش درستی است که چرا بر هر سه تجربه، نام دفاع می‌گذاریم. پاسخ در یک جمله ساده نیست. جنگ هشت‌ساله را دفاع مقدس نامیدیم چون آتش از آن سو شعله گرفت. ما آغازگر نبودیم؛ پاسخ‌دهنده بودیم. اما آنچه در طول جنگ شکل گرفت، فراتر از واکنش بود.

امام خمینی (ره) با طرح دفاع همه‌جانبه، مفهوم دفاع را از یک کنش صرفا نظامی به یک راهبرد اجتماعی و اعتقادی گسترش داد. وقتی فرمان داد «از خرمشهر اینها را بیرون بکنند، حال تهاجمی بگیرند»، درواقع دفاع را از پشت خاکریز به پشت مرزهای دشمن برد. این همان نقطه‌ای است که واژه دفاع معنایی تازه می‌یابد؛ دفاعی که در آن، تهاجم یک ابزار است نه یک هدف. در فقه اسلامی نیز دفاع مشروع پیش‌دستانه ریشه دارد. علامه طباطبایی در تفسیر آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ» می‌نویسد که دشمن یک جامعه اسلامی، دشمن همه افراد آن جامعه است و بر همه است که پیش از حمله، آمادگی داشته باشند. این یعنی دفاع، در انتظار تهاجم نمی‌ماند.

۴۰ سال بعد از مهر ۱۳۶۰

عملیات ثامن‌الائمه، مهر ۱۳۶۰. ۴۲ ساعت نبرد بی‌وقفه. حصر آبادان شکسته شد، بیش از ۱۵۰ کیلومتر مربع از خاک ایران بازپس گرفته و صدها تانک دشمن منهدم شد. سردار محسن رضایی این عملیات را «نقطه اعتماد به نفس مرحله دوم جنگ» نامید. از این نقطه به بعد، واژه دفاع دیگر فقط ایستادگی نبود؛ حرکت بود. ۴۰ سال بعد، در ۱۸ دی ۱۳۹۸، پس از ترور شهید سلیمانی، ۱۳ موشک بالستیک به پایگاه عین‌الاسد شلیک شد. آمریکایی‌ها که تا آن روز تصور می‌کردند هزینه حمله به ایران قابل محاسبه است، با معادله‌ای تازه روبه‌رو شدند. فروردین ۱۴۰۳ نیز بیش از ۳۰۰ پهپاد و موشک کروز و بالستیک از خاک ایران به سمت سرزمین‌های اشغالی شلیک شد؛ این بار اما نه با واسطه، بلکه با امضای رسمی ایران. راهبرد ضربه در برابر تهدید دیگر یک تئوری نبود؛ یک واقعیت میدانی بود.



عنوان دفاع بر هر سه تجربه جنگی، نه تعارف سیاسی است و نه نادیده گرفتن ابتکار عمل. دفاعی که ما از آن سخن می‌گوییم، از جنس برخاستن پیش از کوبیده شدن است. از جنس خرمشهری که پس از آزادسازی، هرگز دیگر به دست دشمن نیفتاد. از جنس عین‌الاسدی که به آمریکایی‌ها فهماند هزینه تحرک در این منطقه از یک قبضه سلاح بیشتر است. از جنس وعده صادقی که اسرائیل را در پناه سپر آهنینش نیز امن نگذاشت.

این دفاع، نامش تهاجم است و تهاجم، وقتی در خدمت بقا باشد، نامش دفاع می‌شود. قرآن کریم این منطق را در آیه ۲۵۱ سوره بقره گشوده است: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ». اگر خداوند مردمان را در برابر یکدیگر به دفاع برنمی‌انگیخت، زمین تباه می‌شد. این یعنی دفع همان ریشه دفاع، بدون رویارویی و پیش‌دستی محقق نمی‌شود. دفاع، اسم مصدری از دل کنش است، نه انفعال.

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

روزنامه آگاه

۶۴۰

آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
مدیرمسئول: محمدمهدی رحمتی
سردبیر: امیر اسماعیلی
دبیر تحریریه: رضا ظریفی
مدیر داخلی: عماد خورشیدطلب
دبیران گروه‌ها: هادی رضایی سیاست | سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه
مجتبی مشهدی محمد فرهنگ

خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان ابن سینا
۹۲۰۰۴۷۱۶ - ۰۲۱ کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۵۱۳
www.Agaah.ir | m@agaah.ir | agaah_ir

پنج‌شنبه

۲۶ شهریور ماه ۱۴۰۵

۵ ربیع الثانی ۱۴۴۸ | ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۶

اذان صبح	۰۴:۲۱
اذان ظهر	۱۱:۵۹
اذان مغرب	۱۸:۲۸
نیمه‌شب‌شرعی	۲۳:۱۶

کاغذی

اولین کتاب زندگی با یک پوند

در انگلستان، موسسه خیریه‌ای به نام World Book Day هر سال مجموعه‌ای از کتاب‌های جذاب و متنوع را با قیمت فقط یک پوند عرضه می‌کند تا بچه‌های بیشتری صاحب کتاب شوند و از خواندن لذت ببرند.
بن‌های یک پوندی از طریق مدارس به کودکان می‌رسد. کودک بن را به کتابفروشی می‌برد، یکی از کتاب‌های طرح را خودش انتخاب می‌کند و صاحب کتاب می‌شود. یک پوند هم واقعا پول کمی است؛ در حد قیمت یک بطری آب ارزان. اگر قدرت خرید را مقایسه کنیم، برای یک انگلیسی چیزی در حدود ۲۰ هزار تومان برای یک ایرانی است. نزدیک یک میلیون کودک در انگلستان کتاب شخصی ندارند. یک چهارم کودکان کم‌برخورداری که از این بن استفاده کرده‌اند گفته‌اند کتابی که گرفته‌اند، اولین کتاب شخصی زندگی‌شان بوده است. در ارزیابی برنامه هم ۴۳ درصد کودکان گفته‌اند بعد از این تجربه بیشتر کتاب می‌خوانند. ایده ساده است؛ کتاب خوب را ارزان و دسترس‌پذیر کن، بگذار کودک خودش به کتابفروشی برود، کتابش را انتخاب کند و لذت صاحب کتاب شدن را بچشد.

بیستمین روبوکاپ آزاد ایران در قلب تهران آغاز شد

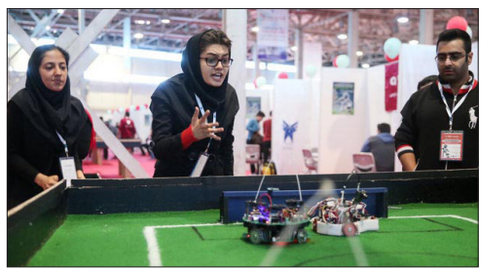
بیستمین دوره مسابقات «روبوکاپ آزاد ایران»، صبح چهارشنبه، ۲۵ شهریور با حضور بیش از ۴۰۰ تیم و دو هزار شرکت‌کننده در مصلای امام خمینی (ره) تهران آغاز به کار کرد. این رویداد که یکی از معتبرترین آوردگاه‌های رباتیک و هوش مصنوعی در سطح کشور محسوب می‌شود، تا ۲۷ شهریور ادامه خواهد داشت. فرآیند انتخابی تیم‌های شرکت‌کننده در این دوره از رقابت‌ها در فروردین سال جاری طی شده و برگزیدگان آن به مسابقات جهانی اعزام شده بودند؛ حال در این مرحله، تیم های دانش آموزی، دانشجویی و پژوهشگران حوزه رباتیک در ۳۰ لیگ تخصصی به رقابت می‌پردازند.

تنوع لیگ‌ها؛ از امدادگر تا خودروهای خودران

این دوره از مسابقات با هدف به چالش کشیدن توانمندی‌های فنی در حوزه‌های کاربردی طراحی شده است. لیگ‌های «امدادگر مازن»، «امدادگر لاین»، «طراحی و ساخت»، «فوتبال دوبعدی دانش‌آموزی»، «ربات‌های پرنده (دانش‌آموزی و دانشجویی)»، «فوتبالیست دانش‌آموزی»، «شبیه‌ساز امداد»، «شبیه ساز فوتبال»، «ربات‌های سرویس رسان در محل کار» و «خودروهای خودران» از جمله بخش‌های اصلی این مسابقات هستند.
علاوه بر بخش‌های فنی، لیگ‌های نوآوری و خلاقیت نیز برای شرکت‌کنندگان در نظر گرفته شده است تا فضای رقابتی، فرصتی برای شناسایی استعدادهای برتر و ایده‌های نوین فراهم آورد. یکی از ویژگی‌های مهم این رقابت‌ها، حضور همزمان دانش‌آموزان و دانشجویان در کنار پژوهشگران حوزه رباتیک است؛ موضوعی که امکان شکل گیری یک مسیر آموزشی و پژوهشی از مراحل ابتدایی یادگیری تا فعالیت‌های تخصصی‌تر در حوزه رباتیک را فراهم می‌کند.

پیوند دانشگاه و صنعت در آوردگاه روبوکاپ

روبوکاپ آزاد ایران فراتر از یک رویداد رقابتی صرف، بستری برای نمایش دستاوردهای فناورانه و شناسایی نخبگانی است که می‌توانند آینده صنعت رباتیک کشور را متحول کنند. این مسابقات با ایجاد فضای تعاملی، پل ارتباطی میان پژوهشگران و نیازهای عملیاتی صنایع ایجاد کرده و با فراهم کردن بستر آزمون و خطا، مسیر تبدیل ایده‌های آزمایشگاهی به راهکارهای صنعتی را هموار می‌کند. پیش‌بینی می‌شود طی سه روز برگزاری این رویداد، ضمن ارزیابی دقیق پروژه‌ها در ۳۰ لیگ تخصصی، شاهد هم‌افزایی علمی میان تیم‌های حاضر و ارتقای سطح دانش رباتیک کشور باشیم.





برداشت انجیر در استهبان

استهبان این روزها شاهد آغاز یکی از مهم‌ترین فصل‌های اقتصادی خود است؛ فصل برداشت انجیر از بزرگ‌ترین انجیرستان دیم جهان. در این شهرستان حدود ۲۶ هزار هکتار باغ انجیر دیم وجود دارد که نزدیک به ۲۳ هزار هکتار آن بارور است و برداشت محصول از اواسط مرداد آغاز شده و تا اواسط مهر ادامه دارد. بر اساس برآوردهای اولیه، پیش‌بینی می‌شود امسال حدود ۱۸ هزار تن انجیر خشک از باغ‌های استهبان برداشت شود؛ محصولی که پس از برداشت از باغ‌ها، وارد چرخه خرید و فروش، فرآوری، درجه‌بندی و بسته‌بندی شده و بخشی از آن برای نگهداری و عرضه در زمان مناسب به سردخانه‌ها منتقل می‌شود. انجیرستان استهبان علاوه بر وسعت کم‌نظیر، به دلیل شیوه سنتی و دیم تولید، دانش بومی باغداران و ویژگی‌های اقلیمی منطقه، در نظام میراث مهم کشاورزی جهان (GIAHS) نیز به ثبت رسیده و نقش مهمی در اقتصاد، اشتغال و تجارت این منطقه دارد.

عکس: الهربی - رحیم‌زاده / مهر

سبک زندگی

پول‌تان را دور نریزید!

قبل از خرید نوشت‌افزار این نکته‌ها را بدانید

خرید لوازم‌التحریر برای شروع سال تحصیلی می‌تواند هزینه زیادی روی دست خانواده‌ها بگذارد؛ به‌خصوص اگر بدون بررسی وسایل سال قبل و فهرست نیازهای واقعی انجام شود. با چند نکته ساده می‌توان وسایل مدرسه را متناسب با سن و نیاز دانش‌آموز انتخاب کرد و هزینه‌های اضافی را کاهش داد.
خرید لوازم‌التحریر برای بسیاری از خانواده‌ها یکی از کارهای همیشگی پیش از آغاز سال تحصیلی است اما قرار نیست هرچه درویترین فروشگاه‌ها جذاب‌تر به نظر می‌رسد، حتما برای دانش‌آموز هم کاربردی‌تر باشد. از مرتب کردن وسایل باقی‌مانده از سال قبل تا انتخاب دفتر، مداد و خودکار متناسب با سن و نیاز کودک، چند تصمیم ساده می‌تواند هم هزینه خانواده را کمتر کند و هم وسایل مدرسه را کاربردی‌تر و منظم‌تر نگه دارد.
یکی از ساده‌ترین راه‌ها برای جلوگیری از خریدهای اضافه این است که خانواده پیش از رفتن به فروشگاه، سری به کمد، کشو یا کیف مدرسه سال گذشته بزند. ممکن است چند مداد سالم، پاک‌کن، خط‌کش، مداد رنگی، دفتر نیمه استفاده یا حتی جامدادی مناسب هنوز قابل استفاده باشد. این کار علاوه بر کاهش هزینه، به کودک یاد می‌دهد که خرید کردن همیشه به معنای جایگزین کردن همه وسایل قدیمی با وسایل نو نیست. می‌توان وسایل سالم را نگه داشت و فقط آنچه واقعا تمام شده یا دیگر قابل استفاده نیست را خرید.
برای مثال اگر دانش‌آموز هنوز چند دفتر سفید و سالم دارد، لازم نیست فقط به دلیل شروع سال تحصیلی همه دفترهایش عوض شود. البته در مورد دفتر و کتاب باید فهرست مدرسه و نیاز هر درس را هم در نظر گرفت.

یک فهرست خرید ساده تهیه کنید

بهتر است پیش از خرید، وسایل مورد نیاز در چند گروه نوشته شوند. مثلا «ضروری»، «قابل استفاده از سال قبل» و «خرید در صورت نیاز». این تقسیم‌بندی مانع می‌شود کودک یا والدین هنگام خرید، تحت تاثیر ظاهر رنگارنگ محصولات قرار بگیرند و وسایلی بخرند که در طول سال کمتر استفاده خواهند شد.
مداد، پاک‌کن، تراش، خودکار، دفتر و جامدادی معمولا جزو وسایل پایه هستند اما تعداد و نوع آنها باید بر اساس مقطع تحصیلی و فهرست اعلام‌شده از سوی مدرسه مشخص شود. حتی ممکن است یک دانش‌آموز در پایه ابتدایی به مداد بیشتری نیاز داشته باشد، در حالی که دانش‌آموز دوره متوسطه بیشتر با خودکار، دفترهای تفکیک‌شده و ابزارهای مخصوص بعضی درس‌ها سروکار دارد.
خرید گروهی هم می‌تواند به خانواده کمک کند. برای نمونه اگر چند خانواده فهرست نیازهای مشابهی داشته باشند، می‌توانند قیمت چند فروشگاه را با هم مقایسه کنند. با این حال، ارزان‌تر بودن نباید تنها معیار انتخاب باشد. وسیله‌ای که خیلی زود خراب شود، در نهایت ممکن است هزینه بیشتری روی دست خانواده بگذارد.

وسایل ضروری را از وسایل فانتزی جدا کنید

دفترهایی با طرح شخصیت‌های کارتونی، مدادهای رنگارنگ و جامدادی‌های پر از بخش‌های مختلف ممکن است برای کودک جذاب باشند اما جذابیت ظاهری به تنهایی دلیل کافی برای خرید نیست. بهتر است والدین هنگام خرید از خود بپرسند که «این وسیله قرار است چند بار و برای چه کاری استفاده شود؟» اگر پاسخ روشنی وجود ندارد، احتمالا خرید آن ضروری نیست.
این موضوع به ویژه درباره دانش‌آموزان کم سن اهمیت دارد. کودک ممکن است یک پاک‌کن بسیار بزرگ یا جامدادی چند طبقه را دوست داشته باشد اما اگر این وسیله بخش زیادی از کیف را اشغال کند یا مرتب باعث گم شدن وسایل شود، انتخاب مناسبی نخواهد بود. در مقابل وسایل ساده و بادوام می‌توانند برای مدت طولانی‌تری مورد استفاده قرار گیرند.
هدف این نیست که همه وسایل مدرسه ساده و بی‌رنگ باشند، بلکه بهتر است بین علاقه کودک و نیاز واقعی او تعادل برقرار شود.

دفتر را متناسب با سن و نوع استفاده انتخاب کنید

دفتر یکی از وسایلی است که دانش‌آموز تقریبا هر روز با آن سروکار دارد. بنابراین تعداد صفحات، اندازه، نوع صحافی و حتی میزان راحتی استفاده از آن اهمیت دارد. برای دانش‌آموزان کوچک‌تر، دفترهایی که باز و بسته کردن آنها آسان است و جلد مناسبی دارند می‌توانند کاربردی‌تر باشند. در پایه‌های بالاتر نیز بهتر است دفتر هر درس به شکلی انتخاب شود که دانش‌آموز بتواند مطالب را مرتب نگه دارد. خانواده همچنین می‌تواند به کودک یاد بدهد که دفترها را با نام درس یا برچسب مشخص کند. این کار ساده، پیدا کردن دفتر مورد نظر را آسان‌تر می‌کند و از آشفتگی کیف جلوگیری می‌شود.

لوازم‌التحریر باید برای دست کودک راحت باشد

یکی از نکات مهم توجه به انتخاب خودکار و مداد مناسب هنگام نوشتن است. در این زمینه بهتر است به جای دنبال کردن ادعاهای تبلیغاتی، معیار اصلی را راحتی استفاده کودک قرار دهیم. مداد یا خودکاری که بیش از اندازه باریک، سنگین یا لغزنده باشد ممکن است برای بعضی کودکان خوشایند نباشد. از طرف دیگر یک ابزار نوشتاری ساده که کودک به‌راحتی آن را در دست می‌گیرد و هنگام نوشتن مجبور نیست فشار زیادی وارد کند، می‌تواند انتخاب مناسب‌تری باشد.

جامدادی را انبار وسایل نکنید

جامدادی قرار است وسایل مورد نیاز دانش‌آموز را در دسترس قرار دهد، نه اینکه خودش به یک کیف کوچک و سنگین تبدیل شود. گاهی کودک به دلیل علاقه به رنگ‌ها و طرح‌های مختلف، تعداد زیادی مداد، خودکار، ماژیک و ابزار دیگر را داخل جامدادی می‌گذارد. نتیجه این است که پیدا کردن یک مداد ساده هم زمان می‌برد. بهتر است همراه کودک وسایل ضروری را انتخاب کنید و هر چند وقت یک بار جامدادی را مرتب کنید. مدادهای کوتاه و غیرقابل استفاده، خودکارهای تمام‌شده و وسایل شکسته را می‌توان کنار گذاشت.

انتخاب لوازم‌التحریر باید با مقطع تحصیلی هماهنگ باشد

نیاز یک دانش‌آموز کلاس اول با نوجوان دوره متوسطه یکسان نیست. بنابراین خرید یک فهرست ثابت برای همه فرزندان خانواده منطقی نیست. در سال‌های ابتدایی سادگی، راحتی استفاده و دوام وسایل اهمیت بیشتری دارد. در سال‌های بالاتر دانش‌آموز ممکن است به دفترهای بیشتری برای درس‌های مختلف، ابزارهای ترسیمی یا وسایل تخصصی‌تر نیاز پیدا کند.

کیف مدرسه را هم هنگام خرید فراموش نکنید

هرچند این مقاله بر لوازم‌التحریر تمرکز دارد اما انتخاب این وسایل بدون توجه به کیف مدرسه کامل نیست. اگر دفترها، کتاب‌ها و وسایل مختلف در یک کیف نامناسب جمع شوند، حمل آنها می‌تواند برای کودک دشوار شود. کیف باید متناسب با اندازه بدن کودک باشد و بهتر است دو بند پهن و قابل تنظیم داشته باشد. همچنین قرارگرفتن کیف نزدیک به پشت و استفاده از هر دو بند می‌تواند به توزیع بهتر وزن کمک کند.



#تجربه_کردم

آدم «افسرده»، نونش از بقیه نون‌ها شورتره...
آب نوشیدنی‌ش افتضاح‌تر از بقیه‌س (لابد!)...
حوصله هم نداره؛ چون عالم و آدم دارن برای نابودی همین یه نفر، نقشه می‌کشن!...
فهمیدی رفیق؟!...
پس هی بهش پیشنهاد کلاس یوگا و موگا... ورزش‌های «هوا»زی و سفر به مناطق خوش آب‌وهوا نده!...
آدم افسرده، چیزیش نیست...
فقط از چیزهایی که حالش رو خوب می‌کرده‌ن، «محروم» شده.
اگه همون چیزها...
آدم‌ها...
جایگاه‌ها...
و پیشامدها رو بهش برگردونی - به صورت خودکار - حالش خوب خواهد شد!

سیدمحمد سادات‌اخوی / نشر پرنده

اداره یک کلینیک چشم‌پزشکی به هوش مصنوعی سپرده شد!

چین به تازگی اداره یک کلینیک چشم‌پزشکی را به هوش مصنوعی سپرد. هم‌اکنون شاهد کاربرد گسترده هوش مصنوعی در زمینه‌هایی همچون تحلیل تصاویر پزشکی (اسکن‌ها)، طراحی داروها و پیش‌بینی آینده بیماری‌ها یا ابتلا به آنها هستیم، اما پژوهشگران «موسسه علوم بینایی و تحقیقات چشم‌پزشکی انتقالی پکن»(BERI) در چین تصمیم گرفتند گام را فراتر بگذارند و اداره یک کلینیک چشم‌پزشکی را (البته همچنان تحت نظارت انسان) به هوش مصنوعی واگذار کنند.
نام این مرکز درمانی «AI-TEC» (کلینیک چشم پزشکی «چینگ هوا» با پشتیبانی عامل هوش مصنوعی) است. اگرچه پزشکان انسانی نیز در آن حضور داشتند، اما ساختار کلینیک از همان ابتدا به گونه‌ای طراحی شده بود که حداکثر بهره را از هوش مصنوعی ببرد؛ نه اینکه این ابزارها صرفا به سیستم‌ها و روش‌های درمانی موجود الحاق شوند. بر اساس گزارش نشریه Nature Medicine، این رویکرد بدین معناست که هوش مصنوعی در تمامی مراحل، از مشاوره اولیه گرفته تا پیگیری وضعیت بیمار و همچنین انجام اسکن‌های حیاتی چشم، نقش ایفا می‌کند.
پژوهشگران در مقاله منتشرشده خود نوشتند: ما درس‌هایی از مراحل اولیه پیاده‌سازی ارائه می‌دهیم؛ مراحلی که در آن هوش مصنوعی از سطح صرفا عملکرد الگوریتمی فراتر رفته و به سمت تحول در گردش کار بالینی و یکپارچه‌سازی در سطح سیستم حرکت می‌کند. یعنی همان جایی که در نهایت ارزش بالینی خلق می‌شود. یافته‌های جالب توجهی از کارآزمایی AI-TEC به دست آمد. نخست اینکه، عملکرد هوش مصنوعی در آغاز کار برای شناسایی بیماری‌های چشمی نظیر گلوکوم (آب‌سیاه) و «دژنراسیون ماکولا وابسته به سن» از نرخ موفقیت نسبتا پایینی برخوردار بود.
با این حال، زمانی که متخصصان چشم پزشکی ۱۴۲۶ تصویر با کیفیت از اسکن‌های چشمی را که به درستی برچسب‌گذاری شده بودند و وضعیت بیماری در آنها مشخص شده بود به هوش مصنوعی دادند، سطح دقت به‌طور قابل توجهی افزایش یافت. این داده‌های جدید عملکردی بهتر از داده‌های آموزشی اولیه شامل حدود ۲۷ هزار تصویر با کیفیت پایین‌تر و برچسب‌گذاری ناقص‌تر داشتند.
این پژوهش در مجله Nature Medicine منتشر شده است.



شکستن قولنج گردن چه زمانی خطرناک است؟

صدای «تق» گردن برای بسیاری از افراد با احساس رهایی از گرفتگی و خستگی همراه است و همین موضوع باعث شده شکستن قولنج به عادتی روزمره تبدیل شود. اما آیا این کار همیشه بی‌خطر است؟

صدای «تق» گردن از کجا می‌آید؟

صدای ایجادشده هنگام حرکت دادن مفاصل گردن لزوما به معنی جابه‌جا شدن مهره یا «جا افتادن» آن نیست. مفاصل، رباط‌ها و بافت‌های اطراف گردن هنگام حرکت تغییر وضعیت می‌دهند و تغییرات فشار داخل مفصل نیز می‌تواند باعث ایجاد صدا شود. بنابراین شنیدن صدای تق‌تق به‌تنهایی به معنی آسیب دیدن گردن نیست. مسئله مهم‌تر نحوه ایجاد این صدا است. یک حرکت معمولی و آرام با چرخاندن ناگهانی و شدید گردن تفاوت زیادی دارد. به زبان ساده نگرانی اصلی متخصصان بیشتر متوجه زمانی است که فرد برای شکستن قولنج، گردن را با شدت زیاد می‌چرخاند، می‌کشد یا به آن فشار وارد می‌کند.

چه زمانی شکستن قولنج می‌تواند خطرناک شود؟

شواهد علمی نمی‌گویند که شکستن قولنج گردن به طور معمول باعث سکته مغزی می‌شود. حتی درباره ارتباط مستقیم میان دستکاری گردن و سکته، هنوز نمی‌توان یک رابطه قطعی و ساده بیان کرد. یک مرور نظام‌مند مطالعات نیز نتیجه گرفته است که شواهد موجود برای اثبات یک ارتباط قوی و قطعی کافی نیست. با این حال، یک نگرانی پزشکی جدی وجود دارد. در موارد نادر، حرکت یا فشار شدید گردن می‌تواند با آسیب به یکی از رگ‌های مهم گردن همراه شود. این رگ‌ها وظیفه رساندن خون به مغز را بر عهده دارند. رگ‌های مهمی در دو طرف گردن قرار دارند و خون را به مغز می‌رسانند. اگر دیواره یکی از این رگ‌ها آسیب ببیند، ممکن است در محل آسیب لخته ایجاد شود. در صورتی که لخته باعث بسته شدن مسیر خون یا حرکت آن به سمت مغز شود، خون‌رسانی به بخشی از مغز مختل خواهد شد. این اتفاق می‌تواند به سکته مغزی منجر شود.

چه کسانی باید بیشتر احتیاط کنند؟

همه افراد به یک اندازه شرایط یکسانی ندارند. برخی مشکلات زمینه‌ای می‌توانند احتمال آسیب عروق گردن را افزایش دهند و به همین دلیل افرادی که سابقه بیماری‌های عروقی یا برخی مشکلات مربوط به بافت همبند دارند، بهتر است بدون نظر پزشک سراغ دستکاری شدید گردن نروند. همچنین افرادی که به‌طور مداوم گردن خود را با فشار زیاد می‌شکنند، باید این عادت را کنار بگذارند. تکرار یک حرکت شدید فقط به این دلیل که بعد از آن احساس راحتی ایجاد می‌شود، روش مناسبی برای مدیریت درد یا خشکی گردن نیست.

آب و هوا

رگبار تابستانی در جنوب ایران

کاهش دما در راه نیمه غربی کشور

پیش‌بینی مدل‌های هواشناسی از تداوم رگبار در جنوب و وزش باد در شرق ایران و آغاز روند خنک شدن هوا خبر می‌دهد.
بررسی نقشه‌های پیش‌بینی هواشناسی برای روزهای پایانی شهریور نشان می‌دهد ناپایداری‌های جوی در بخش‌هایی از جنوب و شرق کشور ادامه خواهد داشت و همزمان روند کاهش دما در برخی مناطق آغاز می‌شود. بر اساس الگوهای جوی، جنوب سیستان و بلوچستان، جنوب غرب کرمان و شمال هرمزگان همچنان در معرض فعالیت سامانه‌های موسمی قرار دارند. در این مناطق احتمال وقوع رگبار و رعدوبرق وجود دارد و در صورت تشدید بارش‌ها، خطر خسارت به باغات و محصولات کشاورزی مطرح است.
همچنین آب‌های جنوبی کشور تا روز جمعه مواج پیش‌بینی می‌شود. نواحی ساحلی و دور از ساحل خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان در این مدت با افزایش ارتفاع موج روبه‌رو خواهند بود و فعالیت شناورهای سبک و تفریحی نیازمند احتیاط بیشتری است. بعدازظهر جمعه ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ با گذر موج تراز میانی از شمال غرب ایران در آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل افزایش ابر، وزش باد، خیزش گردوخاک، رگبار و صاعقه پیش‌بینی شده است. ضمن اینکه با نفوذ جریانات شمالی به غرب سواحل دریای کاسپین، ابرناکی و بارش در شرق اردبیل، گیلان و غرب مازندران آغاز می‌شود. شنبه هفته آینده در آذربایجان شرقی و زنجان رگبار پراکنده روی می‌دهد. یک شنبه آینده در سواحل شمالی کشور، خراسان شمالی و ارتفاعات البرز ابرناکی و بارش باران پیش‌بینی می‌شود.